

راهکارهای بخش خصوصی برای پروژه‌های نیمه تمام

با حضور مهندس عبدالعلی زاده
در کمیسیون اقتصاد سندیکای
شرکت‌های ساختمانی ایران
بررسی شد

۱۴



پیامدهای غفلت از
خصوصی سازی در برنامه نویسی

۱۰

چرا شرکت‌های مهندسی
پروژه محور عمر کوتاهی دارند؟

۲۲

گردهمایی ادواری مدیران تشکلهای
فنی و مهندسی عضو شورای هماهنگی

همصدایی؛

شرط حیات

بخش خصوصی

۳۸

در دومین کنفرانس بناهای بلند
مورد تاکید قرار گرفت

شهر را

سوداگران می سازند

نه شهرسازان

۱۰

فهرست مطالب

صاحب امتیاز: سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران
مدیرمسئول: مهندس جواد خوانساری

شورای سیاست‌گذاری:

- مهندس منوچهر ملکبانی فرد (رئیس هیات مدیره)
- مهندس بهمن دادمان (دبیر)
- مهندس جواد خوانساری (نایب رئیس هیات مدیره و مدیرمسئول)
- مهندس سالار علیاری (خزانه‌دار)
- دکتر ایرج گلابتونچی (عضو هیات مدیره)

رئیس کمیسیون انتشارات: ● مهندس علی ورزنده
سردبیر: ● مهندس محمود مصطفی‌زاده

کمیسیون انتشارات و تحریریه:

- مهندس علی ورزنده (رئیس کمیسیون انتشارات)
- مهندس کاظم سماک (رئیس کمیسیون اقتصاد)
- مهندس عبدالمجید سجادی (رئیس کمیسیون روابط عمومی)
- دکتر ایرج گلابتونچی (رئیس کمیسیون فنی)
- مهندس سیامک مسعودی (کمیسیون قوانین و مقررات)
- مهندس محمود مصطفی‌زاده (سردبیر)
- مهندس محمد غنی‌زاده (مدیر اجرایی)

همکاران این شماره:

- مهندس سید محسن مقدس زاده
- مهندس محمدرضا حاجی علیخانی
- دکتر محمود جام‌ساز
- دکتر مسعود نیلی
- بهمن طهماسبی
- دکتر وحید محمودی
- مهندس فریدون خزایی
- دکتر موسی غنی‌نژاد
- حنیفه امیری
- دکتر حسین ساسانی

حروفچینی، امور بازرگانی و اشتراک: فریا پور آقا
خبرنگار: آرزو نوری
عکس و صفحه‌آرایی: داود خانی
امور آگهی‌ها: شقایق خواجانه‌نصیری

لینتوگرافی و چاپ: پیمان نواندیش (۸۸۸۲۸۷۳۴)

تهران، خیابان طالقانی، بین میدان فلسطین و خیابان ولیعصر،
خیابان شهید برادران مظفر (صبای جنوبی)، شماره ۸۶،

ک.پ: ۱۴۱۶۹۶۴۶۹۱

تلفن: ۶۶۴۴۲۶۱ - ۶۶۴۰۲۰۳۷ فکس: ۶۶۴۴۰۸۴

پست الکترونیکی: payam.abadgaran@acco.ir

نشانی الکترونیکی: www.acco.ir

- پیامدهای غفلت از خصوصی‌سازی در برنامه‌نویسی - سرمقاله
- شهر را سوداگران می‌سازند نه شهروندان - دومین کنفرانس بناهای بلند
- حضور دکتر عبدالعلی‌زاده در کمیسیون اقتصاد
- راهکارهای بخش خصوصی برای پروژه‌های نیمه تمام
- چاره‌جویی برای طرح‌های نیمه تمام عمرانی - مهندس حاجی علیخانی
- چرا شرکت‌های مهندسی پروژه محور عمر کوتاهی دارند؟ - مهندس مقدس‌زاده
- سناریوهای اقتصاد ایران در پست‌تحریم - دکتر مسعود نیلی
- سخنرانی دکتر آخوندی در پانزدهمین همایش توسعه مسکن
- گردهمایی ادواری مدیران تشکلهای فنی و مهندسی عضو شورای هماهنگی
- در همایش ملی توسعه صادرات غیرنفتی مطرح شد:
- تدوین و اجرای استراتژی توسعه صادرات یک ضرورت اقتصادی است
- پاگرد
- وزیر راه و شهرسازی: افرادی که صلاحیت ندارند نباید در صنعت ساختمان مداخله کنند
- گزارش رئیس کل سابق سازمان امور مالیاتی: ۶۰ درصد اقتصاد ایران مالیات نمی‌دهند
- دکتر غنی‌زاده: ضرورت‌های خروج دولت از قیمت‌گذاری
- دکتر جام‌ساز: تعیین قیمت‌ها در ذات اقتصاد نفتی نهفته است
- فدراسیون آب پس از سه سال تلاش، آفتابی شد
- گزارشی در باره اهرمهای اقتصادی برای تشویق و تنبیه زیست محیطی
- بهترین راه برای مدیریت دارایی‌های سمن چیست؟ دکتر وحید محمودی
- مناظره دو صاحب نظر اقتصادی - رنایی و مصباحی
- گزارش بانک جهانی در خصوص انجام کسب و کار - ایران فقط یک رتبه ارتقاء یافت
- زمان به رسمیت شناختن حقوق مالکیت در ایران فرا رسیده است دکتر حسین ساسانی



نوشته‌های نویسندگان، لزوما نظرات نشریه نیست. نقل مطالب نشریه فقط با ذکر ماخذ مجاز است.

کمیسیون انتشارات در رد یا قبول مقالات ارسالی مختار می‌باشد و در ویرایش علمی، ادبی و خلاصه‌سازی آن مجاز است. در ضمن مقالات ارسالی عودت داده نمی‌شود

پیامدهای غفلت از خصوصی سازی در برنامه نویسی



براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سایر قوانین، دولت‌ها مکلف هستند تا نیمه دوم آذرماه هر سال، برنامه بودجه سنواتی سال بعد را برای بررسی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تحویل نمایند و معمولاً کتابچه برنامه بودجه طی مراسمی توسط شخص رئیس جمهور به مجلس تقدیم می‌گردد، امسال بدلیل مصادف بودن پایان برنامه پنج ساله پنجم و تهیه برنامه ششم توسعه اجتماعی و اقتصادی ایران در دولت، ارائه لایحه بودجه به مجلس با تاخیر مواجه شده است، بطوریکه تا پایان آذر ماه کتابچه برنامه به مجلس تقدیم نگردید. با توجه به اینکه برنامه بودجه سال ۹۵ اولین برش از برنامه ششم توسعه محسوب می‌شود و باید از این برنامه تبعیت نماید، لذا به نظر می‌رسد سندی که در حال حاضر باید براساس نیازهای واقعی اقتصاد، ظرفیتهای آشکار و پنهان اقتصادی داخلی و پیرامونی و شرایط سیاسی منطقه تنظیم شود، برنامه ششم توسعه است که پس از آن قانون بودجه براساس آن تدوین و بررسی می‌گردد.

پایین آمدن قیمت نفت و پیش بینی قیمت نزولی آن در سال ۹۵ احتمالاً دولت را در سال آینده با مشکل زیادی مواجه خواهد کرد. چنانچه بپذیریم دولت بتواند روزانه یک و نیم میلیون بشکه نفت صادر کند با قیمت امروزی آن مبلغ حاصل از آن حتی جوابگوی یارانه‌های نقدی که دولت ملزم به پرداخت آن می‌باشد، نیست. در این شرایط دولت برای تامین منابع بودجه با توجه به کاهش درآمدهای نفتی و همچنین پیچیدگیهای موجود برای وصول درآمدهای مالیاتی در تنگنای مالی شدید خواهد بود.

همانطوری که در سرمقاله‌های قبلی این نشریه تاکید شده، دیوان سالاری بزرگ دولت در مقام مقایسه با دولتهای خیلی از کشورها به گونه‌ای است که متاسفانه چند برابر آنها کارمند دارد. بهر حال

امروز دولت با این همه عائله مجبور است درآمد ناچیز خود را صرف هزینه خانوار بزرگ خود کند و از سوی دیگر نمی‌تواند سایر وظایف اختصاصی و اولیه خود نظیر حفظ امنیت، حفظ مرزها، دفاع از کشور و... را تعطیل کند. در چنین شرایطی نبود سرمایه‌گذاری در زیرساختهای اقتصادی که یکی از وظایف مهم دولت است، خسارتهای جبران ناپذیری را در پی دارد که در خیلی از موارد در سنوات بعدی جبران پذیر نیست. توجه کنیم که حتی نگهداری از سرمایه‌های ملی موجود نظیر راه‌ها، سد‌ها، شبکه‌های آبرسانی و... خود نیازمند سرمایه‌گذاریهای سنواتی است که بدون توجه به این امر دارایی‌های اندوخته شده در طول سالهای متمادی در خطر نابودی قرار می‌گیرد. هزینه‌های مرتبط با آموزش و پرورش، آموزش عالی و پرداخت مستمری بازنشستگان و... از مهمترین ضروریات است که تعطیل شدن نیست.

دولت یک سری هزینه‌هایی دارد که نمی‌تواند آنها را تعطیل کند در عین حال برای هر هزینه‌ای باید محل درآمدی هم داشته باشد در غیر این صورت امکان تنظیم برنامه بودجه مقدور نیست و بدون تعیین درآمد نمی‌شود هزینه‌ای را تعریف کرد. از طرف دیگر، در چنین شرایطی برنامه ششم توسعه اقتصادی و اجتماعی خود را از سال آتی به مرحله اجرا بگذاریم اکنون سوال اساسی این است که آیا شرایط فعلی اجازه می‌دهد به توسعه فکر کنیم؟

یک مسئله در ادبیات و علوم اجتماعی مطرح است که اقتصاددانان نیز در تحلیلهای خود نباید به آن بی‌توجه باشند، آن مسئله بقاست. دولت و حکومتها حتی بخش خصوصی در همه جهان مشکل بقاء دارند وقتی شرایط اقتصادی اجتماعی و سیاسی دچار مشکل می‌شود، مسئله بقاء جدی‌تر می‌شود و سیاستهای توسعه‌ای که ماهیت (آینده‌نگرانه) دارند اهمیت خود را از دست می‌دهند، از اینروست

که در ده سال گذشته اکثر شرکت‌های ایرانی بدلیل مشکلات عدیده موجود استراتژی خود را بر بقاء و حفظ حیات خود گذاشتند و چشم به آینده دوختند تا ببینند اوضاع چگونه چه می‌شود.

به نظر خیلی از اقتصاددانان مساله بقاء با مساله توسعه در تضاد است در بقاء اصولاً یک مدیر اقتصادی اعم از دولتی یا خصوصی به مسائل کوتاه مدت می‌پردازد و آن را در اولویت می‌گذارد. در حالی که در رویکرد توسعه محور، رهیافتهای بلندمدت مطرح می‌شود. اگر در دولتهای گذشته و گاهی در همین دولت فعلی سیاستهای اقتصادی پوپولیستی می‌بینیم ریشه‌اش توجه به مسائل کوتاه مدت است و یکی از نتایج آن اجرا نشدن برنامه‌های توسعه گرایانه است. برنامه‌های توسعه هر چند روی کاغذ دلپذیر هستند اما در عمل همانطور که در پنج برنامه گذشته شاهد بوده‌ایم به درستی اجرا و پیاده نشده و به هیچ وجه انتظارات ناشی از اهداف تعیین شده را برآورده نکرده‌اند.

برای اینکه یک برنامه بتواند به اهداف از پیش تعیین شده خود برسد شرط اول آن است که منابع مورد نیاز به صورت واقع بینانه پیش بینی شده و متناسب با آن برنامه طراحی شود. با این مقدمه اکنون می‌توان پرسید که آیا منابع پیش بینی شده دولت محترم در برنامه ششم قابل تحقق است؟

با توجه به اینکه برنامه‌های میان مدت و توسعه محور ایران چه قبل از انقلاب سال ۵۷ و چه پس از آن عمدتاً به منابع حاصل از فروش نفت و صدور نفت خام متکی بوده، نوسانات قیمت نفت خام در بازار جهانی مجریان برنامه‌ها را در داخل با مشکل دست و دلبازی و یابی پولی مواجه کرده است. جالب آنکه هم افزایش و هم کاهش قیمت نفت خام، اجرای برنامه‌های توسعه را با اختلال مواجه ساخته است.

تجارب گذشته نشان می‌دهد که چنانچه دولت در برنامه ششم نیز بخواهد مثل سابق عمل کند و عبرتها و تجربه‌ها را سرلوحه برنامه نویسی خود قرار ندهد بی‌شک برنامه قبل از شروع اجرا با مشکل مواجه خواهد شد. زیرا امروزه دوران دسترسی به درآمدهای آسان نفتی به سر آمده و برای اداره کشور و رسیدن به یک رشد اقتصادی مطلوب، چاره‌ای جز انتخاب مسیری نداریم که کشورهای محروم از درآمدهای آسان خدادادی، قدم در آن گذاشته‌اند. اهمیت این مساله زمانی مضاعف می‌شود که بدانیم حتی با فرض افزایش قیمت نفت، به دلیل بازه زمانی ناشی از محاسبه فروش نفت براساس قیمت‌های جدید تا ورود ارزهای حاصل از آن به اقتصاد کشور، امکان دستیابی به این درآمدها در میان مدت مقدور نیست.

پارامترهای موثری که نشان می‌دهد نباید به انتظار قیمت‌های بالای نفتی در میان مدت نشست فقط به موارد فوق محدود نیست، بلکه به آن باید تغییر در وضعیت جهان را نیز اضافه کرد. اخیراً همایش بزرگ و مهمی با حضور ۱۹۵ کشور جهان در پاریس در زمینه اکولوژی، کاهش گازهای گلخانه‌ای، هوای پاک و همچنین جلوگیری از گرمای زمین برگزار شد که به یک توافق کلی تاریخی منجر شد، که براساس آن پیش‌بینی می‌شود سطح و میزان استفاده از سوخت‌های فسیلی مورد تجدید نظر قرار بگیرد و در آینده نه چندان دور ممکن است برای استخراج نفت محدودیتهای بین‌المللی ایجاد شود به گونه‌ای که کشورهای تولیدکننده نفت نتوانند به میزان دلخواه خود به استخراج نفت بپردازند و فضای زیست‌محیطی را آلوده و ناسالم کنند.

در چنین شرایطی اگر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و در پی آن دولت محترم و مجلس بتوانند برنامه ششم را براساس اقتصاد بدون نفت تنظیم کنند و منابع درآمدی برنامه را از ثروت خدادادی به سوی درآمد حاصل از کار و تلاش جامعه سوق دهند، امکان محقق شدن اهداف برنامه را فراهم خواهند ساخت. طی دو سال گذشته سیاستهای داخلی دولت محترم در انقباض پولی و مهار یکسویه و پیرشتاب تورم متمرکز بوده است و به اولویت رونق تولید، سازندگی و برون‌رفت از رکود اقتصادی چندان توجه نشده است و اگر شوک‌هایی نظیر تحریک تقاضای کل مطرح شده، مقطعی و بسیار کم‌رنگ بوده است و به نظر می‌رسد بیش از آنکه برنامه‌های توسعه در محور قرار گیرد به بقا و حاکم ساختن نوعی ثبات در قیمت‌ها و متعاقب

آن راضی نگه داشتن بخش حقوق بگیران دولت و شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی توجه شده است. حال آنکه استمرار وضع موجود رکود مطلق بخش خصوصی و بویژه صنعت احداث را در پی خواهد داشت.

با وجود این شرایط ناگوار خوشبختانه در آذر ماه سال ۹۴ با تصویب PMD یک قدم دیگر به اجرایی شدن برجام نزدیکتر شدیم و اکنون امیدواریم که به زودی بساط تحریم‌های ظالمانه برچیده شود و شاهد تحولاتی تازه و امید بخش در روابط بین‌المللی کشورمان با سایر کشورهای توسعه یافته باشیم. حضور جمعی سرمایه‌گذاران کشورهای اروپایی، چینی و ژاپنی در کشور طی ماه‌های اخیر نوید گشایش و ایجاد رونق در اقتصاد را می‌دهد. البته همزمان با این تحولات مثبت و امید بخش نباید از این نکته غفلت کرد تا زمانی که دیدگاه سنتی مطرح در بدنه دولت و حاکمیت وجود دارد، توانایی استفاده بهینه از این تحرکات با تردید مواجه است.

با وصف توضیحات فوق اگر به این نتیجه برسیم که درآمدهای نفتی پایدار نیستند، دولت محترم چاره‌ای جز آن ندارد که به فکر درآمدهای پایدار برای تامین هزینه‌های جاری و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای باشد برای رسیدن به درآمدهای پایدار نیز راهی جزء خصوصی‌سازی و تشویق مردم به سرمایه‌گذاری، تولید و در نهایت دریافت مالیات از محل فعالیتهای اقتصاد مردمی نیست.

لازم به تاکید مجدد نیست که کشورما در پساتحریم نیازمند سرمایه‌گذاری چه از نوع داخلی چه از نوع خارجی است تا بتواند رشد اقتصادی را افزایش داده، اشتغالزایی کرده و سطح رفاه عمومی را بالا ببرد همانطور که در سطور بالا اشاره شد این امر با فروش ثروت ملی امکان پذیر نیست برای اینکه سرمایه‌گذاران خارجی و بخش خصوصی داخلی وارد عرصه گردند باید شرایط اقتصادی، امنیتی، قوانین،

برنامه‌های توسعه هر چند روی کاغذ دلپذیر هستند اما در عمل همانطور که در پنج برنامه گذشته شاهد بوده ایم به درستی اجرا و پیاده نشده و به هیچ وجه انتظارات ناشی از اهداف تعیین شده را برآورده نکرده‌اند.



ریسک‌های ترکیبی و فضای کسب و کار در موقعیتی قرار گیرد که شرکت‌های خارجی و به طبع آن سرمایه‌گذاران داخلی با خیال آسوده سرمایه‌های خود را وارد عرصه اقتصادی و تولیدی کنند نه خدماتی و تجاری.

از طرف دیگر برای اینکه دولت بتواند هزینه‌های جاری خود را کاهش دهد باید بطور جدی به فکر تقویت بخش خصوصی حقیقی بوده و خصوصی‌سازی واقعی را در اولویتهای اول خود قرار دهد.

با توجه به اینکه به دلیل دسترسی آسان دولت به منافع نفتی، در هیچ برهه‌ای از زمان به بحث مالیات و ساماندهی آن فکر اساسی و جدی نشده است بیش از پنجاه درصد اقتصاد از پرداخت مالیات معاف شده‌اند و بخش‌های دیگری از اقتصاد تلاش می‌کنند با هر ترفندی از پرداخت مالیات فرار کنند. در یک برآورد اجمالی می‌توان نتیجه گرفت که بار مالیاتی بیشتر به عهده آن ۲۰ درصد اقتصاد بخش خصوصی است و آن هشتاد درصد که در دست دولت یا شرکت‌های وابسته به دولت و نهادهای عمومی هستند از پرداخت مالیات یا معاف هستند یا به طریقی فرار مالیاتی دارند.

حال آنکه از نظر کارشناسان برای رسیدن به دروازه‌های توسعه، باید فرهنگ پرداخت مالیات در کشور نهادینه شود و شهروندان با پرداخت مالیات، خود را در توسعه کشور سهیم بدانند و در عین حال توان پرسشگری از دولت را پیدا کنند. بدیهی است دولتی که امورات خود را با مالیات شهروندان سامان دهد مجبور به پاسخگویی خواهد بود و در یک چنین شرایطی توسعه به معنی واقعی کلمه می‌تواند اتفاق بیفتد. سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران به عنوان یکی از قدیمی‌ترین تشکل بخش خصوصی بارها اعلام کرده که آمادگی دارد در مسیر گذر از سیستم اقتصاد دولتی به خصوصی و خصوصی‌سازی واقعی به عنوان بازوی اجرایی دولت عمل کند. همچنین به عنوان یک شریک قابل اعتماد با شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی در جهت توسعه میهن عزیز مشارکت کند چرا که ترجیح منافع ملی بر منافع شخصی و گروهی را جزو اصول اصیل و خدشه‌ناپذیر خود می‌داند. امید است در دوران سخت گذار اقتصادی فعلی این ندا شنیده و زمینه مناسب برای مشارکت صحیح بخش خصوصی واقعی در سرنوشت اقتصادی کشور مهیا شود تا جامعه گرفتار تکرار تجربه‌های تلخ خود نگردد.



شهر را سوداگران می سازند نه شهر سازان

برگزاری
دومین کنفرانس
بناهای بلند

عمومی شهر به عنوان سازمان اجتماعی است اما با توجه به مطامع سودجویان بعید است که بلندمرتبه سازی استوار در ایران ایجاد شود. وی گفت: سهروردی در ابتدای کتاب حکمت و اشراق می گوید "در عالم خواب و بیداری ارسطو را دیدم که به من گفت از خواب بیدار شو..." الان هم باید کسی به ما بگوید بیدار شو و ببین که چه بلایی بر سر "ایران شهر" آمده است. آیا در این روزهای سرد زمستان شهرهای ما قابل زندگی هستند؟

وزیر راه و شهرسازی ادامه داد: عکسهایی که امروز روزنامه ها از تهران دیروز چاپ کرده بودند عکس هایی تاریک در روز روشن بود که نشان می دهد اتفاقاتی در حال رخ دادن است که اساسا جریان زندگی را در شهرهای بزرگ و کلان شهرها مورد تاخت و تاز قرار داده است. ما همه نیاز به بیداری داریم و با یک سخنرانی و بحث عالمانه کار به جایی نمی رسد. باید همه



آخوندی: اگر پدیده های به نام بلندمرتبه سازی داریم باید پیرو حکمتی باشد که آن حکمت می گوید باید با بلند مرتبه سازی، کیفیت زندگی نیز همراه آن ارتقا یابد. اگر این چنین است فبه المراء و اگر این چنین نیست باید بیدار شویم

دومین کنفرانس بناهای بلند با شعار اثرات بناهای بلند در حیات پایدار شهری از سی ام آذرماه به مدت سه روز در مرکز همایش های برج میلاد تهران با سخنرانی دکتر عباس آخوندی وزیر راه و شهرسازی و استادان، صاحب نظران داخلی و خارجی برگزار شد. علاوه بر این ارائه مقالات علمی و مورد کاوی های تخصصی (Case Study)، طرح های پژوهشی برگزاری کارگاه های آموزشی، کارگروه ها و پانل های تخصصی، انتشار ویژه نامه بناهای بلند، اهداء گواهینامه معتبر به شرکت کنندگان و تشکیل غرفه های ویژه نمایشگاهی شرکت های معتبر و منتخب داخلی و خارجی از برنامه هایی بود که در طول سه روز در دستور کار قرار گرفت.

عباس آخوندی وزیر راه و شهرسازی با بیان اینکه می خواهم عنوان سخنرانی ام را "زنده باد زندگی" بگذارم، گفت: موضوع مهم در بلندمرتبه سازی ارتقای کیفیت زندگی فضاهای

ما دست به دست هم بدهیم و برای ایران کار کنیم. ایران و اندیشمندان و فرهیختگان ایرانی توانایی تشخیص سره از ناسره را داشتند.

وزیر راه و شهرسازی در عین حال خاطر نشان ساخت: اینکه می‌گویم باید بیدار شویم و ببینیم چرا دچار این وضع شده‌ایم به معنای این نیست که بخواهم با بناهای بلند مخالفت کنم، بلکه من به دنبال شهری هستم که بتوانم در آن زندگی کنم و شهر مطلوب من باشد.

وی ادامه داد: اگر برگردیم به حکمت، قاعدتا باید دلیل وجود پدیده‌ها را جستجو کنیم. اگر پدیده‌ای به نام بلندمرتبه‌سازی داریم باید پیرو حکمتی باشد که آن حکمت می‌گوید باید با بلندمرتبه‌سازی، کیفیت زندگی نیز همراه آن ارتقا یابد. اگر این چنین است فبه‌المراد و اگر این چنین نیست باید بیدار شویم.

آخوندی افزود: آنچه من از کشورهایی که به دنبال بلندمرتبه‌سازی رفتند می‌فهمم این است که آنها دنبال ارتقای کیفیت زندگی جمعی و عمومی و همچنین گسترش فضاهای عمومی دارای ارزش اخلاقی، بالندگی اقتصادی و رفاه عمومی و به دنبال ساخت ساختمان‌های بلند به نفع فضاهای عمومی‌اند. استاندارد مدارس آنها دیگر به اندازه قوطی نیست. فضای سبز، گسترش جنگل‌ها، فضای بهداشت و درمان، تالارهای گفت‌وگو، موسیقی و تئاتر و انواع نهادهای اجتماعی را برای گفت‌وگوی انسان‌ها می‌سازند.

وی با بیان اینکه ما اینگونه فضاها را در شهرهای تاریخی‌مان داریم، که زورخانه، میدان و تماشاخانه از نمونه‌های آن به شمار می‌آید، افزود: حکمت بلندمرتبه‌سازی چه بوده است؟ آیا برای ارتقای کیفیت زندگی به دنبال بلندمرتبه‌سازی بوده‌ایم؟ یا اینکه آینده نسل بعد را با بلندمرتبه‌سازی و با هدف اداره روزمره شهرهایمان فروختیم. زندگی نسل بعد را فروختیم تا ساختمان بلند بسازیم بنابراین زاویه نگاه به بلندمرتبه‌سازی بسیار مهم است.

وی با اشاره به اینکه اما ظرف ۳۰ سال گذشته تمام منطقه یک تهران که سراسر باغات ارزشمند و شش تنفسی تهران بودند به بناهای بلند تبدیل شده، اظهار کرد: وقتی منطقه ۲۲ تهران طراحی می‌شد مرحوم کارزونی اصرار داشت که این منطقه به عنوان دالان باد تهران کوتاه‌مرتبه و با فضای سبز باقی بماند و می‌گفت اگر طرحی هم تصویب شود اجرای آن باید در

طول ۲۵ سال و به صورت خرد خرد باشد. ولی آیا این همه ساختمان‌هایی که در این منطقه احداث شد واقعا برای پاسخ به نیاز تهران بود؟ آیا این همه ساختمان بلند که جریان باد تهران را متوقف کرده است اندیشه ایران شهری و شهر زندگی را دارد؟

وی تصریح کرد: همه ما در مدارسی با فضاهای بزرگ درس خوانده‌ایم اما فرزندان ما در مدارس تنگ و تاریک رشد می‌کنند. ما نیاز به ایران داریم و ایران هم به ایرانیانی سرزنده و بالنده نیاز دارد که نام کشور را در جهان بلند آوازه می‌کند.

آخوندی گفت: این انبوه‌انسان‌هایی را که در برج‌های فاقد هرگونه مفهوم اجتماعی و تحت عنوان انبوه‌سازی یا مسکن مهر جای می‌دهیم در آینده چه انسان‌هایی خواهند شد؟ اگر در تهران بهانه ما برای بلندمرتبه‌سازی کمبود فضای ساختمانی است آیا در پردیس هم کمبود فضای شهری داشتیم که آن همه بناهای بلند ساخته‌ایم؟ آن فضاهای سبز چگونه مدیریت می‌شوند؟ یا در سال‌های بعد چگونه اداره خواهند شد؟

وزیر راه و شهرسازی اظهار کرد: اگر برای ساختمان



ملکیانی فرد: فروش تراکم به معنای فروش آسایش ملت ایران است. جامعه فنی و مهندسی کشور باید از خواب بیدار شود و ملت ایران را بیدار کند. ما به عنوان سازنده زیربنای کشور معتقدیم هر ایرانی که دلش برای ایران نتپد همان بهتر که اصلا نتپد. نباید اجازه دهیم این وضع ادامه یابد

اداری می‌توانیم بلندمرتبه‌سازی کنیم چون مفهوم تعمیر و نگهداری آن قابل اجراست اما آیا این حکم را می‌توان به سایر ساختمان‌ها هم تعمیم داد؟ آیا می‌توان ساختمان ۴۰ یا ۵۰ طبقه مسکونی بسازیم؟ اگر این ساختمان دچار آتش‌سوزی شود راه فرار آن را پیش‌بینی کرده‌ایم؟

وی ادامه داد: انگلیس یک کشور کوچک است که فضای شهری کمی دارد بنابراین می‌تواند بلندمرتبه‌سازی را توجیه کند درحالی که حتی ۱۰ درصد تهران هم ساختمان بلندمرتبه ندارد. آخوندی گفت: این وضعیت به این دلیل است که دچارها شدگی هستیم و شهر را سوداگران می‌سازند نه شهرسازان.

وی ادامه داد: شما اگر بچه‌های نسل جدید را به ساختمان‌های قدیمی ایرانی ببرید با آنکه هیچ وقت در آن زندگی نکرده‌اند حس تعلق به این ساختمان‌ها دارند ولی ما چقدر به محله‌های عمودی امروزی تعلق داریم. آیا فقط خوابگاه هستند یا حس تعلق هم به آنها داریم؟ من کم دیده‌ام کسی به این محله‌های عمودی احساس تعلق داشته باشد.

مهندس منوچهر ملکینی فرد، رئیس هیأت مدیره سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران از سخنرانان این کنفرانس سه روزه مهندسی بود. ملکینی فرد با تأکید بر اینکه من به نمایندگی از سندیکایی صحبت می‌کنم که اعضای آن ساخت بناهای زیربنایی کشور را به عنوان پیشگامان رشد صنعتی ایران برعهده داشته‌اند، گفت: پیش‌نیازهای رشد تمدن صنعتی نتیجه تلاش خستگی‌ناپذیر این بخش است که به دلیل همین زحمات عشق و علاقه وافر به کشور خود دارند. سازندگان در ذات خود مانند باغبانی هستند که نه به اعتبار سند بلکه به اعتبار تلاش خود به باغ علاقمندند. امروزه این بخش از جامعه، خود را به دلیل هرج و مرج در ساخت و ساز متاثر می‌بینند. موضوع این کنفرانس اثر بناهای بلند در ثبات و پایداری شهرها است. برای پایداری بناها باید جامع‌نگری در اثرات، حفظ حقوق شهروندی، رعایت قوانین و حفظ محیط زیست مورد توجه قرار گیرد.

وی تصریح کرد: ایرانیان در سازندگی پیش‌تاز بوده‌اند. داریوش اول کانال سوئز را ۶۰۰ سال قبل از میلاد حفر کرد که دو فرعون مصری از عهده

جامع هستیم که نتیجه آن آلودگی هوا و معضلات دیگری است. این کنفرانس در زمانی انجام می شود که به دلیل آلودگی هوا مدارس تعطیل است.

وی افزود: فروش تراکم به معنای فروش آسایش ملت ایران است. جامعه فنی و مهندسی کشور باید از خواب بیدار شود و ملت ایران را بیدار کند. ما به عنوان سازنده زیربنای کشور معتقدیم هریرانی که دلش برای ایران نتپد همان بهتر که اصلا نتپد. نباید اجازه دهیم این وضع ادامه یابد. ما به عنوان بخشی از جامعه فنی و مهندسی آرزو داریم شاهد پیشرفت و توسعه باشیم و برای این امر باید همت کنیم.

پس از آنکه کارگروه های تخصصی در روزهای اول و دوم دی ماه به بررسی موضوعات، پژوهش ها و ارزیابی پرداخت و شماری از کارشناسان مقالات خود را در این کارگروه ها ارائه کردند. اختتامیه کنفرانس با سخنان رضا مکنون



همان نسل هستیم اما جامع نگرایی را فراموش کرده ایم و گذاشتیم سوداگری زندگی ما را به نابودی بکشاند. من منکر تلاش شهرداری ها نیستم، اما شاهد حرکت هایی خارج از طرح

آن برنیامده بودند. اولین کانال بعد از داریوش در اواخر قرن ۱۹ احداث شده است. مسیری که داریوش انتخاب کرده بود از آب شیرین رد می شد که پارو زدن در آن آسانتر است. ما از

محورهای دیدگاه های کارگروه تکنولوژی و ساختمان	محورهای دیدگاه های کارگروه مطالعات فرهنگی و اجتماعی	محورهای دیدگاه های کارگروه قوانین و مقررات
• ضرورت توسعه در بخش طراحی سیستم های سازه ای مناسب با توجه به شرایط زلزله خیزی کشور • ضرورت گسترش فناوری های نوین ساختمانی در زمینه اجرای ساختمان های بلند با توجه به کاربرد روش های سنتی و متداول غیر مناسب • تلاش برای ارتقاء طراحی ساختمان های بلند با لحاظ تعیین معیارهای زیست محیطی و استفاده از انرژی های تجدیدپذیر و پاک • ضرورت تدوین مبانی طراحی ساختمان های بلند در مقررات ملی ساختمان و الزامی شدن ضرورت های طراحی در جامعه معماری و مهندسی کشور • ارائه فرایندهای برنامه ریزی و مدیریت پروژه در کشور برای اجرای ساختمان های بلند متناسب با ظرفیت های اجرایی و اقتصادی کشور و کاهش زمان و هزینه اجرای ساختمان های بلند	• صیانت از حق حیات شهروندان، شهر و طبیعت مربوط به آن و هماهنگی میان ساخت و سازهای جدید با هویت و مقتضیات محلی و ملی. • طراحی برج ها با عنوان محله های عمودی و راسته های بازارها در چهارچوب برنامه جامع و تفصیلی و تلاش برای ایجاد فضای عمومی و مشجر از طریق زمین های آزاد شده با رویکرد افزایش کیفیت زندگی در شهرها. • تعیین حداقل های مشترک در بناهای بلند با رویکرد ارتقاء کیفیت ساکنان، همسایگان و شهر. • مبنا قرار دادن هویت ملی و فرهنگی در طراحی بناهای بلند	• برغم اینکه قانون پیش فروش ساختمان که در خصوص ساختمان های بلند و نیمه بلند جنبه اجرائی دارد و اقدامی مناسب برای ساماندهی امر پیش فروش و پیش خرید در چنین ساختمان هایی تلقی می شود، لکن رفع اشکال و ایراد موجود در آن موجب شده از زمان تصویب تاکنون بطور کامل به مرحله اجرا نرسد، از اینرو بررسی مجدد قانون پیش فروش و پیش خرید به عنوان یک الزام در تامین حقوق مدنی و حقوق شهروندی، مالکان و بهره برداران ساختمان های بلند ضرورت دارد. • توجه دقیق و همه جانبه به موضوع HSE (بهداشت، ایمنی و حفظ محیط زیست) که در حال حاضر در همه کارگاه های ساختمانی کشور بسیار ضروری است، در کارگاه های ساختمانی ساختمان های بلند اهمیت ویژه ای می یابد. همراهی و مشارکت کلیه نهادهای دخیل در ساخت و ساز، بویژه ساختمان های بلند برای این مهم ضرورتی اجتناب ناپذیر است. • اقدام قوه قضائیه در بازنگری قانون تملک آپارتمان ها که طبعاً مشمول ساختمان های بلند و نیمه بلند است پس از گذشت قریب ۵۰ سال از تصویب آن و ضرورت ها و نیازهای فعلی جامعه، اقدامی شایسته و درخور تقدیر است. این کارگروه پیشنهاد می نماید در راستای تکمیل و شمول کامل آن بر ساختمان های مربوط از نظریات بخش مهندسی ساختمان و تجارب سال های اخیر و پیش بینی وضع بهره برداری ساختمان های بلند در آینده نیز استفاده شود.



رئیس دفتر توسعه پایدار دانشگاه امیرکبیر برگزار شد. مکنون در سخنان خود اظهار داشت: متاسفانه الگوهای توسعه‌مان بیش از حد بی‌برنامه است و به توسعه پایدار آنچنان که باید توجه نمی‌شود. این در حالی است که در دنیا به یک توافق درباره مصوبات توسعه پایدار رسیده‌اند. برای نمونه، در نشست پاریس در مورد آب و هوا، سران کشورهای جهان به این نتیجه رسیدند که اگر ۸ درصد از میزان گازهای گلخانه‌ای کم شود، تغییر اساسی در آب و هوای

جهان اتفاق خواهد افتاد یا اعلام شده در صورتی که ۱/۵ درجه هوا گرم‌تر شود، ۲۰ میلیارد متر مکعب از آب‌های ایران کم خواهد شد. این در حالی است که بر اساس تعریف سازمان ملل متحد کشوری ماندگار است که تنها ۲۰ درصد از آب‌های تجزیه‌پذیر خود را استفاده کند. وی در پایان افزود: ایران رتبه ۹ جهانی از نظر تولید گازهای گلخانه‌ای را دارد و مصرف انرژی‌اش دو برابر کشورهای دیگر است. اگر به همین رتبه‌بندی نگاه کنیم ۸ کشور بالای

دست ایران از نظر تولید جزو کشورهای صنعتی جهان هستند، در حالی که ایران از نظر تولید در جایگاه بسیار پایین تری قرار دارد. این کنفرانس سه روزه در حالی به کار خود پایان داد که طی آن کارگروه‌های مختلف پس از بحث و بررسی‌های کارشناسی دیدگاه‌های خود را در زمینه‌های مربوطه در بیانیه کنفرانس که در مراسم اختتامیه منتشر شد، منعکس کردند. محور دیدگاه کارگروه‌ها بدین شرح است:

محورهای دیدگاه‌های کارگروه معماری و شهرسازی	محورهای دیدگاه‌های کارگروه اقتصاد و مالی
• اسکان، استقرار و ساخت و ساز در ارتفاع ناشی از هریک از دلایلی چون: • نیاز مبرم به افزایش تراکم در بافت شهرها به علت افزایش جمعیت و ضرورت بهره‌وری بیشتر از زمین شهری و ارتقاء خدمات، پرهیز از گسترش ابعاد فیزیکی در شهرها و یا تمرکز مراکز شهری و.... بلندمرتبه‌سازی را بعنوان واقعیتی مبین فراروی زندگی شهری قرار داده است. • مکان‌یابی مناسب بناهای بلند در بافت شهر امری لازم، ضروری و قطعی است لذا تدوین آئین کاربردهای راهگشای این امر که مبنای تصمیم‌سازی و ارزیابی تأثیر و عملکرد این دسته از بناها پیش از احداث قرار گیرد، کاملاً ضرورت دارد. • ملاحظات زیست‌محیطی با توجه به تأثیرگذاری و ماندگاری بناهای بلند باید بعنوان یکی از محورهای اصلی تصمیم‌گیری، مکان‌یابی و ارزیابی بطور جدی مد نظر قرار گرفته و در تدوین مقررات آئین‌نامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها ملحوظ گردد. • ساخت و سازهای بلند عوارضی ثانوی را نیز به همراه داشته‌اند. از اهم آنها گرایش به احداث بنا و نفوذ در عمق زیرتراز همکف، عمدتاً ناشی از نیاز به تأمین پارکینگ است. آثار مخرب زیست‌محیطی و جبران‌ناپذیر آن، تحمیل هزینه‌های سنگین، مخاطرات زمان اجرا، عدم اطمینان کافی از ایمنی بناهای عمیق نیازمند اقدام فوری و عاجل در خصوص نحوه عمل، تعیین ضوابط و مشخص نمودن محدوده تراز مجاز در این حوزه است.	• از آنجا که بناهای بلند از یک سواز دوام بیشتری در قیاس با سایر گونه‌های بنا برخوردارند و سوی دیگر نیز حوزه تأثیرگذاری گسترده تری دارند طرح و احداث آن به طور جدی باید با توجه به معماری سبز توأم گردد. این امر نیازمند پایش و ارزیابی مستمر و پیگیر است که امروزه به مدد دست آوردهای فناوریانه از همان مراحل اولیه تصمیم‌گیری‌ها و طراحی کاملاً میسر می‌باشد. • ماندگاری یک بنا را بعنوان یکی از مؤثرترین شاخصه‌های معماری پایدار شناخته‌اند. اهمیت دادن به کیفیت معماری و ارائه یک اثر فاخر متکی بر ارزش‌های فرهنگی در تداوم دستاوردهای معماری به عنوان راهکاری در ایجاد ماندگاری یک بنای بلند تأکید می‌گردد. • شهرها در سراسر جهان، با ایجاد فشار بی‌سابقه‌ای بر روی مصالح و منابع انرژی به سرعت رو به رشد هستند. با توجه اهداف توسعه هزاره (SDGS) و پذیرش تعهدات ایران در کنفرانس تغییر اقلیم ۲۰۱۵ سازمان ملل متحد در پاریس نیاز جدی به کاهش میزان مصرف انرژی در بناهای بلند نیز احساس می‌شود. توسعه پایدار و متوازن راهنمای آینده الگوهای توسعه در دهه آینده خواهد بود. استفاده از منابع محیط، در حد توان اکولوژیک، بهره‌وری سبز و رفاه جامع برای شهروندان کلید اصلی است. • استفاده مناسب از منابع آب، انرژی و زمینی، بقای سرزمینی را تضمین می‌کند.
• دلایل اقتصادی برای ساخت بناهای بلند وجود دارد؛ دلایلی چون افزایش بهره‌وری، استفاده از نوآوری، افزایش سرانه فضاهای عمومی و... منوط به این که بناهای بلند در جای مناسب ساخته شود. • بناهای بلند غالباً در اراضی گران‌قیمت شهری ساخته می‌شود، بنابراین با استفاده از اقتصاد مقیاس (در مهندسی، در استفاده از فناوری، در صرفه‌جویی انرژی و...) صرفه‌جویی در ساخت صورت گیرد. • سوء شهرت بناهای بلند در ایران دلایل اقتصادی ندارد، بلکه دلایل شهرسازی، زیست‌محیطی و معماری دارد. • برنامه‌های تأمین مالی ساخت بناهای بلند باید قبل از شروع بنا به طور کامل تهیه شود و روش‌های سنتی چون پیش‌فروش نمی‌تواند این بناها را تأمین مالی کند. • تأمین مالی ساختار یافته با استفاده از بازارهای پول و سرمایه برای گردآوری منابع ساخت بناهای بلند روش مناسبی است. • بهره‌برداری از بناهای بلند در جهان بیشتر به شکل اجاره است و مالکان این بناها بیشتر نهادهای مالی عمومی چون صندوق‌های بازنشستگی، صندوق‌های مستغلات و شرکت‌های سرمایه‌گذاری است. اجاره واحدها بیشتر طولانی و میان‌مدت است. • بازار رهن جاری کشور برای حمایت از واگذاری واحدهای بلند بسیار کوچک است. • تأمین مالی بازسازی و نوسازی و نیز نظام نگهداری بناهای بلند نیز قواعد ویژه خود را دارد.	



راهکارهای بخش خصوصی برای پروژه های نیمه تمام

حضور مهندس عبدالعلی زاده
در کمیسیون اقتصاد
شرکت های ساختمانی ایران



پیام آبادگران
آذر ۱۳۹۴
شماره ۳۳۷

کمیسیون اقتصاد سندیکای شرکت های ساختمانی ایران بیست و پنجمین جلسه خود را با حضور دکتر عبدالعلی زاده رئیس کارگروه پیگیری طرح های نیمه تمام در اتاق بازرگانی به عنوان میهمان ویژه در تاریخ ۹۴/۹/۲۸ با موضوع پروژه های نیمه تمام دولت و راهکارهای نقش بخش خصوصی برگزار کرد.

این جلسه پس از خیرمقدم مهندس کاظم سماک رئیس کمیسیون اقتصاد و توضیح موضوع دستور جلسه آغاز شد و در ادامه مهندس محمد غنی زاده قائم مقام سندیکا دیدگاه های خود را مطرح کرد و گفت: در برنامه ریزی توسعه اقتصادی، دولت با سرمایه گذاری در طرح های زیربنایی درعین کمک به رشد اقتصادی می تواند انگیزه سرمایه گذاری بخش خصوصی را تقویت کند و درعین حال موجب گسترش عدالت اجتماعی گردد. وی درعین حال با اشاره به اینکه سرمایه گذاری طرح های زیربنایی دارای شرایط و خصوصیات ویژه ای است تاکید کرد در صورت فقدان شرایط لازم این سرمایه گذاری به ضد خود تبدیل شده و تبعات ضد توسعه ای و مغایر با اهداف عدالت اجتماعی به دنبال خواهد داشت مهندس غنی زاده در ادامه به تشریح شرایط لازم برای سرمایه گذاری دولت در طرح های زیربنایی پرداخت و آن را به شرح ذیل برشمرد:

- سرمایه گذاری باید به تناسب پتانسیل های در دسترس و قابل حصول باشد
- در قالب برنامه ریزی کلی اقتصادی صورت

گیرد

- تناسب قابل قبولی با هزینه های جاری و نگهداری طرح های موجود داشته باشد
- در قالب طراحی یک برنامه ریزی علمی و برپایه اطلاعات و داده های قابل اعتماد و طبقه بندی شده باشد
- سرمایه گذاری در طرح هایی باشد که تأمین آن برای بخش خصوصی مقدور و با صرفه



دکتر عبدالعلی زاده:
دولت باید کوچک شده،
از چرخه کار اجرایی بیرون
بیاید و به مسائل کلان
مملکتی نظیر نشر پول و
حفظ قدرت پول، تعریف
استانداردها و اعمال
آن، امنیت شهروندان، و
برقراری دستگاه قضایی
برسد تا بخش خصوصی در
کارهای اجرایی فعال شود



نباشد

- عملکرد دولت به گونه ای باشد که زمینه سرمایه گذاری بیشتر بخش خصوصی را فراهم آورد.

به گفته قائم مقام سندیکای شرکت های ساختمانی ایران نگاهی به آمار و ارقام سرمایه گذاری دولت حداقل در پانزده سال اخیر از انبوهی از سرمایه گذاری های غیرلازم و بدون نظر کارشناسی حکایت دارد که اولاً خارج از توان سرمایه گذاری دولت بوده که گاه با فشار و سفارش بخش های ذی نفوذ صورت گرفته و ثانیاً نکته مهمتر این است که این سرمایه گذاری ها برخلاف روند اقتصادی برنامه ریزی شده صورت گرفته است.

مهندس غنی زاده در این نشست تصریح کرد: گزارش طرح های نیمه تمام و معوق برنامه های اقتصادی سوم، چهارم و پنجم توسعه تا سال ۹۲، نشان دهنده بیش از هشتاد هزار طرح نیمه تمام عمرانی ملی (۶۵۰۰ طرح با نیاز ۳۱۵ هزار میلیارد تومان) و استانی (۷۳۴۸۰ طرح با نیاز ۴۴/۵ هزار میلیارد تومان) است که جمعاً به ۳۶۰ هزار میلیارد تومان با قیمت ثابت برای اتمام در مدت ده سال نیاز داشته است. این رقم با احتساب تورم در این ده سال به رقم نزدیک به هفتصد هزار میلیارد تومان خواهد رسید. وی افزود: نکته مهم آن است که توجه داشته باشیم رقم اعتبارات مصوب در سال ۹۳ بالغ بر ۴۱/۳ هزار میلیارد تومان و اعتبار محقق ۲۳/۸ هزار میلیارد تومان بوده است که نشان از نیاز ارقام نجومی بسیار بالاتری

برای تکمیل این طرح‌ها می‌باشد. به همین منوال نسبت اعتبارات مصوب و تأمین شده عمرانی به اعتبارات هزینه‌ای نیز با یک شیب یکسویه تا زیر ۱۶ درصد در سال ۹۳ کاهش یافته است. در حالی که متوسط این نسبت در بودجه‌های برنامه‌های چهارم و پنجم بالغ بر ۴۵ درصد بوده است.

مهندس غنی‌زاده اظهار داشت: با این شرایط طرح‌های نیمه‌تمام موجود نه تنها نقشی سازنده در ایجاد رشد اقتصادی نداشته‌اند و موجب بسترسازی سرمایه‌گذاری‌های بعدی و فعالیت بخش خصوصی نیز نگردیده‌اند بلکه کمکی هم به گسترش عدالت اجتماعی نداشته‌اند و حتی به تعبیر معاونت اول محترم ریاست جمهوری هرسال که می‌گذرد خسارت عدم‌النفع آن بالغ بر هشتاد هزار میلیارد تومان می‌شود. به گفته قائم‌مقام سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران این آمار رهنمودی برای کارشناسان اقتصادی در ارائه فرمول‌های برون‌رفت از وضعیت فعلی است. وی افزود: پژوهش‌های انجام شده نهادهای مختلف اعم از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و مرکز پژوهش‌های مجلس در خصوص طرح‌های معوق و نیمه‌تمام دولت که بسیاری از آنها یا زیربنایی نبوده و توجیه مشخص اقتصادی و فنی هم ندارند یا با فرسایش زمانی و فیزیکی مواجه شده و توجیه فنی، اقتصادی خود را از دست داده‌اند، بر واگذاری «مستقیم یا ترکیبی» به بخش خصوصی و مردم توصیه کرده‌اند. اما در کنار این توصیه‌ها گروهی دیگر قائل به راه‌حل‌های موردی هستند و درخواست دارند طرح‌ها از نظر اقتصادی بازبینی و به دسته‌های «اقتصادی»، «قابل اقتصادی شدن» و «کلا غیراقتصادی» تقسیم شوند. مهندس غنی‌زاده با اشاره به اینکه اگر به عدم‌النفع بودن و خسارت این طرح‌ها با ارقام اعلامی دولت توجه کنیم این طرح‌ها با احتساب نرخ سالانه ۲۰ درصد ظرف پنج سال آتی دارای ارزش کمتر از ۱۶۰ هزار میلیارد تومان خواهد بود و با احتساب فرسایش فیزیکی و استهلاک (ده درصد) مبلغ مذکور از این رقم هم کمتر خواهد بود این در حالی است که در پنج سال آینده با توجه به هزینه هنگفت مورد نیاز و تغییر شرایط و فناوری، توجیه‌ناپذیری این طرح‌ها احتمال موضوع

تکمیل آنها را از حیث انتفاع خارج می‌کند. وی با بیان اینکه اگر به شرایط مشابه در دیگر کشورها از جمله بریتانیا در زمان «مارگارت تاچر» توجه کنیم، این قبیل طرح‌ها با رقم «یک پوند» تنها با این شرط که کارآفرینی و اشتغال‌زایی شود، به بخش خصوصی واگذار گردید، افزود: بدین ترتیب دولت می‌تواند مصوبه‌های قانونی برای انواع و اشکال این طرح‌ها وضع کند که هم برای بخش خصوصی و هم مردم جذاب و با صرفه شود. وی گفت: نفع دولت نیز آن است که بعد از مدت محدودی با به بهره‌برداری رسیدن این طرح‌ها رشد اقتصادی، اشتغال ایجاد می‌شود.

مهندس غنی‌زاده در ادامه تصریح کرد: واقعیت این است که از میان این طرح‌ها تعدادی محدودی از آنها تعریف دقیق زیر بنایی دارند و بستر طرح‌های توسعه‌ای محسوب می‌شوند که در عین حال برای بخش خصوصی به صرفه نیستند و لازم است از سوی دولت تکمیل شوند تا در چرخه برنامه‌های اقتصادی میان مدت یا درازمدت قرار گیرند. وی اضافه کرد البته این طرح‌ها به نسبت حجم مالی و میزان تکمیل می‌توانند بصورت فاینانس خارجی یا داخلی، یا به کمک نهادهای توانمند وابسته به دولت یا بخش خصوصی به اشکال مختلف مشارکت، تکمیل، راه‌اندازی مورد بهره‌برداری قرار گیرند و یا به روش ترکیبی در آن مشارکت نمایند.

مهندس غنی‌زاده:

طرح‌های نیمه‌تمام موجود نه تنها نقشی سازنده در ایجاد رشد اقتصادی نداشته‌اند و موجب بسترسازی سرمایه‌گذاری‌های بعدی و فعالیت بخش خصوصی نیز نگردیده‌اند، بلکه کمکی هم به گسترش عدالت اجتماعی نداشته‌اند.

قائم مقام سندیکا به گروهی دیگر از طرح‌ها در ابعاد کوچک‌تر و به تعداد زیاد اشاره کرد که اصولاً نیازی متولی‌گری دولت ندارد و بخش خصوصی بدون محدودیت‌های طراحی و بودجه‌ای می‌تواند با اختیار خود تغییر یا اصلاح کاربری داده و از آن بهره‌برداری کند.

وی تصریح کرد: گروه سوم از طرح‌های نیمه‌تمام نیز عام‌المنفعه بوده و امکان تغییر کاربری نداشته ولی نیاز به سرمایه مردمی و بخش خصوصی دارد. این طرح‌ها می‌تواند با توجه به تناسب عدم‌النفع فعلی دولت از این طرح‌ها و همچنین ضرورت تکمیل و راه‌اندازی آنها به نحوی با شرایط آسان و با لحاظ صرفه اقتصادی و به اشکال مختلف به موسسات و بنگاه‌های تخصصی بخش خصوصی در مقابل ضمانت اجرای تعهدات مصوب طرح اولیه پیشنهاد شود.

وی گروه چهارمی از طرح‌ها را نام برد که به علت مرور زمان توجیه و ضرورت خود را از دست داده و دچار فرسایش فیزیکی شده‌اند که این طرح‌ها را می‌توان بصورت مزایده به مردم واگذار کرد.

به گفته مهندس غنی‌زاده برای این کار ظرفیت‌های قانونی مختلفی از جمله دستورالعمل طرح‌های نیمه‌تمام - دستورالعمل ۱۴۷۶۰۰ سازمان مدیریت در مورخ ۹۴/۰۷/۰۴ وجود دارد که در صورت بازبینی مجدد، می‌تواند ملاک عمل دولت قرار گیرد.

در ادامه مهندس ابایی، نماینده شرکت

کیسون درباره مصوبه شورای اقتصاد و مسئولیت واگذاری و شناسایی طرح‌ها که برعهده سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی گذاشته شده، توضیحاتی داد و گفت: اگر واگذاری‌ها مطابق دستورالعمل خوبی باشد می‌تواند موثر باشد، در غیر این صورت بخش خصوصی را دچار مشکل می‌کند.

ماموریت بزرگ ما واگذاری امور به بخش خصوصی است

در ادامه این نشست، دکتر علی‌ابوالحسن زاده رئیس هیات امنای موسسه تحقیق و توسعه صنعت احداث و رئیس کارگروه بررسی طرح‌های نیمه‌تمام در اتاق بازرگانی گفت: اتاق بازرگانی سعی در کمک به دولت برای تسریع واگذاری طرح‌ها به دلیل اهمیت



آن در تحرک و رونق اقتصادی دارد. ما یک مأموریت بزرگ داریم که کارهای اجرایی دولتی را که سعی داشته همه چیز را خود بسازد به بخش خصوصی واگذار کنیم. من پیشنهاد دادم کارگروهی داشته باشیم چون اتاق خود نمی‌تواند مجری باشد و کار آن سیاستگذاری است. در نهایت به این نتیجه رسیدیم که نباید بحث آیین‌نامه‌ای با دولت داشته باشیم و بهتر است چند پروژه به بخش خصوصی در قالب آیین‌نامه واگذار شود و هر جا مشکلی پیش آمد، آیین‌نامه اصلاح شود. مهم این است که چه طرح‌هایی برای واگذاری در نظر گرفته شده چرا که برخی طرح‌ها توجیه اقتصادی خوبی دارند. وی افزود: در این باره توافق شد در بدو امر هیچ پولی از تحویل گیرنده پروژه اخذ نشود و بعد از بهره‌برداری و طی دوره تنفس پول دریافت شود. سعی داریم ابتدا پروژه‌های نوع «الف» را که توجیه اقتصادی دارند واگذار کنیم که بخش خصوصی انگیزه بگیرد. پروژه‌های گروه «ب» پروژه‌هایی هستند که در درآمدزا بودن آنها تردید است مثل بیمارستانی که ساخته می‌شود و نمی‌دانیم مریض به اندازه تخت‌ها وجود دارد یا نه؟ در این حالت قبول کردیم طرح را با تضمین خرید خدمت از سوی دولت واگذار کنیم. مثلاً اگر ۷۰ درصد تخت بیمارستان پر شد ما بعدالتفاوت مربوط به تخت‌های خالی را دولت پرداخت کند. مهندس عبدالعلی‌زاده با اشاره به اینکه وقتی جهاد سازندگی منحل شد تجربه موافقی داشت و ماشین‌آلاتی که گرد آمده بود به حقوق بگیران واگذار شد، گفت: ما هم همین نگاه را در مورد آموزش و پرورش داریم که مسئولان آموزشی برای تکمیل، مالکیت و

مدیریت مدارس اقدام کنند تا به سبک‌سازی آموزش و پرورش بیانجامد. این امر در مورد اتوبان‌ها هم صادق است. اگر ترافیک اتوبان کمتر از حد پیش‌بینی شده بود دولت ما بعدالتفاوت آن را پرداخت می‌کند. گروه سوم پروژه‌های بخش «ج» است که توجیه اقتصادی ندارند. این پروژه‌ها در اولویت نیستند.

رئیس کارگروه بررسی طرح‌های نیمه‌تمام در اتاق بازرگانی در ادامه افزود: دولت به هیچ وجه قصد سوءاستفاده از این جریان را ندارد. سازمان برنامه معاونت امور زیربنایی در پی آن است که از درآمدها برای شروع طرح جدید استفاده کند اما آقای جهانگیری معتقد است طرح جدیدی مدنظر نداریم. قرار هم نیست پروژه‌ها به قیمت روز واگذار شود بلکه به قیمت توافقی واگذار می‌شود. البته ما معتقدیم دولت نباید وارد بحث

مهندس خوانساری:

اگر این پروژه‌های نیمه تمام به مدیران ذی صلاح حتی به طور رایگان واگذار شود، باز هم به نفع دولت است چرا که دولت از هزینه‌های تکمیل و نگهداری آنها رها می‌شود و مدیرانی با توان اجرایی و مدیریتی، مدیریت و نگهداری آنها را بر عهده می‌گیرند



قیمت شود و بهتر است پیشنهادهای مختلف را بررسی و انتخاب کند. البته ترجیح می‌دهیم خریدار به نوعی بهره‌بردار و دارای صلاحیت باشد.

مهندس جواد خوانساری، نائب

رئیس هیات‌مدیره سندیکا از آقای دکتر عبدالعلی‌زاده خواست تا لیست پروژه‌های مشمول این طرح به همراه درصد پیشرفت کار و سابقه مالی آنها ارائه شود تا تیم‌های تخصصی سندیکا روی آنها کار کنند. وی گفت: چنانچه خود دولت اعلام کرده ۴۰۰ هزار میلیارد تومان به شرط اجرای بدون تاخیر پروژه‌ها است و به تاخیر انداختن این کار هزینه‌های دیگری به همراه دارد. اگر این کارها به مدیران ذی صلاح حتی به طور رایگان واگذار شود، باز هم به نفع دولت است چرا که دولت از هزینه‌های تکمیل و نگهداری آنها رها می‌شود و مدیرانی با توان اجرایی و مدیریتی، مدیریت و نگهداری آنها را بر عهده می‌گیرند. در سالهای گذشته سعی کردیم سازمان مدیریت را تشویق کنیم قیمت، زمان واگذاری، و زمان اتمام پروژه‌ها را اعلام کند که متأسفانه موفق نشدیم. توری که دولت اعلام می‌کند نشان از پایین آمدن تورم دارد، که با توجه به بالا رفتن قیمت اقلام مصرفی عموم مردم، این کاهش ناشی از پایین آمدن قیمت برخی مصالح است، که نشان از رکود در حوزه ساخت و ساز دارد. به نظر ما واگذاری پروژه‌های نیمه‌تمام و اتمام آنها به رونق مجدد فضای کسب و کار و رهایی از رکود می‌انجامد.

دکتر عبدالعلی‌زاده در پاسخ مهندس

خوانساری با بیان اینکه حتماً لیست پروژه‌هایی که سازمان مدیریت اعلام می‌کند را به سندیکا اعلام می‌کند، گفت: دولت هنوز لیست پروژه‌ها را تکمیل نکرده و فرمی تهیه شده تا پروژه‌ها بر مبنای آن چک شوند.

مهندس محمود مصطفی‌زاده عضو دیگر

هیات‌مدیره نیز گفت: برخی مسائل اگر در سطح کلان حل نشود تمام راه‌حل‌های بعدی را با مشکل مواجه خواهد کرد. از جمله تعریف بخش خصوصی که ظاهراً با تعریف اشتباه آن، در واگذاری‌ها فقط ۱۲ درصد به بخش خصوصی واقعی واگذار شد. در مورد طرح حاضر هم بیم آن وجود دارد پروژه‌ها، از این دست دولت به آن دست دولت منتقل

شوند. وی افزود: باید تفکر خود را اصلاح کنیم و بدانیم که با زور نمی‌توان کارآفرینی کرد. از جمله نمی‌توان به اجبار معلمان را به سرمایه‌گذاری وادار کرد. واگذاری‌ها باید در میان گروه ریسک‌پذیر و کارآفرین صورت گیرد. وی افزود: باید بحث عدالت قضایی و دادگستری مستقل از دولت جا بیفتد و به هر دلیل فردی اگر مشکل پیدا کرد بتواند به دستگاه قضایی مراجعه کند و به حق و حقوق واقعی خود برسد. متأسفانه امروزه این اتفاق نمی‌افتد. در کشورهایی که بخش خصوصی رشد یافته اول از همه این بخش‌ها (دادگستری و دستگاه قضا) اصلاح شده است. چنانچه معروف است چرچیل پس از جنگ جهانی دوم با بررسی وضعیت سازمان قضایی و دریافت گزارش مثبت در مورد آن امیدوار به اصلاح بقیه وزارتخانه‌ها شده بود. در هر حال به نظر بنده مشکلات زیربنایی داریم که اگر حل نشود سایر مشکلات که عمدتاً روبنایی هستند حل نمی‌شود. وی در ادامه پیشنهاد داد: بهتر است برای جلوگیری از فساد و مشکلات بعدی، به تشکل‌های صنفی نقش بیشتری در واگذاری پروژه‌های ناتمام بدهیم. این بخش می‌تواند بازوی کارشناسی دولت باشد و در برآورد قیمت‌ها و تأیید اهلیت افراد کمک کند.

مهندس پور شیرازی عضو هیات‌مدیره سندیکا نیز با انتقاد از اینکه دولت کلان‌نگری ندارد از دولت خواست برخورد ترکیه با بخش خصوصی این کشور را الگوی خود قرار دهد و با ایمان به قابلیت این بخش، چنانچه در مورد اتوبان تهران- کرج نشان دادند، زودتر درباره واگذاری پروژه‌های نیمه‌تمام اقدام کند. وی خاطرنشان کرد به خاطر نگاه اشتباه دولت دو وزارتخانه مسکن و راه با هم ادغام شدند در حالی که وزارت راه به تنهایی مسئولیت‌های بسیار خطیری داشت و ادغام این دو وزارتخانه بزرگ درست نبود.

در ادامه این نشست **مهندس ورزنده** نیز خواستار توضیح تکمیلی در خصوص تضامین دولت برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی شد، و دکتر ذکائی و دکتر علی‌زاده هم نظرات خود را در رابطه با اهلیت و حرفه‌ای‌گری واگذاری‌ها که باید در راستای هم باشد مطرح کردند. دکتر علی‌زاده درباره وجود نگرانی از وجود تالی فاسد در بحث

تضمین خرید خدمت سخن گفت که دکتر عبدالعلی‌زاده روی هوشیاری در کنترل این مسائل تأکید کرد.

همچنین **مهندس سماک** با بیان اینکه اگر دولت قادر به حل مشکلات بود به اینجا نمی‌رسیدیم، عنوان کرد: باید راهکار ارائه و ساختار تعیین کنیم. در ساختار جدید باید بخش خصوصی نقش کلیدی داشته باشد. در حال حاضر واگذاری‌ها در حد صفر است و در ساختاری هم که تعریف می‌کنیم باید:

- ۱- سراغ پروژه‌های سودده برویم
 - ۲- تمرکززدای باشیم
 - ۳- بر اساس واگذاری، اجرا، پایش و اصلاح ساختار قوانین اقدام کنیم.
- در ادامه آقای **مهندس گلسرخي** با اشاره به سخنان وزیر راه در کنفرانس صنعت احداث در خصوص انتشار اوراق مشارکت، عنوان کرد: بدهی‌های کهنه به قول وزیر محترم دارد این وزارتخانه را از فعالیت باز می‌دارد و دولت باید کل بدهی‌های خود را تسویه کند تا با فراغت به مسائل مملکتی بپردازد.

پس از این اظهارات، دکتر عبدالعلی‌زاده در پاسخ به سوالات مطرح شده و همفکری اعضا، خاطرنشان کرد:

خصولتی‌ها آفت دولتمردانی است که دولتی فکر می‌کنند. خصولتی‌ها، زاده تفکر دولتمردانی است که خواستند و انمود کنند خصوصی‌سازی شده است یا ناچار بودند به جاهایی باج بدهند. دولت باید کوچک

مهندس مصطفی زاده:

بهتر است برای جلوگیری از فساد و مشکلات بعدی، به تشکل‌های صنفی نقش بیشتری در واگذاری پروژه‌های ناتمام بدهیم. این بخش می‌تواند بازوی کارشناسی دولت باشد و در برآورد قیمت‌ها و تأیید اهلیت افراد کمک کند.

شده، از چرخه کار اجرایی بیرون بیاید و به مسائل کلان مملکتی نظیر نشر پول و حفظ قدرت پول، تعریف استانداردها و اعمال آن، امنیت شهروندان، و برقراری دستگاه قضایی برسد تا بخش خصوصی در کارهای اجرایی فعال شود و شرکت‌های سهامی خاص و عام رشد کنند.

وی افزود: دولت جدید واقعا به بخش خصوصی بها داده و در نظر دارد این طرح را اجرا کند اما اینکه چقدر موفق باشد نامعلوم است. در حال حاضر در اجرای این طرح، محوریت با اتاق بازرگانی است و تشکل‌ها هم آنجا حضور دارند ولی این دلیل نمی‌شود که با مجموعه‌های دیگر کار نکنیم.

وی در مورد سخنان مهندس خوانساری خاطرنشان کرد: کم کردن فعالیت‌های اقتصادی برای مهار تورم تا حدی خوب است اما مهار تورم وقتی شکل واقعی می‌یابد که در دوران رونق حاصل شود. وی با اشاره به سخنان مهندس مصطفی‌زاده و بیان اینکه دولت حتما باید درباره تضمین خرید خدمت تضمین کافی بدهد تا دولت‌های بعدی قادر به نقض آن نباشند، افزود: در اداره کشور مردم اصل هستند، باید باور و اعتماد به مردم برای اجرای پروژه‌ها توسط دولت ایجاد شود. بخش مردمی ظرفیت بالایی برای به عهده گرفتن امور اجرایی دارد. این امر باید با محوریت اتاق بازرگانی شکل بگیرد تا از فرصت پیش‌آمده استفاده شود.

مهندس سماک در پایان این نشست و در جمع‌بندی اظهارات مطرح شده،

تصریح کرد: لازم است اطلاعات پروژه‌های نیمه‌تمام به دست سندیکا برسد تا طرح‌های سودده و زود بازده مشخص گردند. باید خرید خدمت طرح‌های عمرانی توسط دولت برای پروژه‌هایی که سود آن معلوم نیست، تضمین شود. وی همچنین از آمادگی سندیکا برای حضور در کمیته‌هایی که در اتاق ایران تشکیل می‌شود و کمک به انجام کار کارشناسی و طراحی اجرایی واگذاری پروژه‌ها خبر داد. در پایان این جلسه مقرر گردید اطلاعات پروژه‌های نیمه‌تمام در اختیار سندیکا قرار گیرد و سندیکا آمادگی خود را برای همکاری در کمیته‌های مربوط به رسیدگی پروژه‌های نیمه‌تمام اعلام دارد.



چاره جویی برای طرح‌های نیمه تمام عمرانی

مهندس محمدرضا حاجی علیخانی
مهندس عمران - کارشناس ارشد مدیریت پروژه
معاون فنی و برنامه‌ریزی شرکت جهان کوثر

افزایش قیمت و درآمد نفتی کشور در سالهای ۸۴ تا ۸۸ موجب آغاز تعداد بسیار زیادی طرح عمرانی در کشور گردید که بودجه موجود برای اتمام آنها کافی نیست. براساس گزارشات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، در سال ۱۳۹۳ حدود ۸۰ هزار پروژه عمرانی نیمه تمام در کشور وجود داشته که اعتبار لازم آنها در سال ۱۳۹۲ حدود ۶۳۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده و با توجه به بودجه عمرانی مصوب ۱۳۹۴ و با فرض افزایش آن مطابق نرخ تورم، حدود ۱۰ سال زمان و ۷۰۰ هزار میلیارد تومان بودجه برای اتمام آنها لازم است، که تبدیل به معضل بزرگی برای کشور شده است.



پیام‌آبادگران
آذر ۱۳۹۴
شماره ۳۳۷

آمار پروژه‌های نیمه تمام عمرانی

انبوه پروژه‌های نیمه تمام در کشور و مشکلات پیش روی دولت ناشی از کاهش قیمت نفت بار دیگر توجه همگان را به معضلی به نام پروژه‌های نیمه تمام جلب نموده است. براساس «گزارش وضعیت پروژه‌های عمرانی متوقف در سال ۱۳۹۲»، در آن سال ۶۴۸۸ پروژه ملی با اعتبار کل ۳۱۵ هزار میلیارد تومان مبادله گردید که اعتبار مصوب سال ۱۳۹۲ آنها حدود ۵۳،۷ هزار میلیارد تومان بوده است. در سطح استانی نیز ۷۳۴۸۰ پروژه با اعتبار کل ۴۴،۵ هزار میلیارد تومان مبادله گردید که اعتبار مصوب آنها برای سال ۱۳۹۲ حدود ۱۱،۵ هزار میلیارد تومان بود. به عبارت دیگر در سال ۱۳۹۲ نزدیک به ۸۰ هزار پروژه‌های نیمه تمام عمرانی ملی و استانی با اعتبار مورد نیاز حدود ۳۶۰ هزار میلیارد تومان وجود داشته که بودجه لازم مصوب آنها تنها برای سال ۱۳۹۳ حدود ۶۵ هزار میلیارد تومان بوده است. (۵)

در نیم قرن اخیر اقتصاد ایران با لحاظ دوره زمانی ۵ ساله با آغاز شتاب رشد مواجه بوده است. این زمان‌ها مربوط به سال ۱۳۴۶ است. یعنی زمان اجرای برنامه سوم عمرانی قبل انقلاب و سال ۱۳۸۲ یعنی زمان اجرای برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بعد از انقلاب بوده است. (۲۱)

اما حجم بالای طرح‌های عمرانی، بدون تناسب با ظرفیت‌های مختلف لازم، موجب تأخیر غیرمعقول دوره‌ی احداث گشته و از این طریق هزینه‌های زیادی از حیث اقتصادی و اجتماعی بر کشور تحمیل می‌شود. (۳)

این یک ویژگی اقتصاد نفتی است که دولت را به توزیع کننده امتیاز و گروه‌های اجتماعی را به دریافت کننده سهم از ثروت ملی تبدیل می‌سازد. پدیده‌ی چانه‌زنی و فشار برای دریافت سهم بیشتر و یا سوق دادن منابع محدود به سوی حوزه‌های نفوذ یا علاقه مسئولان یا قدرت‌های اجتماعی، امری رایج شده است. (۴)

سرمایه‌گذاری زیربنایی دولت شرط بهره‌وری اقتصادی شناخته شده است. حتی در کشورهای پیشرفته مانند آمریکا، از جهت امکانات زیربنایی، کاهش سرمایه‌گذاری دولت در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ اثر تعیین‌کننده‌ای در کاهش نرخ رشد آن کشور داشته است. همین‌طور سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی مانند آموزش و بهداشت، موجب افزایش نرخ رشد بوده و تفاوت نرخ رشد کشورهای مختلف را نیز توجیه می‌کند. مطالعات جدید نیز همین ارتباط را تأیید می‌کند. سرمایه‌گذاری زیربنایی دولت اگر به شکل مولد و همراه با بهره‌وری صورت بگیرد به شکل مستقیم و غیرمستقیم بر نرخ رشد اقتصادی اثر مثبت می‌گذارد. (۱)

جهانگرد و اقلامی نیز در مطالعه‌ای به بررسی آثار قوانین و مقررات طرح‌های عمرانی بر شتاب رشد اقتصادی پرداخته‌اند، که یک فیلتر شناسایی شتاب‌های رشد در ایران معرفی شد و با بررسی شروط وقوع شتاب رشد مشخص شد که در دو مقطع از زمان

با توجه به اعتبار مورد نیاز ۳۶۰ هزار میلیارد تومانی و با اضافه کردن تعدیل سال‌های بعد (با فرض ۱۵ درصد سالانه) و اگر متوسط زمان اجرا نیز با توجه به اعتبار موجود ۱۰ سال فرض گردد و پروژه جدیدی نیز اضافه نشود (که غیرممکن است)، برای اتمام پروژه‌های نیمه‌تمام کنونی نیاز به حدود ۷۰۰ هزار میلیارد تومان بودجه عمرانی ظرف ۱۰ سال آینده است. این در حالی است که اعتبارات مصوب عمرانی در سال ۱۳۹۳ حدود ۴۱۳ هزار میلیارد تومان و اعتبار پرداخت شده ۲۳۸ هزار میلیارد تومان بوده است (۵۷ درصد تحقق) (۶). اعتبار عمرانی مصوب سال ۱۳۹۴ نیز حدود ۴۷۷ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده است (۷). از سوی دیگر درصد تحقق بودجه عمرانی از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۱، عددی بین ۳۶ درصد (در سال ۱۳۹۱) تا حداکثر ۹۵ درصد (در سال ۱۳۸۷) با متوسط ۷۰ درصد در این ۱۸ سال را نشان می‌دهد (نمودار ۱). در همین دوره اعتبارات هزینه‌ای بین ۸۹ درصد تا ۱۰۵ درصد اعتبار مصوب محقق شده است (۸).

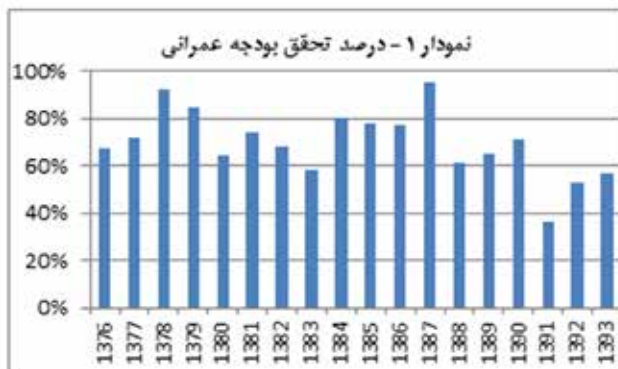
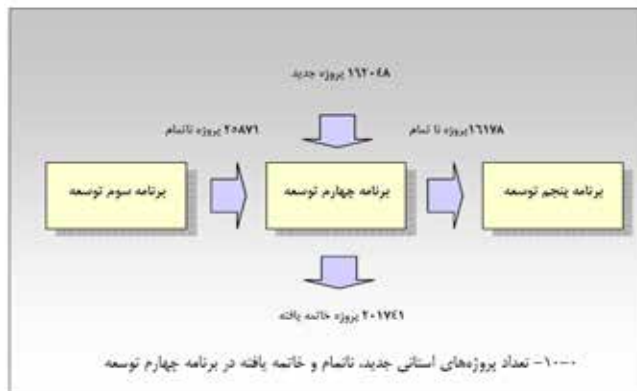
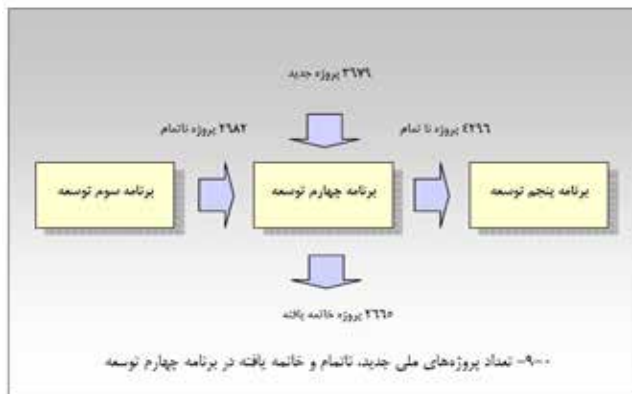
با توجه به توضیحات بالا و برآورد ۷۰۰ هزار میلیارد تومانی اعتبار لازم برای تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام، و با فرض ۱۰۰ درصد تحقق (۴۸ تا ۵۰ هزار میلیارد تومان سالانه و افزایش سالانه آن مطابق نرخ تورم)، حدود ده سال زمان برای اتمام آنها لازم است. با فرض تحقق ۷۰ درصد بودجه عمرانی (متوسط سال‌های گذشته)، شاید در سال ۱۳۹۴ حدود ۳۵ هزار میلیارد تومان آن محقق گردد. فرض تحقق ۷۰ درصد بودجه عمرانی (واقعیت سال‌های گذشته)، زمان لازم برای اتمام را باز هم افزایش خواهد داد.

نسبت عملکرد اعتبارات عمرانی به اعتبارات هزینه‌ای با نوسانات زیاد از ۴۵ درصد در سال ۱۳۷۶ و پس از افت و خیز فراوان به ۲۰ درصد در سال ۱۳۹۲ و ۱۶ درصد در سال ۱۳۹۳ کاهش یافته است (۹) که خود نشان‌دهنده کاهش توان دولت برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های عمرانی می‌باشد. از سوی دیگر در صورت تعدیل عملکرد بودجه عمرانی به نرخ‌های پایه سال ۱۳۸۱ (با متوسط شاخص‌های تعدیل رشته ابنیه و راه به عنوان بخش عمده پروژه‌های کشور)، مشاهده می‌گردد که عملاً بودجه عمرانی سال ۱۳۹۳ از نظر ارزش واقعی کمتر از بودجه ۱۳۸۱ است (نمودار ۲).

نمودارهای فوق نشان می‌دهد که به دلیل افزون بودن طرح‌های نیمه‌تمام نسبت به توان بودجه عمرانی کشور، بخش قابل توجهی از پروژه‌های ملی و استانی از برنامه چهارم توسعه به برنامه پنجم منتقل شده است (۱۰).

گزارش عملیات پروژه‌های عمرانی در برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸) نشان می‌دهد که متوسط زمان اجرای پروژه‌های ملی در این برنامه ۱۱٫۵ سال و برای برنامه‌های استانی ۴ سال بوده است (۱۱).

حتی در دوره ۸۴ تا ۸۸ که درآمد کشور به لحاظ افزایش درآمد نفتی خوب بوده، بیش از ۵۰ درصد علت تاخیرات پروژه‌ها ناشی از نارسایی اعتبار بوده است (۱۲).





با توجه به این که افزایش بودجه عمرانی سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ ناشی از افزایش قیمت نفت بوده، با عنایت به رشد جمعیت و نیاز به کارهای عمرانی بیشتر و استهلاک و فرسودگی تاسیسات موجود و نیاز به نوسازی و بازسازی آنها، مشاهده می گردد که بودجه عمرانی به هیچ وجه کفاف نیاز عمرانی کشور را نمی دهد و باید طرحی نو در انداخت.

علل بروز مشکل انبوه پروژه های نیمه تمام

طرح های عمرانی تاثیر مهمی بر رشد اقتصادی دارند، تحقیقات عبدلی (۱۳۸۰) (۱۳) در مورد ایران نشان می دهد که سرمایه گذاری دولتی اثر مثبت بر رشد سرمایه گذاری خصوصی دارد. برعکس تطویل و تاخیر آنها می تواند تاثیر منفی برای رشد اقتصادی داشته باشد. در علل بروز تاخیرات و راهکار برون رفت از مشکل انبوه طرح های نیمه تمام عمرانی که روی دست دولت مانده، مطالعات مختلفی انجام شده است. از جمله:

- سلجوقی (۱۳۷۰) (۱۴) در بررسی مشکلات طرح های عمرانی دولت می نویسد که ۹۰ درصد طرح های عمرانی بدون توجیه کارشناسی با فشار نمایندگان، استانداران و سایر عناصر فشار قانونی یا غیرقانونی آغاز می شود.

- در بررسی حکیم شوشتری (۱۳۸۲) (۱۵) می بینیم که ظرف یکسال ۱۳۸۱ تا ۳۸۲، برآورد هزینه طرح های نیمه تمام بیش از پنج برابر شد و سال ها نیز بر مدت معین شده قبلی افزوده شد.

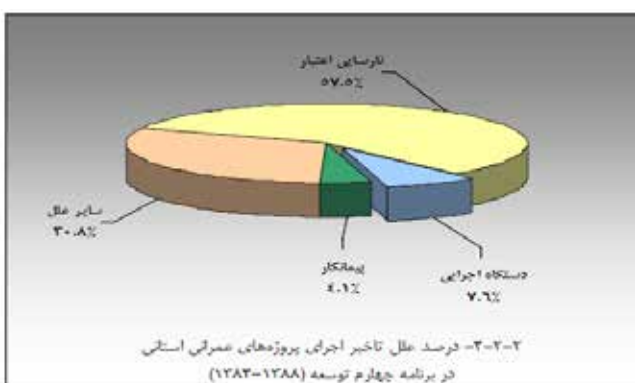
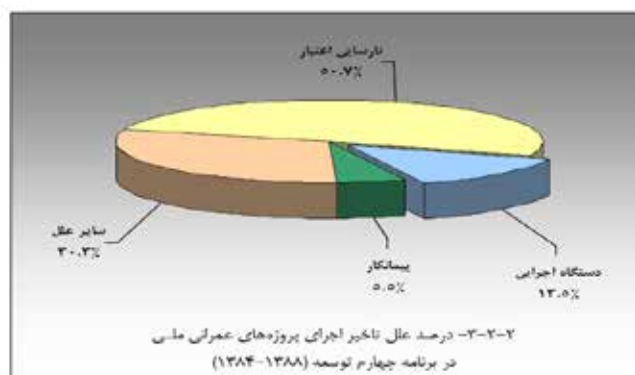
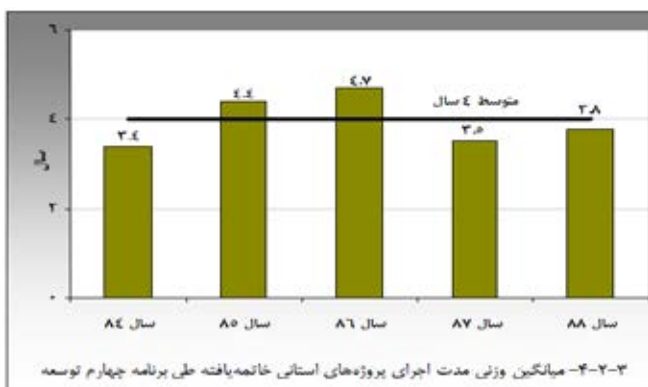
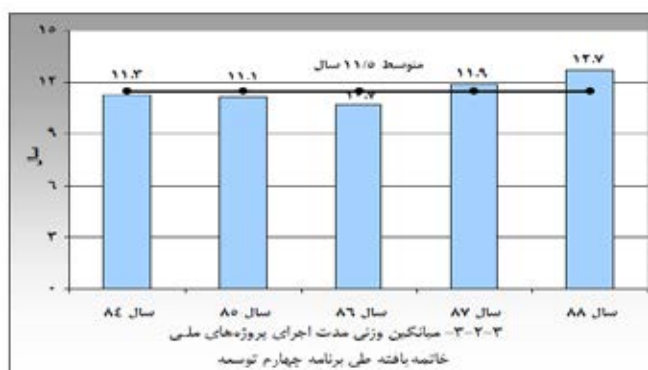
- پناهی (۱۳۸۳) (۱۶) در گزارش خود افزایش هزینه ناشی از تطویل طرح ها را برنامه سوم توسعه نشان می دهد.

- حلاج نیشابوری (۱۳۸۴) (۱۷) می گوید، ایرانیان قصد دارند احساس عقب ماندگی خود را با تصاحب دارائی های سرمایه ای قابل لمس جبران کنند. نماینده در پی جلب اعتبار برای پروژه هایی خاص است زیرا مطالبات مردم حوزه خویش را حق می داند، و یا منطقه خویش را به طور نسبی محروم می شمارد، و با در پی اجرای اصل ۴۸ قانون اساسی برای توازن منطقه ای است و یا این کار را برای حفظ رأی خویش در انتخابات بعدی ضروری می شمارد. با کمی تفاوت وزرا، مدیران، مقامات اجتماعی و اداری دیگر و حتی کارشناسان تصمیم ساز همین انگیزه ها یا برخی از آنها را دارند.

- گزارش پناهی (۱۳۸۵) (۱۸) نیز کمابیش همین نتایج گزارش حکیم شوشتری را برای سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶ نشان می دهد.

- توکلی (۱۳۸۶) (۱۹) در خصوص علل بروز این معضل مطالعاتی انجام داد و راهکارهایی برای برون رفت ارائه داده است، از جمله اصلاح فرایند تصمیم گیری در سطوح سیاسی و کارشناسی، به طوری که تمایلات شخصی و گروهی بر آن تأثیر نگذارد، و دوم، اصلاح نظام فنی اجرایی.

- مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی (معاونت پژوهش های اقتصادی-دفتر مطالعات برنامه و بودجه) نیز در تیرماه ۱۳۹۳ گزارشی تحت عنوان «ساماندهی طرح های عمرانی (ارائه یک





جدیدی تصویب شود. مثلاً در لایحه بودجه ۱۳۹۴ تنها ۸ طرح جدید تعریف شده است. (۲۲)

جمع بندی

توضیحات بالا نشان می‌دهد که سه مشکل عمده در خصوص طرح‌های عمرانی کشور قابل بررسی است:

- ۱- برنامه‌ریزی برای تعریف طرح‌های عمرانی با توجه به ظرفیت بودجه کشور و جلوگیری از تعریف طرح‌های غیرضروری
 - ۲- یافتن راه‌های جدیدی برای تامین مالی پروژه‌ها بجز بودجه عمرانی کشور (مشارکت بخش خصوصی)
 - ۳- اقتصادی سازی طرح‌های عمرانی
- طرح‌های نیمه تمام باید نخست بازبینی شوند (بازتعریف طرح‌ها، بازبینی اقتصادی و انجام مهندسی ارزش). طرح‌ها باید به سه گروه طرح‌های اقتصادی قابل خصوصی سازی، طرح‌های قابل اقتصادی شدن و طرح‌های غیرقابل خصوصی سازی (مستثنا) تقسیم گردد.

برای بازبینی توجیه اقتصادی طرح‌های نیمه تمام عمرانی: برخی طرح‌ها اقتصادی هستند، برخی غیراقتصادی بوده ولی با دادن امتیازاتی مانند افزایش تعرفه و یا امتیازات جانبی قابلیت اقتصادی شدن را دارند و برخی به هیچ وجه قابل اقتصادی شدن نیستند، لذا اقدامات زیر قابل پی‌گیری است:

- اولویت بندی طرح‌های غیراقتصادی و توقف طرح‌های بدون اولویت
- واگذاری طرح‌های نیمه تمام اقتصادی یا اقتصادی شده به بخش خصوصی به صورت کامل و حذف بودجه دولتی آنها
- اجرای طرح‌ها با روش‌های مختلف مشارکت با بخش خصوصی PPP (انواع BOT، BOOT، ...) که تجربه زیادی در جهان از آن وجود دارد (در ادامه توضیحات بیشتری داده می‌شود).
- جلوگیری مجلس از تعریف طرح جدید با تکابه منابع عمومی: به جز طرح‌های بسیار ضروری، نباید تا ساماندهی طرح‌های کنونی طرح

الگوی اولیه) ارائه داد. در این گزارش پیشنهاد شده که برای ساماندهی طرح‌های عمرانی (طرح‌های نیمه تمام کنونی و طرح‌های جدید) نیاز به اقدامات جدی برای ساماندهی طرح‌های عمرانی احساس می‌گردد که به صورت زیر قابل دسته بندی است. (۲۰)

• شفاف سازی اطلاعات طرح‌ها: طبق بند «ه» ماده ۲۱۵ قانون برنامه پنجم توسعه، معاونت برنامه‌ریزی (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کنونی) موظف است خلاصه‌ای از جمع بندی گزارش‌های توجیهی طرح‌هایی که از منابع عمومی تأمین مالی می‌شود، (به استثنای طرح‌های دفاعی و امنیتی) را یک سال پس از تصویب از طریق وبگاه معاونت در دسترس عموم کارشناسان و پژوهشگران قرار دهد. (۲۱)

• مطالبه از سازمان خصوصی سازی برای تهیه آیین نامه‌ها و روال‌های مورد نیاز واگذاری طرح‌ها

• مطالبه از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

پی‌نوشت‌ها:

و نحوه اولویت بندی طرح‌های تملک داراییهای سرمایه‌ای (طرح‌های عمرانی) ملی، گزارش جامع»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ص ۸۲

۱۸- پناهی، علی و دیگران، (۱۳۸۵)، «اعتبارات تملک داراییهای سرمایه‌ای و ضرورت اولویت بندی طرح‌های نیمه تمام ملی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۲۰۰۸۲۲۴، بهمن ۱۳۸۵، ص ۳

۱۹- توکلی، احمد، نشریه پژوهنامه اقتصادی، شماره ۲۶، پاییز ۱۳۸۶، «با طرح‌های ناتمام عمرانی چه کنیم»، ص ۲۵

۲۰- ساماندهی طرح‌های عمرانی (ارائه یک الگوی اولیه)- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی- معاونت پژوهش‌های اقتصادی- ۱۳۹۳

۲۱- مجموعه برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور، اسفند ۸۹ - ص ۲۲۱

۲۲- گزارش بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۹۴ کل کشور- ۳۷. طرح‌های تملک داراییهای سرمایه‌ای- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی- ۱۳۹۳ - ص ۱۶

۱- گزارش عملیات پروژه های عمرانی در برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸) معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری- ۱۳۹۰ - ص ۱۳ و ۱۴

۱۱- همان - ص ۷۵ و ۷۶

۱۲- همان - ص ۴۶ و ۴۷

۱۳- عبدلی، قهرمان، (۱۳۸۰)، «تاثیرپذیری سرمایه گذاری خصوصی از بودجه عمرانی دولت در ایران»، مجله برنامه و بودجه، شماره ۶۵-۶۶، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، شهریور و مهر ۱۳۸۰

۱۴- سلجوقی، خسرو، (۱۳۷۰)، «بررسی مشکلات اجرایی طرح‌های عمرانی در دستگاههای دولتی»، دفتر بهبود روشها، سازمان اموراداری و استخدامی، ص ۱۴

۱۵- حکیم شوشتری و همکاران (۱۳۸۲) «بررسی تحلیلی پیش نویس طرح ساماندهی طرح‌های عمرانی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۶۷۰۰، ص ۹

۱۶- پناهی، علی (۱۳۸۳)، «تحلیلی بر اعتبارات طرح‌های تملک داراییهای سرمایه‌ای عمرانی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۷۲۶۰، ص ۳

۱۷- حلاج نیشابوری، شهرام، (۱۳۸۴) «طرح بررسی ضرورت

۱- توکلی، احمد، نشریه پژوهنامه اقتصادی، شماره ۲۶، پاییز ۱۳۸۶، «با طرح‌های ناتمام عمرانی چه کنیم»، ص ۱۷

۲- جهانگرد، اسفندیار و اقلامی، سمیه، (۱۳۸۹)، «بررسی و ارزیابی آثار قوانین برنامه های عمرانی و توسعه بر شتاب رشد اقتصادی در ایران»، فصلنامه پول و اقتصاد، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۹

۳- توکلی، احمد، نشریه پژوهنامه اقتصادی، شماره ۲۶، پاییز ۱۳۸۶، «با طرح‌های ناتمام عمرانی چه کنیم»، ص ۲۰

۴- همان - ص ۲۳

۵- گزارش وضعیت پروژه های عمرانی متوقف در سال ۱۳۹۲ - سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور - بهار ۱۳۹۴ - ص ۷

۶- گزارش بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۹۴ کل کشور - ۳۷. طرح‌های تملک داراییهای سرمایه‌ای- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی- ۱۳۹۳ - ص ۱۹

۷- گزارش وضعیت پروژه های عمرانی متوقف در سال ۱۳۹۲ - سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور - بهار ۱۳۹۴ - ص ۵

۸- گزارش بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۹۴ کل کشور - ۳۷. طرح‌های تملک داراییهای سرمایه‌ای- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی- ۱۳۹۳ - ص ۱۸

۹- همان - ص ۱۹



چرا شرکت‌های مهندسی پروژه محور عمر کوتاهی دارند؟

نوشتاری از:

مهندس سید محسن مقدس زاده



پیام‌آبادگران
آذر ۱۳۹۴
شماره ۳۳۷

باید آنچه را در طول
دهه‌ها با صرف عمر
گرامی و پذیرش
دشواریهای فراوان
به دست آورده‌ایم
به نسل جوان ارایه
دهیم تا با هم‌افزایی
با خلاقیت‌های
آنها چشم‌اندازهای
جدیدی از توسعه
سازمانی فراروی
شرکت‌های پروژه
محور قرار گیرد. باید
از دادن مسئولیت به
نسل جوان نهراسیم.
باید به آنها و
توانایی‌های بالقوه
آنها اعتماد کنیم.

متوسط به پائین، از لایه‌های صلب اجتماعی منافذی پیدا می‌کنند و به اهرمهایی چون دانش و تخصص دست می‌یابند و با گشودن این منافذ به رده‌های بالای قشر بندی اجتماعی و تحرک طبقاتی دست می‌یابند و تبدیل به طبقه جدید کارآفرین می‌شوند که هم خود و هم برای مجموعه‌ای از گروه‌های انسانی اشتغال‌زایی می‌کنند.

این گروه پس از رشد نسبی در عرصه فعالیت‌های خود که در این مقاله روی سخن با پیمانکاران پروژه‌های عمرانی و شرکت‌های مهندسی پیمانکاری ساخت و ساز است) واجد چند ویژگی می‌شود.

۱- به رفاه نسبی دست می‌یابند و سعی می‌کنند با استفاده از مکانیزم یا ساز و کار "نوعی افراط در جبران" دشواریهای زیستی خود را از خانواده دور ساخته و برای آنها تا حد امکان ملزومات رفاهی را فراهم سازند. لذا در این شرایط و افزودن بر درجه رفاه خانواده در پیوستار هستی اجتماعی، اعضای خانواده آنها

ابن خلدون را اولین جامعه‌شناس اسلامی می‌شناسند. این اندیشمند اجتماعی که در سال ۷۳۲ هجری در تونس متولد شده است، روند تطور و تحول اجتماعی را با شاخصی به نام عصبیت قبیله‌ای و عشیره‌ای می‌سنجد و اصولاً فراز و فرود تمدنها را ناشی از این مفهوم اجتماعی تاویل و تفسیر می‌کند.

ابن خلدون معتقد است، در طول تاریخ قبایل صحراگرد به مناطق واجد ویژگی‌های تمدنی و شهری حمله‌ور می‌شوند و پس از تاراج و ویرانی تمدن‌ها خود در آن مناطق مستقر می‌گردند و از خوی قبیله‌ای دست کشیده به شهرنشینی و بهره‌گیری از مزایای آن مشغول می‌شوند تا دیگر بار قبیله‌ی بیابانگرد دیگری، به این ساختارهای تمدنی یورش می‌آورد و این چرخه یا "ترمیدور" بارها و بارها تکرار می‌شود و ادامه می‌یابد، این دیدگاه را چنانچه وارد حوزه‌های محدودتر سازیم، می‌توانیم با آن به ارزیابی شرکت‌ها بپردازیم. با این نگرش درمی‌یابیم، که افرادی از طبقه متوسط و یا

به رفاه عادت می‌کنند و شرایط موجود، کف مطالبات آنها را تشکیل می‌دهد. لذا فرزندان، آمادگی کار با پدر و یا سرپرست خانواده خود، در گرمای ۴۸ درجه و شرجی ۹۸ درصد و یا فعالیت ساخت و ساز، در دمای ۲۰ درجه زیر صفر را ندارد. زیرا در تابستان از امکانات سرمایشی و در زمستان از امکانات گرمایشی و سایر امکانات رفاهی و بهداشتی برخوردارند، لذا تحمل کار در بیابانهای گرم و سوزان و یا مناطق کوهستانی سرد و صعب‌العبور را ندارند و برای این کار تربیت نشده‌اند؛ لذا با از کارافتادگی و یا فوت بنیانگذار شرکت، مجموعه فراهم شده چون آثار تمدنی در دیدگاه ابن خلدون، توسط عوامل رفاه‌زدگی و به نوعی بیزاری از کار بنیانگذار، فرو می‌ریزد و شرکتی که با خون دل و با سختی بسیار به رتبه‌های برتر سازندگی و آبادی دست یافته بود، منحل می‌گردد. لذا یکی از عوامل مؤثر در عدم ماندگاری شرکت‌های مهندسی پیمانکاری صنعت احداث را باید در این فرایند جستجو کرد که در نسل بعدی تمرین لازم برای پایداری و تاب‌آوری در این حرفه سخت و دشوار و در عین حال پر استرس، ایجاد نمی‌شود. بنابراین فرزندان امکانات و تسهیلات رفاهی و تفریحی موجود را رها نمی‌کنند و برای ساخت و ساز راهی بیابانها و مناطق گرم و شرجی و یا کوهستانی سرد و یخبندان و زندگی در چادر و کانکس نمی‌شوند لذا با توقف کار بنیانگذار، شرکت نیز از ادامه کار بازمی‌ماند و به تاریخ می‌پیوندد. عامل دیگری که موجب عدم ماندگاری شرکت‌های مهندسی پروژه محور صنعت احداث می‌شود، عدم تفکیک مدیریت از مالکیت است. اگر بپذیریم که مدیریت دانش اداره سازمان است و نسبت به مهندسی، رشته‌ای جدیدتر است لذا هنوز جامعه ایرانی به اهمیت این رشته آگاهی لازم نیافته است و چون در دوره دبیرستان معمولاً دانش‌آموزان درس فعال‌تر وارد رشته‌های مهندسی می‌شوند این شبهه در فارغ‌التحصیلان آن، به صورت تعمیم

یافته وجود دارد که در امور دیگر هم بهتر و شایسته‌تری می‌توانند عمل کنند و بر این اساس خود را از توانمندی‌های دانش مدیریت محروم می‌سازند و بدین ترتیب همه امور و تمشیت تمامی روندها و فرایندهای مدیریت و تصمیم‌گیری‌ها، به بنیانگذار وصل می‌گردد و با کناره‌گیری وی امور شرکت و فعالیت‌های آن نیز کنار می‌رود.

از عوامل دیگری که ماندگاری شرکت‌های پروژه‌محور را با مخاطره مواجه می‌سازد عدم توسعه ابعاد ساختاری و محتوایی شرکت، توسط بنیانگذار می‌باشد. یکی از تحلیلگران اجتماعی و سیاسی می‌گوید، که در روند تحولات تاریخی ایران یک پای حرفه‌مندان پروژه‌محور ساکن در شهرها، در روستا جا مانده است و آثار آن به این شکل ظاهر می‌شود که این حرفه‌مندان به مجردی که پروژه‌ای را به انجام می‌رسانند و سودی از بابت آن تحصیل می‌کنند به جای توسعه شرکت و تأمین دارایی‌های ثابت، ماشین‌آلات و تجهیزات و تأسیس شعبات شرکت در حوزه‌های داخلی و یا خارجی، بلافاصله منابع مالی به دست آمده را صرف تأمین باغچه‌ای در مناطق خوش آب و هوا می‌کنند و اندوخته‌هایی که باید صرف توسعه سازمان کار و حرفه شود در این مناطق از بُعد اقتصادی راکد می‌ماند و حضور در آن مناطق هم باری بردوش هزینه‌های فرد می‌گذارد و به مرور پس‌اندازها نیز صرف حضور هفتگی در باغچه یا به تعبیری باغ ویلا می‌گردد و این امر تسری پیدا می‌کند به مناطق ساحلی و در روند خود تأمین مسکن در خارج از کشور را وارد هرم نیازهای اولیه می‌سازد و با این سبک زندگی، اتلاف منابع مالی هم ادامه می‌یابد. لذا شرکت‌های ایرانی پروژه‌محور پس‌اندازهای خود را به نوعی "کنز" می‌کنند و همواره چشم به دست پروژه‌های دولتی دارند، تا با اخذ پیش‌پرداخت آنرا به انجام برسانند، این شیوه عمل، مدیران شرکت‌های ساختمانی را به کارمندان بخش دولتی تبدیل ساخته است که تنها تفاوت آنها در این می‌باشد که همه روزه در ساعت مقرر نباید حضور یافته و کارت ورود و خروج

ثبت کنند و با این تمایز که در روزهای تعطیل مزدی دریافت نمی‌کنند ولی برای کارکنان خود در تمامی ایام تعطیل، مزد پرداخت می‌کنند. لذا اگر بپذیریم که تعادل اقتصادی کلان به تعبیر "کنز" اقتصاددان شهیر انگلیسی از تساوی پس‌انداز کل با سرمایه‌گذاری کل به دست می‌آید یعنی $I=S$ لذا بدلیل هزینه کردن تمامی پس‌اندازها توسط مدیران شرکت‌ها در امور غیرشرکتی و غیرمولد، باعث می‌شود که آنها بدون کمک‌های دولتی و شرکت در مناقصه پروژه‌های دولتی، توان انجام پروژه‌ها را نداشته باشند و در شرایط فعلی یعنی رکود تورمی، نبود بودجه لازم برای فعالیتهای عمرانی و پیدایش رقاباتی از نهادهای عمومی و حاکمیتی همراه است، نظام امور شرکت‌ها از هم‌گسیخته گردد، اغلب مدیران شرکت‌های صنعت احداث فرهنگ پس‌انداز برای توسعه سازمانی را ندارد و پس‌اندازها در اموری غیر از توسعه سازمان کار و حرفه صرف می‌شود. لذا این وضعیت از آنها کارمندانی برای بخش دولتی می‌سازد که همواره باید منتظر مناقصه‌های دولتی باشند.

از عوامل دیگری که ماندگاری شرکت‌ها را با مشکل مواجه می‌سازد عدم توزیع پروژه‌ها میان شرکت‌های عضو می‌باشد. سندیکا برای حمایت از اعضای خود باید روشی ایجاد کند که همه شرکت‌های عضو از پروژه‌های

واگذاری بخش‌های کارفرمایی سهم داشته باشند؛ لذا نبود توزیع نرمال پروژه‌ها، انسجام درونی سندیکای را دچار اشکال و مشارکت و وفاق میان آنها را خدشه‌دار می‌سازد و گاهی باعث رقابت‌هایی از نوع "خودزنی" در میان آنها (در دادن قیمت‌های زیر مینوس) می‌گردد که به زیانهای جبران‌ناپذیر می‌انجامد به طوری که حیات شرکت را با خطر مواجه می‌سازد. لذا برای این امر باید چاره‌ای اندیشیده شود تا شرکت‌ها از اقدام‌های انتحاری دست بردارند و کارفرما از این موقعیت به زیان شرکت‌ها سوءاستفاده نکند و در مقابل درخواست تعدیل، نگوید که شرکت‌های دیگر حاضرند کار را زیر قیمت مینوس انجام دهند. لذا این رقابت و بی‌اعتمادی به یکدیگر باید با ساز و کارهایی به وفاق و دوستی تبدیل شود و نبود توازن ناشی از وضعیت پیش آمده در منحنی توزیع پروژه به سطح نرمال برگردد تا مشارکت فعال، خلاق، سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی، دیگر بار به مجموعه تزریق گردد و هم‌نواپی و هماهنگی در مجموعه تقویت شود.

از عوامل دیگری که موجبات ناپایداری در ماندگاری شرکت‌ها شده است بهره‌نگرفتن از فناوریهای نوین و بی‌علاقگی مدیران شرکت‌ها، در تبدیل شرکت‌ها به مجموعه‌ای یادگیرنده و هوشمند است. امروز مدیریت بایستی به رهبری انسانی تبدیل وضعیت





دهد، امروز نیروی کار باید در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها مشارکت داده شود، امروز باید از خرد جمعی در پیدا کردن بهترین راه‌حل‌ها استفاده کرد، امروزه باید به نسل جوان فرصت داد تا از خلاقیت‌ها و ابتکارات و نوآوری‌های خود بهره گرفته و آنرا وارد چرخه حیات سازمان کند، امروز باید تفکر پدرسالارانه را به کناری گذاشت و از نیرو و توان جوانان برای اداره امور شرکت‌ها بهره بیشتری گرفت، باید آنها را در فرآیند مدیریت کلان سازمان و سندی‌کایی سهام کرد و تجربیات گرانبار نسل قبل که با صرف عمر و ورود به دوره سالمندی به دست آمده است به نسل جدید منتقل شود. نباید بگذاریم که نسل جدید چرخ چاه را دوباره اختراع کند. باید دانش فنی و نتایج حاصل از تجربیات کاربردی نسل قبل را در اختیار نسل جدید قرار داد زیرا که علم و دانایی هم، زکات دارد و با انتقال و انتشار آن به جوانان باید این زکات پرداخت شود، که به بیان فلاسفه جدید توزیع دانایی موجبات توانایی را می‌سازد. (Share of knowledge is power) فراهم

می‌سازد. (باید آنچه را در طول دهه‌ها با صرف عمر گرامی و پذیرش دشواریهای فراوان به دست آورده‌ایم به نسل جوان ارایه دهیم تا با هم‌افزایی با خلاقیت‌های آنها چشم‌اندازهای جدیدی از توسعه سازمانی فراروی شرکت‌های پروژه محور قرار گیرد. باید از دادن مسئولیت به نسل جوان نهراسیم. باید به آنها و توانایی‌های بالقوه آنها اعتماد کنیم. مثالی از بیل گیتس را به خاطر دارم که وقتی کارمند جوانی وقت می‌گیرد و به ملاقات بیل گیتس می‌رود و در این ملاقات استعفانامه خود را تقدیم می‌کند و می‌گوید در پروژه‌ای خسارتی به ماکروسافت وارد کرده‌ام که عذاب وجدان دارم و راه‌حل را در این می‌بینم که با استعفا از کاری که به آن عشق می‌ورزم خود را تنبیه کنم؛ بیل گیتس تقاضای استعفا او را نمی‌پذیرد و می‌گوید تو حتماً این زبان را جبران خواهی کرد، زیرا وجدان کاری و احساس تعلق سازمانی ژرف در شما این امر را تقویت می‌کند. آن جوان

به سرکار برمی‌گردد و با به دست گرفتن چندین پروژه، ده‌ها برابر زیان وارده قبلی، در پروژه‌های بعدی به ماکروسافت سود می‌رساند. جوانان را در امور مشارکت دهیم و به مرور تجربه‌های خود را به آنها منتقل کنیم بسیاری از امور که در تجربه کاری به دست می‌آید در کتابهای درسی دانشگاهی وارد نشده است. باید در گرمای سوزان عسلویه با شرحی ۹۸ درصد کارکرد تا متوجه شد که باید دمای بتون را در ۱۵ درجه ثابت کرد تا خاصیت ذاتی خود را از دست ندهد لذا همه ما موظف هستیم و بر ما فرض است که شکاف نسلی (Generation Gap) موجود را که میان نسل جدید با نسل قدیم ایجاد شده، پر کنیم. اگر این شکاف نسلی پر نشود در آینده نزدیک با نوعی انقطاع و واگرایی فرهنگی (Cultural cut & cultural dispersion) مواجه خواهیم شد. که نه تنها امور سازمانهای ما را با اختلال جدی در تفاهم و تعامل با نسل جدید مواجه خواهد ساخت، بلکه ساخت و بافت سازمانی را نیز با دشواری روزافزون روبرو خواهد نمود. لذا بر مدیران فرض است که با هموار ساختن

امروز شاهد این وضعیت هستیم که بنیانگذارانی که با دشواری به بالای هرم لایه‌بندیهای اجتماعی دست یافته‌اند و مدارج تحصیلی را گذرانده‌اند، فرزندان آنها به دلیل تزریق بیش از حد امکانات رفاهی به خانواده و دستیابی سریع به خواسته‌ها، نتوانسته‌اند تا حد و اندازه پدران و مادرانشان رشد کنند



مسیر مشارکت جوانان، راه را برای مدیریت جوانان مستعد و پویا، باز کنیم و به مرور آنها را در جریان امور قرار دهیم به ویژه فرزندان خود را به محیط‌های پروژه‌ها برده و در مواقع فراغت، از توان و دانش آنها در پروژه‌ها سود جوئیم که هم نسل جدید با دشواری کار آشنا شود و هم خوی رفاه‌طلبی و دوری جستن از دشواری‌ها از آنها دور گردد و هم احساس آفرینش‌گری در آنها شکوفا گردد که چنانچه به این مایه از سرمایه کار خلاق دست یابند، بی‌شک فرزندان ادامه‌دهندگان کار پدران خواهند شد.

فراموش نکنیم تا چند سال آینده متجاوز از ۴/۶ میلیون دانش‌آموخته دانشگاهی وارد بازار کار می‌شوند و مابه عنوان نمایندگان بخش خصوصی واجد مسئولیت اجتماعی (CSR)* می‌باشیم و باید به وظایف اجتماعی خود در قبال نسل جدید فرهیخته عمل کنیم و از آنها مدیران برجسته برای آینده بسازیم. این اصل را از بعد جامعه‌شناسی خانواده باید پذیرفت که تزریق رفاه در خانواده نه تنها انگیزه کار و تلاش را در آنها تضعیف می‌نماید بلکه حتی انگیزه‌های تحصیلی را نیز در آنها سست می‌سازد. این امر به مثابه تبلیغ زندگی صوفیانه و درویشی نیست بلکه مراد از آن جلوگیری از افراط و تفریط در هر کاری است که تبعاتی دارد. امروز ما شاهد این وضعیت هستیم که بنیانگذارانی که با دشواری به بالای هرم لایه‌بندیهای اجتماعی دست یافته‌اند و مدارج تحصیلی را گذرانده‌اند، فرزندان آنها به دلیل تزریق بیش از حد امکانات رفاهی به خانواده و دستیابی سریع به خواسته‌ها، نتوانسته‌اند تا حد و اندازه پدران و مادرانشان رشد کنند. لذا لایه‌های اجتماعی از دوره‌ای به دوره بعد به صورت منحنی سینوسی در کشور در حال جابجایی هستند و این روند در شرکت‌های مهندسی پیمانکار پروژه‌ای عمرانی نیز همواره از گروه قدیم به گروه جدید در حال انتقال می‌باشد. بیاییم دست در دست هم دهیم؛ شرکت‌ها را ماندگار و شکاف نسلی را پیرسازیم تا ما نیز چون کشورهای اروپایی دارای شرکت‌هایی با قدمت ۱۵۰ تا ۲۰۰ سال شویم.



سناریوهای اقتصاد ایران در پساتحریم

دکتر مسعود نیلی، با طرح سناریوهای مختلف گفتمانی برای همگرایی ملی در عصر پساتحریم، با انتشار نوشتاری به ترسیم مجموعه‌ای از مشکلات،

فرصت‌ها، خطوط راهنما و قرمز اقتصاد پرداخته است. دکتر نیلی دستیابی به رشد اقتصادی بالا و پایدار را مهم‌ترین اولویت اقتصاد ایران عنوان کرده است. به باور این اقتصاددان، نظام تصمیم‌گیری در پساتحریم با سه انتخاب روبه‌رو است؛ تعامل با جهان بدون توجه به اصلاح ساختار، درونگرایی با نفی اصلاح ساختار و اصلاحات ساختاری با بهره‌گیری از تعامل با جهان. این استاد دانشگاه با یادآوری تجارب گذشته تاکید دارد دو انتخاب اول با وجود آنکه نقطه مقابل هم هستند اما انگیزه‌ای برای اصلاح و تغییر ساختار معیوب کنونی ندارند؛ بنابراین هر دو رویکرد بحران‌آفرینند. اما بهره‌گیری واقع‌بینانه از تعامل با جهان «با محوریت اصلاح ساختار درونی اقتصاد» تنها راه امیدآفرین برای اقتصاد ایران است.

شوند. در صورتی که نظام تصمیم‌گیری کشور موفق نشود گفتمان ملی واقع‌گرایانه و مسالمت‌آمیز پساتحریم را از هم‌اکنون جایگزین چالش مخرب ذکرشده کند، اقتصاد پساتحریم می‌تواند در وضعیتی حتی به مراتب بدتر از دوره تحریم ظاهر شود. این نوشتار تلاشی است اولیه و گامی است ابتدایی برای ارائه تصویری کارشناسی از مشکلات کشور و تصویر وضعیت ویژه اقتصاد ایران و انتخاب‌های بسیار مهمی که در ابتدای مسیر پیرچالش پساتحریم پیش روی نظام تصمیم‌گیری کشور قرار دارد. انتشار عمومی این نوشته به جای ارائه آن به صورت یک گزارش کارشناسی درون نظام تصمیم‌گیری دولت به این دلیل است که نگارنده ضروری می‌داند هرچه زودتر گفتمان ملی پیرامون شرایط دوران پساتحریم در عرصه عمومی و در میان متخصصان، کارآفرینان، اصحاب رسانه و دیگر صاحبان فکر و اندیشه درگیرد تا شاید از این طریق بتوان به یک همگرایی رسید. در ادامه ابتدا چند پرسش محوری را مطرح می‌کنم و پس از آن در قالب پاسخ به سوالات مطرح شده، سرفصل‌ها و محتوای اصلی مطالب شکل می‌گیرد.

۱ - مهم‌ترین مشکلات حال حاضر اقتصاد ایران چیست؟ اهمیت این پرسش از آنجا است که بدون توجه به مشکلات موجود اقتصاد کشور نمی‌توان ارزیابی درستی از گشایش‌های محتمل داشت. کدام موانع و محدودیت‌ها هستند که اگر مورد توجه قرار نگیرند مسائل عمده اقتصاد ایران همچنان لاینحل می‌مانند؟

۲ - چه گشایش‌هایی در نتیجه برداشته شدن تحریم‌ها قابل تصورات است؟

۳ - برای بهره‌برداری از گشایش‌ها، چه خطوط راهنمایی پیش روی سیاست‌گذار قرار دارد؟

۴ - سیاست‌گذار در دوره پساتحریم چه کارهایی نباید انجام دهد. به عبارت دیگر، خطوط قرمز پیش روی سیاست‌گذار کدامند؟

۵ - در دوره جدید که احتمالاً همراه با برداشته شدن موانع برای تعامل بیشتر با جهان خواهد بود، مزیت‌های ایران کدام خواهد بود؟ یعنی در فرصت تازه‌ای که از برقراری ارتباط بهتر با دنیا فراهم می‌شود چه مزیت‌هایی برای اقتصاد ایران به وجود

مختلف هم قاعدتاً طی شده و پاسخ‌های ذهنی مشخص چه مثبت و چه منفی در مورد اقتصاد پساتحریم شکل گرفته است. هرچه فاصله میان این تصاویر ذهنی در فضای انتظارات مردم و پیش‌بینی مسئولان در یک طرف و واقعیت‌ها در طرف دیگر بیشتر باشد، چالش‌های اجتماعی سیاسی دوران پساتحریم بیشتر خواهد بود به گونه‌ای که نحوه پر کردن شکاف ذکرشده می‌تواند جایگزین تمرکز بر چگونگی حل مشکلات ریشه‌ای شود.

از طرف دیگر در شرایط دشوار موجود، میزان وفاق در مورد ریشه مشکلات و راه‌حل‌های آنها، در میان نهادها و افراد موثر در سیاست‌گذاری، با حد مطلوب فاصله زیادی دارد. به نظر می‌رسد حالتی از صبر و انتظار نگران‌کننده وجود دارد تا برداشته شدن تحریم‌ها اعلام شود و پس از آن، فعالان سیاسی و اقتصادی در پس‌زمینه انتظارات مردم، وارد عرصه چالشی مخرب با یکدیگر

با به پایان رسیدن فرآیند سیاسی برنامه جامع اقدام مشترک و شروع فرآیند فنی، ظرف ماه‌های پیش‌رو وارد مرحله آزمون چگونگی بهره‌برداری از امکانات فراهم‌شده در قالب لغو تحریم‌ها خواهیم شد. از نظر آحاد مردم که یک دوره وفور درآمدهای ارزی (از ۵/۴۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۳ تا ۱۵۴ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰) را بدون بهره‌گیری رفاهی مناسب سپری کرده‌اند و پس از آن به‌ویژه طی سال‌های ۱۳۹۰ به بعد دوران سختی را پشت سر گذاشته‌اند، همواره تحریم به عنوان یک عامل مهم در به وجود آوردن این وضعیت نابسامان قلمداد شده است. بنابراین قاعدتاً در ذهن آنها انتظار بالایی از ابعاد تحول و بهبود شرایط پس از برداشته شدن تحریم‌ها شکل گرفته و برای این سوال که وضعیت اقتصادی کشور در دوران پساتحریم چگونه خواهد شد پاسخ‌های مشخصی هم‌اکنون وجود دارد. شبیه به همین فرآیند در ذهن مسئولان کشور در سطوح و مراکز تصمیم‌گیری

خواهد آمد؟

۶- انتخاب‌های تعیین‌کننده پیش روی نظام تصمیم‌گیری چه هستند؟

پاسخ جداگانه به شش پرسش مطرح شده و تلاقی آنها با یکدیگر می‌تواند پاسخی به یک پرسش مهم را فراهم کند و آن این است که اقتصاد ایران در دوران پساتحریم چه وضعیتی می‌تواند پیدا کند؟ در ادامه یک یک سوالات را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- مشکلات و مسائل موجود کشور

در این نکته که اقتصاد ایران طی سال‌های باقی‌مانده از دهه حاضر باید به رشد اقتصادی بالا و پایدار دست پیدا کند کمترین تردیدی وجود ندارد. ضرورت‌های برآمده از ایجاد شغل در جهت جبران عدم اشتغال دهه گذشته، ترمیم افت قابل توجه سطح رفاه خانوارها و بالاخره، کاهش فاصله میان سطح درآمد سرانه کشور با کشورهای قابل مقایسه منطقه پیرامونی، سه دلیل بدیهی برای این تاکید محسوب می‌شوند. حال سوال این است که چه مواعی بر سر راه تحقق این هدف وجود دارد و البته سوال دیگری هم در ادامه موضوعیت پیدا می‌کند که چه بخشی از مشکلات با برداشته شدن تحریم‌ها قابل حل خواهد بود و شاید سوال مهم‌تر اینکه با چه سرعتی می‌توان به رفع مشکلات امید بست؟ اگر فرض کنیم تحریم‌ها از میان برداشته شود، سیاست‌گذاران و مدیران اقتصادی کشور در نقطه شروع این دوره با این پرسش مواجه می‌شوند که اقتصاد کشور با چه چالش‌هایی دست به گریبان است که اگر برطرف نشوند، مسائل اقتصاد ایران همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند؟

می‌توان فهرستی بلند از مشکلات مبتلا به اقتصاد را برشمرد، اما به طور عمده، اقتصاد ایران اکنون با ۱۱ مساله اصلی و مانع مهم بر سر راه دستیابی به رشد بالای اقتصادی مواجه است.

۱-۱- چالش تامین مالی بنگاه‌های اقتصادی

بنگاه‌های اقتصادی برای آنکه رشد کنند نیازمند منابع مالی‌اند و تامین مالی در اقتصاد ایران عمدتاً متکی به بانک است. نظام بانکی در شرایط حاضر اقتصاد کشور

به طور جدی از بیماری‌های دارایی‌های سمی کلان و عدم نقدشوندگی دارایی‌ها رنج می‌برد و این نارسایی بزرگ، در قالب یک اختلال اساسی در تامین وجوه نقد مورد نیاز فعالیت‌های اقتصادی، خود را به صورت مشکل شماره یک امروز اقتصاد ایران نمایان ساخته است. ریشه‌های بیماری ذکر شده را می‌توان در درجه اول، در رشد پولی کم‌عمق نظام بانکی، بدون توسعه زیرساخت‌های نهادی لازم برای این حجم از فعالیت از نظر نظام رگولاتوری و مدیریت ریسک در دهه ۸۰ از یک طرف و تعیین دستوری نرخ‌های سود بانکی بسیار پایین تراز تورم که سرکوب مالی و استفاده ابزاری از بنگاه‌ها و نکول ارادی را در پی داشت از طرف دیگر شناسایی کرد. در چنین زمینه نامناسب و آسیب‌پذیری، افزایش بیش از ۵۰۰ درصدی قیمت انرژی در نیمه دوم سال ۱۳۸۹ و بروز بحران ارزی سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ که افزایش جهشی سرمایه در گردش بنگاه‌های اقتصادی را در پی داشت، نکول غیرارادی را نیز در حجم بزرگ به نظام بانکی کشور تحمیل کرد. تنگنای مالی موجود را می‌توان مهم‌ترین تهدید برای دستیابی به یک رشد اقتصادی قابل قبول و تورم تک‌رقمی دانست.

۲-۱- عدم تعادل نهادینه بودجه دولت

دولت در کشورهای مختلف جهان اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه، به دلیل

در صورتی که نظام تصمیم‌گیری کشور موفق نشود گفت‌وگو ملی واقع‌گرایانه و مسالمت‌آمیز پساتحریم را از هم‌اکنون جایگزین چالش مخرب ذکر شده کند، اقتصاد پساتحریم می‌تواند در وضعیتی حتی به مراتب بدتر از دوره تحریم ظاهر شود



اهمیت زیاد فعالیت‌هایی که انجام می‌دهد، مهم‌ترین نهاد محسوب می‌شود. در کشور ما به دلایل متعدد مانند ترکیب سنی و جغرافیایی جمعیت، از نظر خدمات عمومی مورد نیاز در عرصه‌های آموزش، سلامت، امنیت و... و سیاست‌گذاری با کیفیت مناسب برای شرایط پیچیده موجود و بسیاری دلایل دیگر، این اهمیت بیشتر است. ایفای نقش در کمیت و کیفیت مورد انتظار، نیازمند منابع مالی است که از طریق بودجه عمومی تامین می‌شود. رقم مطلق بودجه عمومی به قیمت‌های ثابت در سال جاری حدود ۷۰ درصد رقم ۱۰ سال پیش است! این در حالی است که طی این مدت جمعیت کشور در حدود ۱۰ میلیون نفر افزایش پیدا کرده است. سهم مخارج جاری دولت از تولید ناخالص داخلی به حدود ۱۲ درصد رسیده که طی ۵۰ سال گذشته بی‌سابقه است. ارقام ذکر شده به معنی آن است که دولت به لحاظ مالی در ضعف مفرط مالی به سر می‌برد. اهمیت شرایط ذکر شده در آن است که انتظارات بالایی از ترمیم حقوق در بخش‌های پرهزینه مانند آموزش و پرورش و بدنه بهداشت و درمان وجود دارد که می‌تواند با برداشته شدن تحریم‌ها به صورت یک چالش جدی ظاهر شود. کاهش درآمدهای نفتی طی سه سال اخیر با سرعتی بی‌سابقه طی ۶۰ سال گذشته و رسیدن آن به حدود یک‌پنجم سال ۱۳۹۰، چگونگی تامین مالی دولت را به یک معضل اساسی برای سال‌های آینده تبدیل کرده است.

۳-۱- انباشت بدهی‌ها در اقتصاد

هرچند رقم دقیقی از میزان بدهی‌های دولت به بخش خصوصی، نظام بانکی و صندوق‌های بازنشتگی و تامین اجتماعی اعلام نشده اما همه اتفاق نظر دارند که انبساط‌های مالی همراه با بی‌انضباطی زیاد طی سال‌های گذشته، انباشت بزرگی از بدهی‌ها را به وجود آورده که نتیجه عملی آن، هم به لحاظ اقتصادی بسیار اهمیت دارد و هم از نظر اجتماعی. حجم بالای بدهی‌های دولت و فشار مالی سنگین بر صندوق‌های بازنشتگی و تامین اجتماعی مشکلاتی طاقت‌فرسا به وجود آورده که در یک سمت آن تحمیل عدم تعادل به سیستم بانکی



پیام‌آبادگران
آذر ۱۳۹۴
شماره ۳۳۷

و تشدید مساله نقدشوندگی دارایی‌های بانکی و متوقف شدن بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی متعاقب آن قرار دارد و در سمت دیگر، شرایط رفاهی گروه‌های اجتماعی مهم مانند بازنشستگان مطرح است که امروز برای بازپس‌گیری پس‌انداز خودشان از دولت با دشواری مواجه شده‌اند.

۱-۴- عدم بهره‌مندی از ظرفیت‌های موجود در اقتصاد جهانی

امروزه کشورهای مختلف جهان موفق شده‌اند بسیاری از موانعی را که طی سالیان متمادی برای ارتقای سطح رفاه مردم‌شان بر سر راه داشتند با توسعه روابط بین‌الملل از میان بردارند. یکی از مهم‌ترین این موانع، تامین منابع مالی و دیگری دسترسی به تکنولوژی و بازار است. اعمال تحریم‌های ظالمانه علیه مردم عزیز کشورمان باعث شد که ارتباط با نظام اقتصاد جهانی دچار اختلالی اساسی شود. این اختلال امروز خود را در قالب هزینه‌های بالای تامین مالی و عدم دسترسی به بازار مطمئن برای فروش محصولات و تعمیق شکاف تکنولوژیک و دسترسی کم‌هزینه به عواید حاصل از آن نمایان ساخته است.

۱-۵- بازار تخریب‌شده انرژی

ایران از حیث میزان مصرف انرژی به ازای هر واحد تولید، در شمار کشورهای پرمصرف جهان شناخته می‌شود. در ایران به ازای حدود ۴۰۰ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی، معادل بیش از ۴/۵ میلیون بشکه نفت خام انرژی مصرف می‌شود. عدم سرمایه‌گذاری قابل قبول در حوزه انرژی از یک طرف و رشد بالای مصرف از طرف دیگر، عدم تعادل‌های نگران‌کننده‌ای را برای آینده به وجود آورده است. در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ که رشد اقتصادی منفی بود، در تابستان با کمبود برق و در زمستان با کمبود گاز مواجه بودیم. حال اگر قرار باشد رشد اقتصادی چهار یا پنج درصدی اتفاق بیفتد، کمبود انرژی به‌عنوان یک گلوگاه ظاهر خواهد شد. از این رو می‌توان پیش‌بینی کرد یکی از تنگناهای آینده رشد اقتصادی به‌طور حتم حوزه انرژی خواهد بود. به‌کارگیری واژه تخریب‌شده برای بازار انرژی به این دلیل

است که این بازار یکی از محدود بازارها در کنار بازارهای پول و ارز است که عرصه سعی و خطای مکرر سیاست‌گذاری بوده و از این طریق بخش بزرگی از ظرفیت‌های آن از بین رفته و تخریب شده است.

۱-۶- نظام ناکارآی پرداخت یارانه نقدی

یارانه نقدی ضمن آنکه تعهدی تخلف‌ناپذیر از سمت دولت محسوب می‌شود، با کسری نهادهای آن که دارد نه تنها نظام مالی کشور را دچار مشکلات جدی کرده بلکه تأثیری مخرب بر عملکرد بازار انرژی و بنگاه‌های تولیدکننده انرژی گذاشته و چشم‌انداز فعالیت آنها را با ابهامات فراوان مواجه ساخته است.

۱-۷- محدودیت آب و مشکلات مربوط به محیط زیست

یکی از اشتباهات استراتژیک بلندمدت در حوزه سیاست‌گذاری کشور، نگاه رفاهی کوتاه‌مدت و توزیع‌محور از طریق عرضه مجانی یا بسیار ارزان کمیاب‌ترین و گرانبهاترین منبع طبیعی آن یعنی آب بوده است. از سوی دیگر غفلت از اهمیت تعیین‌کننده ظرفیت‌های زیست‌محیطی برای ادامه حیات جامعه، محیط زندگی

سالیان متمادی است که اقتصاد ایران از نبود شرایط رقابت منصفانه در بازار محصولات مختلف رنج می‌برد. بخشی از نبود شرایط حائز اهمیت ذکر شده، به مالکیت گسترده دولت در بنگاه‌های اقتصادی و تسلط نسبی این بنگاه‌ها در بازار محصولات مهم در اقتصاد مربوط می‌شد

اقتصادی و اجتماعی مردم ایران را با چالش جدی مواجه ساخته است. مشکلات زیست‌محیطی و منابع طبیعی در جایگاهی بسیار بالاتر از مباحث بااهمیتی مانند رشد اقتصادی و اشتغال قرار دارند و منشأ اهمیت آن پایداری و موجودیت کشور و سرزمین است. کمبود آب به دلیل اینکه نابودکننده امکان زیست در جغرافیای کشور است از این ظرفیت برخوردار است که به وجودآورنده مناقشات و تنش‌ها در مناطق مختلف کشور باشد. نحوه حل و فصل این مشکلات نیز خود موجد مشکلات و چالش‌های جدید خواهد بود.

۱-۸- نظام بنگاهداری ناکارآمد: تولید

محصول گران و با کیفیت پایین مبتنی بر

منابع طبیعی

سالیان متمادی است که اقتصاد ایران از نبود شرایط رقابت منصفانه در بازار محصولات مختلف رنج می‌برد. بخشی از نبود شرایط حائز اهمیت ذکر شده، به مالکیت گسترده دولت در بنگاه‌های اقتصادی و تسلط نسبی این بنگاه‌ها در بازار محصولات مهم در اقتصاد مربوط می‌شد. محیط مالکیتی بنگاه‌های اقتصادی عمدتاً به دو حوزه مالکیت دولتی و مالکیت خصوصی - البته با تفوق محسوس مالکیت دولتی - تقسیم می‌شد. اعلام سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی این امید را ایجاد کرد که ساختار مالکیتی بنگاه‌های اقتصادی اصلاح شده و از این طریق نظام انگیزشی مناسبی برای ارتقای کارایی بیشتر در ساختار تولید شکل گیرد. شیوه نامناسب واگذاری‌های صورت‌گرفته در قالب انتقال مالکیت بنگاه‌های دولتی به نهادهای حاکمیتی غیردولتی، منجر به شکل‌گیری پدیده‌ای جدید از نظر ساختار بازار و مالکیت شد که حداقل از نظر ایجاد انگیزه برای بخش خصوصی نوپا و علاقه‌مند به ورود در فعالیت‌های غیررانتی، در بسیاری موارد منجر به ایجاد شرایط نامساعدتر از قبل شد. در دوره اخیر و پس از واگذاری‌های انجام شده، دو حوزه مالکیتی دولتی و خصوصی، به پنج حوزه: حاکمیتی غیردولتی، دولتی، سهام عدالت، رد دیون (نوعا انتقال مالکیت از یک دستگاه تخصصی دولتی به یک دستگاه دیگر دولتی غیرتخصصی مانند



انتقال پتروشیمی از وزارت نفت به وزارت دفاع! و بالاخره خصوصی تبدیل شده است. اینک با ترسیم چشم‌انداز برداشته شدن تحریم‌ها و به وجود آمدن امکان بالقوه توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی از یک‌طرف و ورود سرمایه‌گذاران مستقیم خارجی از طرف دیگر، سوال مهم این است که محیط فعالیت‌های اقتصادی چگونه خواهد بود. مشخص شدن شکل جدید فعالیت‌های اقتصادی به اندازه‌ای اهمیت دارد که می‌تواند به‌طور کلی منجر به عدم توسعه فعالیت بخش خصوصی و عدم حضور سرمایه‌گذار خارجی در بسیاری از زمینه‌ها شود.

۹-۱- نظام دوزخی ارز و مشکل سیاست‌گذاری ارزی

اقتصاد ایران در مقام مقایسه با بسیاری از دیگر کشورهای جهان یکی از طولانی‌ترین دوران‌های نظام دو و چندنرخ ارز را تجربه کرده است و همان‌طور که می‌دانیم موضوع یکسان‌سازی نرخ ارز برای سومین بار طی ۲۶ سال گذشته در دوران پس از جنگ تحمیلی در دستور کار نظام تصمیم‌گیری قرار دارد. یکی از مهم‌ترین موانع دستیابی به رشد پایدار اقتصادی، نظام دوزخی ارز است که از طریق فساد و انحراف در تخصیص منابع، بهره‌وری را کاهش داده و موجب کاهش رشد اقتصادی می‌شود.

۱۰-۱- ضعف تقاضای داخلی

بسیاری از صنایع کشور اکنون با مشکل بزرگ موجودی انبار مواجه هستند. بخش تولید کشور در نیمه دوم دهه ۸۰، به دلیل ابتلای اقتصاد به بیماری هلندی، به سوی صنعت ساختمان گرایش پیدا کرد و ظرفیت تولید سیمان، فولاد و... در سایه حجم بالای تقاضا و انرژی ارزان به میزان قابل توجهی توسعه یافت. به دلیل رکودی که امروز صنعت ساختمان را فراگرفته، هم‌اکنون این صنعت با مازاد عرضه قابل توجهی مواجه شده است. از سوی دیگر تحریم‌ها و ناامنی‌های منطقه‌ای در کنار افت شدید بازار محصولات اولیه در جهان، صادرات محصولات تولیدشده در این بخش را با مشکل مواجه کرده است. افزون بر

این، به دلیل نگرش مثبت نسبت به شرایط پساتحریم، افکار عمومی تصور می‌کنند کالاهای مصرفی بادوام پس از لغو تحریم‌ها ارزان خواهد شد و گروهی از مردم با این تصور خرید خود را به تعویق انداخته‌اند. این موضوع نیز مزید بر دیگر دلایل کاهش تقاضا شده است.

۱۱-۱- بخش غیررسمی بزرگ

ظرف ۱۰ سال گذشته بخش غیررسمی در اقتصاد ایران حداقل در دو زمینه به صورت جهشی بزرگ شده است. شکل‌گیری موسسات پولی و اعتباری غیرمجاز و جمع‌آوری حجم بزرگی از پس‌انداز پولی مردم با پرداخت سودهای بالا، برای کشوری که قدمتی زیاد در قانون‌گذاری دارد و در جهانی که انضباط پولی و قاعده‌مندی سیستم بانکی، یک اصل بدیهی شناخته می‌شود، به‌عنوان پدیده‌ای عجیب مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بروز این پدیده تحت تأثیر رشد بالای حجم نقدینگی، در کنار بی‌انضباطی گسترده مالی و پولی دوره وفور نفتی و برخی عوامل دیگر، باعث شده است سیاست‌گذاری پولی و تحت کنترل درآوردن تورم با آسیب‌های زیاد مواجه شود. از طرف دیگر با تحمیل تحریم‌های ظالمانه علیه مردم کشورمان و در نتیجه آن قطع امکان واردات رسمی، با توجه به اینکه در دوره

آنچه مشکلات به ظاهر نامرتبط بیان شده را به هم ربط می‌دهد تمرکز مجموعه آنها بر عملکرد بنگاه‌های تولیدی و اقتصادی و انتقال اثر آن از این طریق بر رشد اقتصادی است. یک بنگاه اقتصادی برای آنکه بتواند با سودآوری مناسب فعالیت کند باید در درجه اول بازار یا بازارهایی را به‌عنوان بازار هدف که دارای سطح امیدوارکننده‌ای از تقاضا باشد شناسایی کند.



وفور درآمدهای نفتی واردات متکی به نفت افزایش قابل توجهی پیدا کرده بود، واردات قاچاق گسترش زیادی پیدا کرد. این مساله امروز سیاست‌گذاری تجاری کشور را با چالش مواجه کرده است.

مشکلات کشور را مسلماً نمی‌توان محدود به موارد یازده‌گانه ذکرشده دانست، اما به نظر نگارنده، این موارد به نسبت سایر مشکلات، در مرتبه‌ای بالاتر و تعیین‌کننده‌تر قرار دارند. آنچه مشکلات به ظاهر نامرتبط بیان شده را به هم ربط می‌دهد تمرکز مجموعه آنها بر عملکرد بنگاه‌های تولیدی و اقتصادی و انتقال اثر آن از این طریق بر رشد اقتصادی است. یک بنگاه اقتصادی برای آنکه بتواند با سودآوری مناسب فعالیت کند باید در درجه اول بازار یا بازارهایی را به‌عنوان بازار هدف که دارای سطح امیدوارکننده‌ای از تقاضا باشد شناسایی کند. مرحله بعد دسترسی به منابع مالی است و پس از آن اطمینان از وجود دولتی معتبر و توانمند به لحاظ مالی که بتواند به تعهدات خود عمل کند. عامل چهارم وجود امکان دسترسی به بازارهای جهانی از نظر مالی، تکنولوژی و بازار است. عامل پنجم اطمینان از تأمین انرژی مورد نیاز برای تولید است و عامل ششم وارد کردن محدودیت آب و دیگر محدودیت‌های زیست‌محیطی در فعالیت‌های تولیدی است. عامل هفتم محیطی از فعالیت‌ها است که هر واحد تولیدی اطمینان داشته باشد در فضایی منصفانه با دیگر تولیدکنندگان و رقبا قرار دارد و بالاخره عامل هشتم دسترسی به ارز مورد نیاز در نرخی واحد و به دور از نوسانات در مقیاس بزرگ است. آنچه اهمیت دارد آن است که هیچ‌یک از شرایط مورد نیاز به شرحی که توضیح داده شد برای واحدهای تولیدی یا پیمانکاری در سطح مطلوب فراهم نیست.

وقتی این عوامل نهادی فراهم نیستند، تنها تزریق منابع از بیرون می‌تواند تحرک‌آفرین باشد که این به معنی رشد برون‌زا در مقابل رشد درون‌زا است که مهم‌ترین عارضه آن بی‌ثباتی است. این عامل بیرونی، درآمدهای حاصل از صادرات نفت است که همواره در نقش جبران‌کننده ضعف‌های نهادی اقتصاد ایران بازی کرده است. حال با کاهش شدید قیمت نفت، ایفای نقش ذکرشده نیز با

دشواری مواجهه شده است. همه می دانیم که اقتصاد ایران یک دوره وفور بی سابقه و شاید تکرارناشدنی ارزی ناشی از افزایش قیمت نفت را در شرایطی پشت سر گذاشته که متاسفانه هیچ ذخیره ای برای روز مبادا و دوران کمبود خود نیندوخته است. متوسط واردات سالانه کالا و خدمات طی سال های نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ معادل ۸۱ میلیارد دلار بوده است. این میزان واردات که نزدیک به چهار برابر واردات سالانه (به قیمت های ثابت) همه سال های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا قبل از دهه ۸۰ است، بی احتیاطی بسیار بزرگی برای کشوری که در عرصه سیاست خارجی با چالش هایی مهیب مواجه بوده محسوب می شود. در عمل هم با بروز بحران ارزی و کاهش شدید درآمد سرانه طی سال های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، نشان داده شد که چگونه این بی احتیاطی حادثه آفرید. کاهش شدید قیمت نفت و تنزل درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت به حدود یک پنجم سال ۱۳۹۰، برای اقتصادی که از یک طرف بودجه و اقتصاد در آن هر دو به شدت به نفت وابسته اند و از طرف دیگر، با انتظارات بالایی در جامعه برای دوران پساتحریم مواجه است حائز اهمیت بسیار است.

موارد ذکر شده، بر شرایط اقتصاد ایران در نقطه شروع دوران پساتحریم با نگاه به گذشته تمرکز داشت. از منظری دیگر نیز می توان به این دوره خاص نگریست و آن نگاه به آینده و ضرورت های ناظر به دستیابی رشد بالا و پایدار در اقتصاد ایران است. حجم و به خصوص ترکیب سرمایه گذاری در اقتصاد کشور به خصوص از نیمه دوم دهه ۸۰ در وضعیت بسیار نگران کننده قرار داشته است. طی سال های گذشته میزان سرمایه گذاری به ویژه در زیرساخت های اقتصادی ناچیز بوده و این نقیصه امروز اقتصاد کشور را با یک عقب افتادگی بزرگ در سرمایه گذاری مواجه ساخته است. به عنوان مثال، در بخش حمل و نقل و انرژی دچار وقفه ای هشدار دهنده در سرمایه گذاری شده ایم که اکنون به صورت یک تنگنای اقتصادی بروز و ظهور کرده و در سال های پیش رو خود را به صورت یک مانع جدی در تحقق رشد اقتصادی ظاهر خواهد ساخت.

برآوردهای مختلف موجود همگی در این نکته اتفاق نظر دارند که در چارچوب میزان بهره وری موجود در اقتصاد، حجم منابع مورد نیاز برای سرمایه گذاری، بسیار فراتر از ظرفیت ها و امکانات اقتصاد حتی در بهترین حالت است. طی سال های نزدیک آینده، نظام تصمیم گیری و سیاست گذاری کشور در معرض آزمونی بزرگ قرار خواهد گرفت و مشخص خواهد کرد که تا چه اندازه می تواند از یک طرف منابع مورد نیاز داخلی و خارجی را تجهیز کند و از طرف دیگر بهره وری منابع مورد استفاده را افزایش دهد. در مجموع می توان این گونه ارزیابی کرد که کشور ما با پارادوکسی بزرگ مواجه شده است. از یک سو الزامات نهادی رشد بنگاه های اقتصادی با فراهم نیست یا در ضعف به سر می برد و در غیاب این الزامات، تزریق درآمدهای نفتی که منشاء رشد بوده با افت شدید مواجه شده و از سوی دیگر اقتصاد ایران برای سال های نزدیک آینده نیازمند رشد سریع و پایدار به منظور غلبه بر مشکل بیکاری و دیگر مشکلات پیش رو است.

۲- گشایش های بالقوه در نتیجه لغو تحریم ها

آنچه اشاره شد، ۱۱ ابرمساله و معضل اساسی اقتصاد کشور بود که با کنار هم قرار دادن آنها، می توان درک کرد مشکلات اقتصاد ایران تا چه حد از ژرفا و وسعت برخوردارند. در چنین شرایطی سیاست گذار باید این نکته را مورد توجه قرار دهد که هر گشایشی که حاصل می شود، و هر امکان جدیدی که فراهم می شود، چگونه می تواند به حل مشکلاتی که اشاره شد، منتهی شود یا دست کم به حل آنها کمک کند. در غیر این صورت گشایش ها موقتی بوده و استمرار نخواهد داشت. بدون تردید یکی از مهم ترین گشایش های محتمل رفع تحریم ها است. بنابراین با لحاظ کردن عدم قطعیت در پیش بینی آینده و اینکه هنوز مشخص نیست کشور به طور دقیق از چه امکانات و تسهیلاتی برخوردار خواهد شد و همچنین با توجه به اینکه محدودیت هایی در داخل وجود دارد که معلوم نیست تا چه حد بهره گیری از این گشایش ها را ممکن سازد، مواردی را به

صورت «بالقوه» از منظر اقتصادی می توان قابل تصور دانست. هشت سرفصل از گشایش ها در حوزه اقتصاد به شرح زیر قابل تصور است:

۲-۱- لغو محدودیت

در صادرات نفت خام

نخستین گشایش بالقوه این است که محدودیت های پیرامون صادرات نفت خام از میان برداشته می شود. با توجه به اعلام وزارت نفت مبنی بر توان افزایش دو مرحله ای ۵۰۰ هزار تا یک میلیون بشکه به میزان تولید جاری نفت خام، می توان امیدوار بود طی ۸ تا ۱۰ ماه پس از لغو محدودیت ها، از طریق افزایش صادرات نفت خام، مبلغی در دامنه ۸ تا ۱۸ میلیارد دلار به صورت یک بار برای همیشه، به درآمدهای ارزی کشور اضافه شود. از این طریق مبلغی در دامنه حدود ۵/۵ تا ۱۱ میلیارد دلار معادل ۷/۵ تا ۱۵ درصد بودجه عمومی مصوب امسال به منابع دولت اضافه خواهد شد.

۲-۲- آزاد شدن منابع ارزی کشور

فارغ از اینکه منابع ارزی ایران در کدام کشورها بلوکه شده و فرایند پیچیده ای که برای آزاد شدن آن باید طی شود، بخشی از منابع که به دولت مربوط می شود، کمتر از پنج میلیارد است که هنوز در فرآیندهای موجود، به ریال تبدیل نشده است. همچنین ۲۳ میلیارد دلار منابع بانک مرکزی است که مبلغ معادل ریالی آن طی سال های قبل از طریق بودجه هزینه شده و برای دولت درآمدی ایجاد نمی کند. این منابع البته جزو ذخایر بانک مرکزی است و می تواند به عنوان پشتوانه یکسان سازی نرخ ارز و ثبات اقتصاد کلان کشور مورد استفاده قرار گیرد.

۲-۳- فراهم آمدن امکان تامین مالی خارجی (فاینانس)

به شکل طبیعی پس از لغو تحریم ها، امکان تامین مالی از طریق فاینانس فراهم می شود. چنین امکانی می تواند سهولت و کاهش هزینه های مبادلاتی را به دنبال داشته باشد. ضمن اینکه گام مهمی برای بازگشت به رویه های صحیح و



اقتصاد شفاف به جای رویه‌های ناصحیح و غیرشفاف محسوب می‌شود.

۲-۴- فراهم آمدن امکان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

علاقه سرمایه‌گذاران خارجی به فعالیت در ایران با توجه به روندی که این روزها در زمینه سفر هیات‌های خارجی شاهد هستیم، نشانه خوبی برای فراهم آوردن امکان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی محسوب می‌شود. اما پرسش مهم این است که در فضای به شدت رقابتی منطقه، آیا سرمایه‌گذار خارجی حاضر است در کشوری که مشکلات کسب و کار دارد، سرمایه‌گذاری کند؟ در چه زمینه‌هایی مزیت‌هایی خواهیم داشت که سرمایه به جای اینکه به امارات و قطر برود به ایران بیاید؟ به این سوال مهم در ادامه پرداخته خواهد شد.

۲-۵- افزایش صادرات غیرنفتی

در حال حاضر صادرات غیرنفتی به کشورهای خاصی محدود شده که آن نیز محدود به امکانات و شیوه‌های دریافت ارز از شرکای تجاری است. چنانچه منابع مالی اعم از منابع مالی خارجی و منابعی که آزاد خواهد شد به عنوان پشتوانه تولید ملی مورد استفاده قرار گیرد، صادرات غیرنفتی افزایش می‌یابد.

۲-۶- امکان انتقال تکنولوژی به کشور

یکی از گشایش‌هایی که در دوران پساتحریم قابل تصور است، انتقال تکنولوژی به کشور و نیز برقراری ارتباط با بازار تکنولوژی در جهان است.

۲-۷- کاهش هزینه واردات

شرایط تحریم هزینه‌های سنگینی را به تجارت خارجی کشور تحمیل کرده است. چنانچه تحریم‌ها لغو شود، هزینه مبادله و دسترسی به بازارهای جهانی با کاهش مواجه خواهد شد.

۲-۸- برقراری ارتباط نظام بانکی کشور با نظام بانکی بین‌الملل

برقراری ارتباطات بانکی، یکی از پیامدهای مهم لغو تحریم‌ها به شمار می‌رود. از زاویه‌ای

دیگر، این بخش نوعی گلوگاه است. طی حدود ۱۵ سال گذشته تحولات بزرگی در نظام بانکی جهان رخ داده است. پس از واقعه ۱۱ سپتامبر مقررات سختگیرانه‌ای در جابه‌جایی بین کشوری پول وضع شد و بر اساس آن، کشورها ملزم به رعایت مقرراتی شدند تا از این طریق از تامین مالی گروه‌های تروریستی احتراز شود. از طرف دیگر، پس از بروز بحران مالی جهان طی سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ قوانین به شدت سختگیرانه دیگری در کشورهای توسعه‌یافته وضع شد. چرا که دلیل اصلی وقوع این بحران در اروپا و آمریکا، ضعف پروتکل‌های نظارتی در بازارهای مالی به‌ویژه سیستم بانکی بود. چنانچه این محدودیت‌ها در کنار یکدیگر قرار گیرند، درمی‌یابیم که فعالیت در چنین سیستمی با آنچه در دهه ۱۳۸۰ در جریان بود، به‌طور کلی متفاوت است. اما در ایران، مسیر معکوسی طی شد؛ نوع قواعد بانکی، دخالت‌های مکرر دولت در نظام بانکی کشور و شکل‌گیری پدیده عجیب موسسات غیرمجاز مالی و اعتباری، به عقب‌ماندگی بیش از پیش نظام بانکی کشور دامن زد. طی ۱۵ سال گذشته، هر چه نظام بانکی در جهان محافظه‌کارتر شده، نظام بانکی ما بی‌محابطه‌تر عمل کرده که در نتیجه آن، شکاف میان بانک‌های ایرانی و بانک‌های جهان افزایش قابل توجه پیدا کرده است. البته هرچند این شکاف نگران‌کننده و تعیین‌کننده به نظر می‌رسد، اما با وجود تنوع زیاد در عملکرد بانک‌های کشور می‌توان به امکان برقراری ارتباط میان بانک‌های سالم‌تر داخلی با نظام بانکی دنیا برای دوره گذار امیدوار بود.

در مجموع هشت موردی که ذکر شد میزان امکانات فراهم‌شده از هفت عامل اول در گرو میزان گشایش‌های حاصل‌شده در برقراری ارتباط میان نظام بانکی داخل و نظام بانکی بین‌الملل است. برای مثال، اگر یک سرمایه‌گذار قصد ورود سرمایه به ایران داشته باشد، بانک‌ها نقش مهمی در نقل و انتقال وجوه بر عهده دارند و باید بتوانند با نظام بانکی در سایر کشورها ارتباط برقرار کنند. ضمن آنکه مختصات بازار سرمایه در اقتصاد ایران کوچک است و مهیای جذب سرمایه‌ها نیست. از مجموع این موارد می‌توان پیش‌بینی کرد که توان مالی کشور

نسبت به سال گذشته یا سال پیش از آن، افزایش خواهد یافت. هرچند این افزایش از جنس جهش بزرگ نخواهد بود. علاوه بر موارد هشت‌گانه ذکر شده، می‌توان به دو مورد کلی دیگر نیز اشاره کرد. اول، به دلیل آنکه در شرایط تحریم، ایران به‌عنوان کشوری شناخته می‌شد که مبادله با آن به‌طور رسمی صورت نمی‌گیرد، از نگاه سایر کشورها، دارای ریسک غیرقابل اندازه‌گیری یا به عبارتی ریسک حداکثری بود. یکی از پیامدهای رفع تحریم‌ها، امکان اندازه‌گیری ریسک و رتبه‌بندی کشور در نتیجه ازسرگیری مبادلات رسمی بین ایران و سایر کشورهای جهان است. مورد دوم مربوط به داخل کشور و مناسبات داخلی است. حل مساله هسته‌ای در داخل ارکان نظام این جمع‌بندی را به وجود آورده است که نظام جمهوری اسلامی قادر است معضلات پیچیده را حل کند و در حل معضلات بزرگ توانمند است. این جمع‌بندی باعث شده است سرمایه سیاسی و اجتماعی کشور ارتقا یابد. سرمایه اجتماعی و سیاسی خیلی سخت بهبود پیدا می‌کند اما خیلی ساده از بین می‌رود. در صورتی که شرایط موجود و توافق صورت گرفته به‌عنوان یک دستاورد ملی و نه جناحی و گروهی به رسمیت شناخته شود، ظرفیت بالایی را به وجود می‌آورد که می‌تواند در کاهش پایدار تورم و بهبود وضعیت اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد. اصلاحات بزرگ ساختاری پیش روی اقتصاد در دوره پساتحریم، نیازمند اعتماد مردم به دولت است که عدم توجه به این ضرورت می‌تواند برای کل کشور هزینه‌زا باشد.

۳- خطوط راهنما به منظور بهره‌برداری بهینه از گشایش‌های بالقوه

بهره‌برداری مطلوب از گشایش‌های بالقوه برای رفع مشکلات اقتصادی جاری کشور در این میان از اهمیت بالایی برخوردار است. چنانچه ارتباط بین این گشایش‌ها و مشکلات برقرار نشود، بهبودی موقت در اقتصاد ایجاد می‌شود، اما پس از مدتی مشکلات و تنگناهای سابق مجدداً ظاهر می‌شوند و اقتصاد کشور را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند. ضروری است خطوط

راهنمایی که به منظور برقراری ارتباط میان گشایش‌ها و مشکلات مورد استفاده قرار می‌گیرند، اولاً به لحاظ محتوایی از قابلیت‌های مورد نیاز برخوردار باشند و ثانیاً بتوانند وفاق در نظام تصمیم‌گیری کشور و اجماع در نخبگان به وجود آورند. بدون شکل‌گیری وفاق نمی‌توان بهره لازم را در شرایط پیچیده کنونی کسب کرد. در عرصه نظام تصمیم‌گیری و از نظر محتوایی، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی چارچوب مناسبی برای وفاق در شرایط دشوار کنونی است. سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، رشد پایدار اقتصادی را مورد تأکید قرار داده است. در این سیاست‌ها، موارد متعددی در حوزه تصمیم‌گیری که سال‌ها در مورد آنها مناقشه وجود داشته مانند تعامل با جهان، صادرات‌گرایی، وابستگی بودجه به نفت، توسعه بخش نفت، خودکفایی و موارد دیگر تعیین تکلیف شده است. در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بر رشد درون‌زا و برون‌گرا تأکید شده درحالی‌که در شرایط کنونی، رشد اقتصاد در ایران فاقد ویژگی‌های ذکرشده است. به این معنا که عامل رشد اقتصادی کشور، خارج از مرزهای آن قرار گرفته است. برای مثال، با نوسان قیمت نفت، رشد اقتصادی ایران نیز دچار نوسان می‌شود. اما آنچه در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مورد تأکید قرار گرفته این است که محرک‌های رشد در ظرفیت‌های داخلی اقتصاد موجود باشد و برون‌گرا به این مفهوم است که از پتانسیل‌های موجود جهانی نظیر سرمایه، تکنولوژی و بازار، بهره گرفته شود. این سیاست‌ها در کنار سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی که بر خصوصی‌سازی و ایجاد محدودیت در مالکیت دولت تأکید دارد، می‌تواند بخش بزرگی از مسائل اقتصادی کشور را بهبود بخشد و عاملی برای شکل‌گیری وفاق در میان قوای کشور باشد و انسجام محتوایی ایجاد کند. شرایط آینده کشور نیازمند انسجام و هماهنگی هرچه بیشتر نه تنها میان قوای سه‌گانه بلکه همه نیروهای موثر کشور است. سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی می‌تواند این نقش راهبری هماهنگ‌کننده را به خوبی ایفا کند.

۴- خطوط قرمز در دوران پساتحریم از

دیدگاه کارشناسی

در این بخش به برخی خطوط قرمز که ضرورت دارد در دوران پساتحریم مورد توجه قرار گیرد، اشاره می‌شود.

۴-۱- اجتناب از افتادن در ورطه اقتصاد وارداتی و تکرار اشتباهات گذشته

این ایراد به سیاست‌گذاران در دوره‌های مختلف، وارد است که نسبت به تجربیات گذشته، غافل بوده‌اند. مایه تأسف است که به ندرت از تجربیات گذشته جمع‌بندی رسمی ارائه می‌شود. یکی از نزدیک‌ترین تجربیات تلخ گذشته، سیاست‌های ناکارآمدی است که در دوران وفور درآمدهای نفتی اتخاذ شد و پیامد آن، اشتغال صفر، رشد اقتصادی نامطلوب و افزایش تورم بود. نخستین و مهم‌ترین خط قرمز دوران پساتحریم آن است که کشور بار دیگر به بازار ارزان محصولات وارداتی تبدیل نشود. اشتغال در راس اولویت‌ها قرار دارد و منابع محدود به جای آنکه برای کارگران دیگر کشورها شغل ایجاد کند باید صرف ایجاد شغل برای جوانان و زنان ایرانی شود. لذا هرچند در شرایط فعلی، وفوری حاصل نشده و درآمدهای کنونی و آینده نفتی با درآمدهای دوران وفور قابل مقایسه نخواهد بود اما در همان مقیاس هم رعایت این خط قرمز که از تکرار سیاست‌های دوره وفور پرهیز

در کنار سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی که بر خصوصی‌سازی و ایجاد محدودیت در مالکیت دولت تأکید دارد، می‌تواند بخش بزرگی از مسائل اقتصادی کشور را بهبود بخشد و عاملی برای شکل‌گیری وفاق در میان قوای کشور باشد و انسجام محتوایی ایجاد کند.



شود از اهمیت زیاد برخوردار است.

۴-۲- پرهیز از اعطای هرگونه حق انحصاری

در این دوران باید از اعطای هرگونه امتیاز یا حق انحصاری به شرکت‌ها یا نهادهای خاص خارجی و داخلی خودداری شود. به بیان دیگر، بنگاه‌های اقتصادی داخلی و خارجی باید از این امکان بهره‌مند شوند که در فضای رقابتی شفاف و سالم با یکدیگر همکاری کنند.

۴-۳- احتراز از تضعیف بخش خصوصی و توسعه حاکمیت دولت بر اقتصاد کشور

بخش خصوصی در ایران ضعیف بوده و به‌ویژه طی ۱۰ سال گذشته بیش از پیش تضعیف شده است. در دوره وفور نفتی، دولت در موضع توزیع‌کننده ارز نفت قرار داشت و در دوره کمبود ناشی از تحریم نیز باز مسیر برای فعالیت سالم بخش خصوصی مسدود بود. اینکه در دوران پساتحریم بخش خصوصی بتواند با بنگاه‌های خارجی ارتباط برقرار کرده و از این طریق توسعه پیدا کند نیاز به توجه خاص دارد. همه کشورهایی که در مسیر توسعه گام برداشته‌اند، چهار اصل شفاف را در دستور کار قرار داده‌اند. اصل اول، حیطه آزادی عمل بخش خصوصی است. یعنی اینکه توانسته‌اند به بخش خصوصی اطمینان کافی در مورد حقوق مالکیت و دیگر حقوق آن بدهند. اصل دوم حیطه دخالت‌های دولت است. یعنی اینکه خط قرمز دولت کجاست؟ کجا می‌تواند ورود پیدا کند و کجا نمی‌تواند وارد شود؟ آیا دولت نهادی مبسوط‌الید و بدون محدودیت است که هر تصمیمی می‌تواند بگیرد و هیچ هزینه‌ای نپردازد؟ اصل سوم نحوه تعامل با دنیا است. ارتباط با دنیا چگونه است؟ و بالاخره اصل چهارم تعریف نظام حمایتی است. قاعده و چارچوب حمایت‌های دولت چیست؟ به این ترتیب ضروری است حیطه عمل و میدان فعالیت دولت و بخش خصوصی به درستی ترسیم شود تا بخش خصوصی بازنده شرایط جدید نباشد.

۴-۴- پرهیز از بروز مجدد مشکل

بدهی‌های دولت

پس از رفع مناقشه هسته‌ای، رقابت‌ها و چالش‌های سیاسی داخلی به عرصه اقتصاد



منتقل خواهد شد. گروهی که با برجام مخالف بودند و اعتقاد داشتند با اجرای آن مشکلات اقتصادی کشور برطرف نخواهد شد، مستقل از زمان و منابع مورد نیاز برای حل مشکلات، دولت را در فشار قرار خواهند داد که چرا مسائل کشور حل نمی‌شود. از آنجا که مردم نیز طی سالیان گذشته اعم از دوره وفور درآمدهای نفتی و دوره تحریم با افت سطح رفاه مواجه بوده‌اند انتظار حل مشکلات و کمبودها را دارند. در صورتی که فضای رسانه‌ای، کوره انتظارات را داغ و داغ‌تر کند، جهت‌گیری‌ها به سمت قبول تعهدات مالی و ارزی سنگین از طرف دولت برای حل کوتاه‌مدت مشکلات مردم سوق پیدا خواهد کرد. حاصل این تلاش نادرست، ایجاد بدهی‌های جدید برای دولت و اضافه شدن آن به بدهی‌های قبلی و افت دوباره سطح برخورداری جامعه خواهد بود. در حال حاضر دولت حجم وسیعی بدهی به بخش خصوصی، پیمانکاران و نظام بانکی دارد. هنوز گزارش جامعی درباره میزان و کیفیت بدهی‌های دولت رسماً ارائه نشده اما ارقام اولیه هشداردهنده انواع بدهی‌های مختلف، رعایت احتیاط بسیار در مورد افزایش بدهی‌های جدید را ضروری می‌سازد.

۴-۵- پرهیز از زمینه‌های بروز بدهی‌های خارجی و بحران ارزی

اقتصاد ایران در دو نوبت بحران ارزی را تجربه کرده است. در صورتی که فضای عمومی به‌گونه‌ای باشد که ریسک فعالیت‌های اقتصادی در ایران بالا ارزیابی شود، منابع خارجی فقط با تضمین‌های دولتی در اختیار قرار خواهند گرفت که در این صورت خطر بروز بحران بدهی‌ها و بحران ارزی متعاقب آن بالا خواهد بود. با توجه به اینکه به لحاظ علمی امکان اجتناب از بروز بحران ارزی با استفاده از مدل‌های پیش‌بینی وجود دارد، ضروری است تلاش شود از تکرار تجربیات تلخ گذشته اجتناب شود.

۴-۶- اجتناب از تضعیف پتانسیل‌های تولیدی شکل‌گرفته داخل در دوران تحریم و عدم جایگزینی با واردات غیرمنطقی

در دوره تحریم و عدم امکان تامین بسیاری از کالاها و خدمات از خارج، برخی از واحدهای تولیدی توانستند به قابلیت‌های خوبی برای

رقابت با محصولات مشابه خارجی دست پیدا کنند. اتخاذ سیاست‌های مناسب ارزی و تجاری به‌گونه‌ای که حفظ و توسعه این توانمندی‌ها را مد نظر قرار داده از اهمیت زیاد برخوردار است.

۵- مزیت‌های کشور برای ورود به رقابت‌های جهانی

منابعی که اقتصاد ایران برای ایجاد اشتغال و دستیابی به رشد نیاز دارد، در مقایسه با حجم منابع قابل تجهیز در داخل بسیار بزرگ و در مقایسه با منابع مالی که امروز در جهان به‌گرددش درمی‌آید، ناچیز است. آنچه امروز به‌عنوان تنگنای مالی اقتصاد کشور را در فشار قرار داده، با بهره‌گیری از منابع جهانی قابل برطرف شدن یا حداقل قابل تخفیف است. اما منابع بین‌المللی را نمی‌توان با دستوراداری وارد اقتصاد کشور کرد و این تنها عرصه رقابت مزیت‌های کشور با مزیت‌های موجود در جغرافیای گسترده جهانی است که مشخص می‌کند چه میزان از منابع مالی به‌جای رفتن به ترکیه، امارات، قطر و سنگاپور و... به ایران می‌آید و صرف افزایش تولید در کشور ما می‌شود. سوال اصلی که باید به آن بپردازیم این است که آن کدام فعالیت‌های اقتصادی هستند که از نظر سودآوری می‌توانند با گزینه‌های سرمایه‌گذاری در کشورهای دیگر رقابت کنند. در واقع سوال اصلی این است که در فضای به‌شدت رقابتی موجود در جهان، کدام فعالیت یا فعالیت‌ها هستند

که می‌توانند در داخل ایران قابلیت رقابت جهانی داشته باشند. ضمن در نظر گرفتن همه منابع و ظرفیت‌های عمدتاً خدادادی کشور مانند موقعیت جغرافیایی و ژئوپولیتیک، منابع نفت و گاز، ترانزیت و... که می‌توانند به‌عنوان مزیت مورد توجه قرار گیرند، چهار عامل که در ادامه ذکر می‌شود در راستای استفاده بهینه از گشایش‌های بالقوه به‌منظور رفع مشکلات اقتصادی کشور می‌توانند نقش بسزایی ایفا کنند و زمینه‌های ورود به بازارهای به‌شدت رقابتی جهانی را فراهم آورند. ضمن آنکه امنیت و ثبات ایران در منطقه پیرامونی به شدت ناامن می‌تواند به‌عنوان مزیتی فراگیر مورد توجه قرار گیرد. نخستین فرصت فعالیت، مصرف بالای انرژی در کشور است که هرچند اکنون به‌عنوان یک مشکل بزرگ مطرح شده، اما می‌تواند به‌عنوان راه حل نیز قلمداد شود. همان‌گونه که پیش از این نیز مورد اشاره قرار گرفت، امروز معادل بیش از ۴/۵ میلیون بشکه معادل نفت خام، در کشور انرژی مصرف می‌شود و این میزان مصرف، تناسبی با سطح تولید ناخالص داخلی کشور ندارد. بازار انرژی در داخل برخلاف بازارهایی نظیر اتومبیل و مواد غذایی و غیره، بازاری بزرگ در مقیاس جهانی است و قابل مقایسه با بسیاری اقتصادهای بزرگ است. با اصلاح بازار انرژی که منجر به تکنولوژی و رویه‌های مصرف شود، می‌توانیم معادل فروش یک میلیون بشکه نفت خام در مصرف انرژی صرفه جویی کرده و به تناسب آن به افزایش تولید ناخالص

داخلی و اشتغال کمک کنیم. به طور مثال در حال حاضر در حمل و نقل جاده‌ای کشور روزانه حدود ۵۰ میلیون لیتر گازوئیل عمدتاً توسط کامیون‌هایی مصرف می‌شود که فرسوده بوده و مشخصاً مصرف استاندارد ندارند، این میزان مصرف در حمل و نقل ریلی تنها دو میلیون لیتر است. یا در زمینه‌ای دیگر، سرمایه‌گذاری با هدف اصلاح سیستم حمل و نقل شهرهای بزرگ، بسیار سودآور و در کاهش مصرف انرژی موثر خواهد بود. سرمایه‌گذاری و اصلاح نظام حمل و نقل (توسعه حمل و نقل ریلی و نوسازی ناوگان حمل و نقل جاده‌ای) علاوه بر صرفه‌جویی در مصرف انرژی و تأمین هزینه‌های سرمایه‌گذاری صورت گرفته، می‌تواند ظرفیت‌های جدیدی برای سرمایه‌گذاری‌های جدید دیگر نیز ایجاد کند. این سرمایه‌گذاری‌ها در حوزه انرژی علاوه بر بخش حمل و نقل، به طریقی مشابه می‌تواند در نیروگاه‌ها، محیط زیست، صنعت، مسکن، مصارف خانگی، بخش نفت و گاز و... صورت گیرد. آنچه در قالب بند «ق» تبصره ۲ بودجه سال ۱۳۹۲ و سپس در ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید تعبیه شد، مصوباتی در شورای اقتصاد داشته، اما به دلیل فقدان منابع مالی و مسدود بودن جریان ورود سرمایه‌گذاری خارجی به کشور اجرا نشده است. بنابراین اگر بستر سرمایه‌گذاری‌های لازم فراهم شود، این موارد قابل اجرا خواهد بود و حسن این نوع سرمایه‌گذاری‌ها این است که به سرعت به نتیجه می‌رسد و تا چندین سال، ظرفیت‌هایی برای تولید و اشتغال ایجاد می‌کند. اشتغال زایی، سهولت حمل و نقل و جابه‌جایی، کاهش آلودگی محیط زیست، رضایت عمومی جامعه و امثالهم از دیگر نتایج مثبت این نوع سرمایه‌گذاری است که برای مردم نیز ملموس خواهد بود. پیمودن این فرآیند و دستیابی به این اهداف مستلزم آن است که برنامه‌ای ملی برای صرفه‌جویی انرژی تدوین شود. افزایش بهره‌وری و اصلاح نظام مصرف انرژی یکی از موارد مهمی است که در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مورد تأکید قرار گرفته است. افزایش بهره‌وری مصرف انرژی می‌تواند به عنوان یک برنامه ملی و یک محور اصلی سیاست‌های مورد توجه قرار گیرد و اگر تحریم‌ها برداشته شود و گشایشی در آزادسازی منابع مالی صورت گیرد، سرمایه‌گذاری در این زمینه

می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. چنانچه دولت، مردم و شرکت‌های خصوصی بخش انرژی در این بخش مشارکت کنند، چالش ارتباط بانک‌های ایران با نظام بانکی بین‌المللی تا حدودی قابل حل می‌نماید و منجر به ورود منابع به کشور خواهد شد. مزیت دوم که طی سال‌های اخیر ایجاد شده، نیروی کار ارزان در ایران است که اگر در کنار مزیت مصرف انرژی قرار گیرد بر جاذبه آن می‌افزاید. در واقع پس از سالیان سال، که ایران دارای نیروی کارگران در سطح جهان بود، با جهشی که در نرخ ارز در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ صورت گرفت و البته این واقعه خود خسارات بسیاری در پی داشت، اکنون نیروی کار به مزیتی برای اقتصاد ایران تبدیل شده است. در حال حاضر با وجود قیمت فعلی دلار، نیروی کار ایران در شرایط فعلی ارزان است. حتی پیش‌بینی می‌شود حداقل تا ۲ سال آینده این مزیت همچنان برقرار باشد. بنابراین باید از مزیت نیروهای تحصیل‌کرده و آموزش‌پذیری که می‌توانند در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت داشته باشند و عمدتاً در دسترس هستند، بهره گرفت. مزیت سوم دستیابی به ظرفیت بالای تولید گاز طبیعی طی دو سال آینده است که می‌تواند به عنوان یک عامل ایجاد تحرک و درآمد در کشور مورد استفاده قرار گیرد و بالاخره حجم بزرگی از ظرفیت صنعتی طی بیش از ۵۰ سال گذشته در کشور شکل گرفته که در صورت اصلاح

در حال حاضر در حمل و نقل جاده‌ای کشور روزانه حدود ۵۰ میلیون لیتر گازوئیل عمدتاً توسط کامیون‌هایی مصرف می‌شود که فرسوده بوده و مشخصاً مصرف استاندارد ندارند، این میزان مصرف در حمل و نقل ریلی تنها دو میلیون لیتر است. یا در زمینه‌ای دیگر، سرمایه‌گذاری با هدف اصلاح سیستم حمل و نقل شهرهای بزرگ، بسیار سودآور و در کاهش مصرف انرژی موثر خواهد بود

ساختار می‌تواند به درآمدزایی پایدار اقتصاد کمک کند. به نظر می‌رسد با تدوین و تحقق برنامه ملی صرفه‌جویی انرژی به عنوان محور اقتصاد پست‌تحریم و با در نظر گرفتن مزیت نیروی کار ارزان و ظرفیت تولید گاز ایجاد شده، در کنار یک برنامه همکاری و مشارکت صنعتی با علاقه‌مندان به سرمایه‌گذاری خارجی می‌توان به ایجاد تقاضا در اقتصاد و گذار از این شرایط امیدوار بود.

۶- نظام تصمیم‌گیری و گزینه‌های پیش رو

مشکلات یازده‌گانه‌ای که در بخش ابتدایی این مقاله مورد اشاره قرار گرفت ابعادی فراتر از گشایش‌هایی دارد که در نتیجه برداشته شدن تحریم‌ها حاصل می‌شود. به بیان دیگر، با برداشته شدن تحریم‌ها بخشی از مشکلات حل شده یا تخفیف پیدا می‌کند، اما تأثیر رفع تحریم‌ها بر حل بخش دیگر از آنها، از مسیر فضایی اعمال می‌شود که مبتنی بر پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد و چشم‌انداز امیدوارکننده و مثبت نسبت به آینده ایجاد می‌شود. نظام تصمیم‌گیری کشور اینک در معرض انتخابی تعیین‌کننده بر سر یک سه‌راهی قرار گرفته که هر یک از این راه‌ها به مقصدی جداگانه منتهی می‌شود. یک انتخاب، تعامل فعال با جهان، با محوریت نگاه به رفع تحریم‌ها از منظر فراهم شدن «منبع» برای کشور است. در این نوع نگاه، ساختار موجود اقتصاد شامل نظام تأمین مالی دولت، انباشت بدهی‌های دولت، کسری‌های بزرگ صندوق‌های بازنشستگی، عدم نقدشوندگی دارایی‌های بانکی و در نتیجه نرخ‌های بالای سود بانکی، مصرف بالای انرژی و مشکلات مالی بنگاه‌های تولیدکننده انرژی، کسری نظام پرداخت یارانه نقدی و تبعات تخریبی آن، شیوه بهره‌برداری از درآمدهای نفتی و نحوه کار صندوق توسعه ملی، نظام آشفته مالکیتی بنگاه‌های اقتصادی و بسیاری مشکلات دیگر فرض می‌شود و همه امیدها به برقراری ارتباط با جهان و بهره‌مندی از منابع فراهم شده از سوی منابع بین‌المللی بسته می‌شود.

برای توضیح پیامد این رویکرد می‌توان به دو نکته اشاره کرد. نکته اول آنکه مفهوم اقتصادی داده‌شده فرض کردن ساختار موجود اقتصاد از دید سرمایه‌گذار داخلی یا



خارجی، عدم بازگشت و عدم توجیه پذیری سرمایه‌گذاری به استثنای مشارکت در رانت موجود در اقتصاد است که تنها شامل بخش بالادستی نفت خواهد بود. در سایر موارد، سرمایه‌گذار خارجی یا تمایل به کار در ایران نخواهد داشت یا شرطی خواهد داشت که بازار داخلی را به صورت انحصاری در اختیار گیرد. در حالت دیگر، ورود منابع به کشور در قالب فاینانس و نه سرمایه‌گذاری مستقیم انجام می‌شود که تنها با تضمین دولت قابل انجام خواهد بود. این انتخاب هم بدون تردید کشور را پس از مدتی کوتاه با بحران بدهی‌ها مواجه خواهد ساخت. نکته دوم آن است که انتخاب این رویکرد در صورتی که در شرایط بسیار دشوار کنونی قرار نداشتیم ممکن بود بتواند به عنوان یک مسکن کوتاه‌مدت مورد استفاده قرار گیرد.

اما شرایط موجود کشور، انجام حجم بزرگی از اصلاحات به تعویق افتاده یا به انحراف رفته قبلی را اجتناب‌ناپذیر ساخته است.

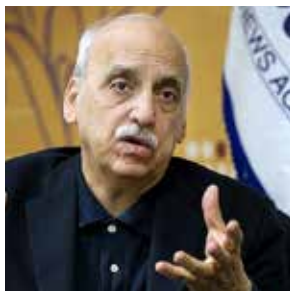
راه دوم که در نقطه مقابل راه اول قرار دارد و آن هم به صورت یک گرایش مورد استقبال در طیف فعالان سیاسی که مخالف توافق هسته‌ای موجود هستند، تعقیب می‌شود آن است که اقتصاد پسانتحریم، همچنان اقتصادی بسته باشد و تحت هیچ شرایطی پای بنگاه‌های خارجی به اقتصاد ایران باز نشود و جایگاهی برای تولیدات مبتنی بر کارایی کشور در بازار جهانی فراهم نشود. این نگاه اصولاً اقتصاد را مبتنی بر سازوکارهای واقعی آن نمی‌نگرد و اساس حرکت اقتصاد را از منظر سیاسی و فرهنگی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. تصور این نگاه آن است که اقتصاد می‌تواند صرفاً از درون رشد کند و حالت تحریم و بلکه خودتحریمی را حالتی ایده‌آل می‌بیند و این‌گونه تصور می‌کند که مانع اصلی تحقق هدف ذکر شده، گرایش‌هایی در داخل اعم از نظام تصمیم‌گیری یا نظام اداری یا متفکران و صاحب‌نظران داخلی هستند که نمی‌گذارند اقتصاد درونگرا و بدون ارتباط با دنیا به شکوفایی برسد. این راه هم در انتها به رکود تورمی ختم می‌شود و تبیین پیامدهای تجربه‌شده آن نیاز به توضیح بیشتر ندارد.

شاید نکته جالب آن باشد که دو گرایش ذکر شده هرچند از نظر نحوه نگاه به تعامل

با جهان در نقطه مقابل یکدیگر قرار دارند و می‌توانند در میان دوگانه‌های مختلفی که طی دهه‌های مختلف در عرصه سیاسی کشور شکل گرفته و رقابت‌هایی بی‌حاصل با یکدیگر داشته‌اند، به دوگانه جدیدی تبدیل شوند و بخش باقی‌مانده انرژی سیاسی کشور را صرف خود کنند، اما هر دو نگاه، در این ویژگی با هم اشتراک دارند که ساختار موجود اقتصاد را داده‌شده می‌گیرند و انگیزه‌ای برای اصلاح و تغییر آن ندارند. بنابراین هر دو رویکرد هرچند کاملاً در نقطه مقابل یکدیگر قرار دارند، اما بحران‌آفرینند. راه سوم که البته راهی دشوار است اما از نظر نگارنده تنها راهی است که می‌تواند به مقصدی مبارک و امیدآفرین ختم شود، بهره‌گیری واقع‌بینانه، البته در حد اکثر ممکن، از تعامل با جهان اما «با محوریت اصلاح ساختار درونی اقتصاد» است. رویکرد ذکر شده مبتنی بر این تحلیل است که مشکلات یازده‌گانه ذکر شده در صدر این نوشتار، «همگی با هم» در به وجود آوردن وضعیت نابسامان موجود اقتصاد ما سهیم هستند. گزاره ذکر شده به این معنی است که همان‌طور که عدم بهره‌گیری از ظرفیت‌های جهانی صدماتی جبران‌ناپذیر به درآمد و اشتغال جامعه وارد کرده، محیط نامناسب کسب و کار از نظر مداخلات مخرب دولت‌ها، انتخاب نامناسب نرخ سود بانکی، قیمت انرژی، نرخ ارز و بسیاری موارد دیگر هم در عملکرد نامناسب اقتصاد

نقش داشته‌اند. نمی‌توان یک بخش از خطا را تصحیح کرد بدون آنکه به اصلاح دیگر خطاها توجه داشت.

بنابراین از میان سه راه: تعامل با غفلت از اصلاح ساختار، درونگرایی اقتصاد و نفی اصلاح ساختار و بالاخره، اصلاح ساختار با بهره‌گیری از تعامل با جهان برای درون‌زا و برون‌گرا کردن اقتصاد، لاجرم یک گزینه انتخاب خواهد شد. خطای در انتخاب در این مقطع زمانی می‌تواند هزینه‌های جبران‌ناپذیر داشته باشد. از نظر نگارنده، موارد ذکر شده در این نوشتار در بخش‌های خطوط راهنما و ملاحظات خطوط قرمز با رویکرد سوم سازگار است. خط راهنمای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، اقتصاد درونگرا را نفی می‌کند و بر صفت برونگرایی در کنار درونزایی تأکید دارد. اصلاحات ساختاری لازمه درونزایی است و برونگرایی مکمل ضروری برای تحقق آن شناخته می‌شود. با توجه به اهمیت زیاد مقطع زمانی که در آن به سر می‌بریم، ضروری است گفتمان ملی پسانتحریم با تمرکز بر ارزیابی گزینه‌هایی که نظام تصمیم‌گیری پیش‌رو دارد به راه افتد. ممکن است از نظر دیگران، گزینه‌های دیگری علاوه بر آنچه توسط نگارنده مطرح شده قابل طرح باشد که به بحث گذاشتن همه موارد قابل تصمیم‌گیری، به حصول وفاق در این مقطع حساس کمک می‌کند.



در سخت‌ترین شرایط اقتصادی بعد از انقلاب هستیم

سخنان انتقادی آخوندی در پانزدهمین همایش توسعه مسکن

پانزدهمین همایش سیاست‌های توسعه مسکن با عنوان «چشم‌انداز بخش مسکن تا ۱۴۰۵» دوم آذرماه در حالی برگزار شد که دکتر عباس آخوندی وزیر راه و شهرسازی به انتقاد شدید از نامناسب بودن کیفیت محیط زیست در شهرهای بزرگ پرداخت و از اینکه شرایط سکونت به گونه ای شده که کسی به شهر احساس تعلق ندارد، ابراز تاسف کرد.

در این همایش که در دانشگاه تهران برگزار شد، حامد مظاهرین معاون امور مسکن و ساختمان، حسین عبده تبریزی مشاور وزیر راه و شهرسازی، محمد هاشم بت‌شکن مدیرعامل بانک مسکن، محمدسعید ایزدی مدیرعامل شرکت عمران و بهسازی شهری ایران، سید محمد پژمان رئیس سازمان ملی زمین و مسکن، امیرامینی معاون برنامه‌ریزی و اقتصاد حمل و نقل، محسن نریمان مدیرعامل شرکت عمران شهرهای جدید، علی چگنی مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی و اقتصاد مسکن و ابوالقاسم رحیمی انارکی عضو هیأت‌مدیره بانک مسکن حضور داشتند.

دکتر آخوندی در این همایش گفت: در اینکه مسکن در شرایط پیچیده‌ای است تردید نداریم و از هر منظر که بحث کنیم به این نتیجه می‌رسیم. تراکنش جمعیت در نیمه شمالی و جنوبی کشور یکسان نیست و توزیع نامتعادل جمعیت از نظر امنیت ملی هم ما را با مشکل مواجه می‌کند.

وی با بیان اینکه بخش زیادی از جمعیت شهری کشور در ۱۰ شهر متمرکز شده‌اند گفت:

این سلسله مراتب شهری در حالی است که برخی شهرهای خالی از سکنه و برخی عاری از کیفیت مطلوب برای سکونت هستند، بنابراین با نابسامانی جمعیتی مواجه هستیم. براساس آمار سال ۱۳۹۰ تعداد شهرهای بالای ۱۰۰ هزار نفر جمعیت حدود ۸۶ شهر است، در حالی که پیش و پس از انقلاب قرار بود تنظیم جمعیت را در آمایش سرزمین لحاظ کنیم اما این اتفاق رخ نداده است. موضوع مهم دیگر عدم عدالت اجتماعی در ایران است. ما جزو معدود کشورهایی هستیم که بی عدالت شهری در کشورمان برجسته است و شمال شهرگران قیمت و پایین شهر کیفیت نازلی برای زندگی دارد.

وزیر راه و شهرسازی با انتقاد از نامناسب بودن کیفیت محیط زیست در شهرهای بزرگ گفت: در بخش حمل و نقل نیز وقت زیادی از شهروندان در ترافیک می‌گذرد. ما در کشور فاقد حمل و نقل مرکزی حومه هستیم و مشکل در این زمینه روز به روز پیچیده‌تر می‌شود. از جهتی زمان لازم برای تملک واحدهای مسکونی که میانگین ۱۲ سال بود این عدد برای اقشار کم درآمد از ۲۰ سال هم گذشته است.

دکتر آخوندی با بیان اینکه برای حل مشکل مسکن مردم باید ظرفیت اقتصاد ایران را نیز بسنجیم افزود: در ۱۰ سال گذشته کمی‌گرایی در ایران مطرح شد و فراموش کردیم مسکن جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز دارد. تمام آنچه به عنوان میراث فرهنگی و اجتماعی در

کشور داریم در بخش مسکن نیز ظهور پیدا می‌کند اما مسکن را به یک چهار دیواری در هر بیابانی تبدیل کردیم که منجر به کالایی شدن انسان‌ها شد.

وی با اشاره به اینکه برای کشوری مثل ما که داعیه ۳ هزار سال پیشینه دارد این جنبه بسیار حائز اهمیت است اما ما به سمت کمی‌گرایی رفته‌ایم، تصریح کرد: حتی در کشورهای سوسیالیستی مثل چین و روسیه نیز آن اتفاقی را که برای کالایی کردن انسان‌ها در ایران در طرح مسکن مهر رخ داد ندیده‌ام. کالایی کردن انسان‌ها در مسکن مهر به شکل افراطی صورت گرفت و حداقل از جنبه فرهنگی هیچ دفاعی نمی‌توان از آن کرد.

دکتر آخوندی رویکرد حوزه مسکن را دچار نگاهی افراطی و تفریطی دانست و گفت: این رویکرد در دو بخش مسکن مهر و شهرفروشی به خوبی قابل مشاهده است. در واقع حق نفس کشیدن مردم در حال فروش است و کسی احساس نمی‌کند که شهر به او تعلق دارد. وزیر راه و شهرسازی با یادآوری اینکه شهر تهران از دهه ۴۰ شورای نظارت برگسترش شهر را تشکیل داده است خاطر نشان ساخت: ۵۰ سال است که همه نگران توسعه شهر هستند اما شهر در حال گسترش است. در شهرهای بزرگ نتوانستیم موضوع حرکت را حل کنیم. وقتی موضوع ایجاد شهرهای جدید مطرح شد تامین حمل و نقل را فراموش کردیم و شهرهایی مانند هشتگرد، پردیس، پزند و اندیشه ساختیم که مشکل حمل و نقل آنها

برطرف نشده است. از روز اول باید به سمت یکپارچگی مفهوم حمل و نقل و توسعه شهری می‌رفتیم.

دکتر آخوندی افزود: ۱۸ میلیون از ۵۵ میلیون جمعیت شهرنشین در وضعیت نامطلوب زندگی به سر می‌برند و کیفیت زندگی آنها قابل قبول نیست. اگر پروژه‌های مسکن مهر پیرامون شهرهای جدید نیز تکمیل شود این آمار افزایش می‌یابد. از روز اول معتقد بودم در شرایط سختی که قرار داریم با راه حل‌های ساده‌انگارانه نمی‌توان کاری از پیش برد و راه حل‌های دوپینگی هم جواب نمی‌دهد مدت‌ها بحث من این بوده است که برای حل مشکل باید نهادهای مالی ایجاد شود.

وی ادامه داد: برای اینکه بتوانیم هم تجهیز مالی کنیم هم قدرت خرید و ساخت را افزایش دهیم به صندوق تسهیلات نیاز داریم. مدت‌ها است در ایران درباره انواع تضامین بحث می‌کنیم. اگر کسی خانه‌ای پیش خرید می‌کند باید سر وقت آن را تحویل بگیرد از سوی دیگر صندوق تضمین کیفیت نیز در حوزه مسکن نداریم. وزیر راه و شهرسازی با تاکید بر اینکه برای خروج از این وضعیت به انواع نهادهای مالی نیاز داریم گفت: انواع نهادهای بازار و بورس، صندوق پس انداز، نهادهای مالی پروژه محور و بازار محور برخی از همین نهادهای مالی مورد نیاز هستند.

آخوندی گفت: وضعیت بخش مسکن در اقتصاد تبدیل به چالش و در عین حال فرصت شده است. چالش از آن جهت که با رکود مواجه هستیم و فرصت از آن جهت که مسکن بزرگترین محرک اقتصاد است. اکنون در سخت‌ترین شرایط اقتصادی بعد از انقلاب هستیم و بارها گفتیم اگر مسئول مدیریت اقتصاد ایران بودم وضعیت فوق‌العاده اعلام می‌کردم. باید جامعه را برای شاخص‌های کلان و خرد تصمیم‌های بنیادین آماده کرد و در این شرایط فقط حرف‌های دلخوش‌کننده نزنیم زیرا وضعیت را بدتر می‌کنیم.

آخوندی با بیان اینکه مداخله دولت و سطح و نوع مداخله در بخش مسکن باید به دقت بررسی شود گفت: قطعاً بدون مداخله دولت مشکل مسکن حل نمی‌شود و تمام بحث ما نوع این مداخله است. این مداخله باید یا به گونه‌ای باشد که دولت مانند مسکن مهر خانه بسازد یا شعار عدم مداخله و بازار آزاد بدهیم که

مورد دوم سبب ایجاد بازار سوداگرانه می‌شود. آخوندی درباره این دو رویکرد توضیح داد: رویکرد نخست اینکه دولت سریعاً خانه بسازد و رویکرد دوم دولت را از ورود به بازار مسکن به دلایل مختلف برحز می‌دارد. ما در پی این هستیم که در مجلس، دولت و در بین کارشناسان و اقتصاددانان به تدریج این اجماع را ایجاد کنیم که مسکن می‌تواند پیشران باشد و به سرمایه‌گذاری در حوزه مسکن نیاز داریم. به این منظور به نهادها و بانک‌های توسعه در هر دو بخش حمل و نقل و مسکن نیازمندیم. ما بر این اعتقادیم اگر به چنین اجماعی برسیم می‌توانیم از بحران موجود عبور کنیم.

وی با اشاره به جلساتی که برای تدوین برنامه ششم توسعه در وزارت راه و شهرسازی برگزار شد، گفت: در این نشست‌ها گزارش‌هایی ارائه شد که ۶۵ درصد منابع شهرداری‌ها از محل فروش عوارض ساختمانی به دست می‌آید که این اصطلاح محترمانه شهرفروشی است. فروش عوارض یعنی ساختمانی که ساخته شده قوانین را رعایت کرده است و چنین موضوعی نباید منبع ۶۵ درصد درآمد شهرداری باشد.

وی راه حل این مشکل را توسعه شهرهای میانی و جلوگیری از توسعه کلانشهرها دانست و گفت: خانه‌سازی در تهران یا در مشهد کاری قابل قبول و پسندیده نیست. چرا می‌ترسیم این واقعیت را بازگو کنیم. خدمات و اشتغال باید در شهرها به طور متوازن پخش شود.

عبده تبریزی با اشاره به برداشت غلط از رکود در بخش مسکن تاکید کرد: رونق در بخش مسکن به این معنا نیست که قیمت هر روز بالا برود و خرید و فروش رشد روز افزونی داشته باشد؛ وزارت راه و شهرسازی به دنبال چنین بازاری نیست بلکه به دنبال حل مسئله مسکن اجتماعی و بافت‌های ناکارآمد است.

حامد مظاهریان در این مراسم با بیان اینکه اولین دوشنبه اکتبر هر سال به عنوان روز جهانی اسکان بشر نام‌گذاری شده است و امسال سی‌امین سال است که این گردهمایی برگزار می‌شود گفت: دولت‌ها برای سامان‌دهی میلیون‌ها انسان بی‌سرپناه اقدام می‌کنند. از ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۷ هر ساله با همکاری دستگاه‌های اجرایی مسکن همایش سیاست‌های توسعه مسکن در ایران برگزار شد اما وقفه‌ای ۵ ساله در برگزاری همایش وجود آمد و سال ۱۳۹۳ چهاردهمین همایش سیاست‌های توسعه مسکن با موضوع بررسی چالش‌های این بخش در دستور کار قرار گرفت. رئیس‌پانزدهمین همایش سیاست‌های توسعه مسکن افزود: مسکن با حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و کالبدی پیوند دارد و سیمای جامعه را نشان می‌دهد. این همایش هر ساله در دانشگاه‌ها برگزار می‌شود تا پیوند علمی دانشگاهی با مباحث اجرایی برقرار شود. طرح جامع مسکن نیز بر همین اساس تدوین شده و در طول سال بررسی می‌شود و دانشگاهیان نیز می‌توانند نظرات خود را درباره آن ارائه دهند.

مظاهریان افزود: در این همایش برنامه‌های بخش مسکن با محوریت طرح جامع مسکن در ۷ محور مسکن اجتماعی، توسعه نظام تامین مالی مسکن، برنامه‌ریزی شهری (سیاستگذاری زمین)، فن‌آوری در صنعت ساختمان، مسکن روستایی، سیاستگذاری شهرهای جدید (بازآفرینی شهری پایدار) و حوزه‌های اجتماعی مسکن بررسی می‌شود و کارگاه‌های تخصصی نیز در نظر گرفته شده است. تمام صاحب نظران در فرا حوزه‌ای بودن بخش مسکن تاکید دارند و امیدواریم این همایش سبب شود در مسیر توسعه اقتصاد گام برداریم.

محمد هاشم بت‌شکن مدیرعامل بانک مسکن نیز گفت: بانک مسکن به عنوان بانک توسعه‌ای، همواره برای تامین منابع مالی به دنبال ارائه راهکارهای جدید مالی بدون اتکا به منابع بودجه است تا بتواند با استفاده از دارایی‌های موجود، منابع مالی بخش مسکن را تامین کند.

وی ضمن بیان مطلب فوق، تصریح کرد: سرمایه‌تودיעی سهامداران، وام خطوط اعتباری، استفاده از اوراق بدهی، اوراق



مشارکت و استفاده از منابع مالی نهادهای بین‌المللی باید مورد توجه جدی قرار گیرد. مدیرعامل بانک مسکن با بیان اینکه در بسیاری از کشورهای جهان تامین مالی ساختاریافته مبتنی بر دارایی افراد است، گفت: نظام بانکی کشور ما مبتنی بر وثیقه است و برای اعتبارسنجی مشتری، به وثیقه آنها توجه می‌شود. بت‌شکن تصریح کرد: سال ۲۰۱۲ استفاده از وام‌های توسعه‌ای در کشور بسیار مورد توجه قرار گرفت و برای تامین مالی پروژه‌های مختلف در سال ۲۰۱۲ از محل مدیریت دارایی‌ها، ۸۰ میلیارد دلار برای پروژه‌های عمرانی تامین مالی شده و ۱۰ میلیارد دلار آن نیز از محل انتشار اوراق قرضه بود.

دکتر غلامرضا سلامی مشاور حسابداری، حسابرسی و اصول حاکمیتی وزیر راه و شهرسازی سه راهکار رونق مسکن را تشکیل بانک توسعه‌ای، ارایه تسهیلات به انبوه‌سازان و اجرای قانون پیش‌فروش عنوان کرد و گفت: دولت در جاهایی که زمین وجود دارد اقدام به ساخت مسکن و واحدهای مسکونی کند و زیرساخت‌هایش را نیز تامین کند زیرا ایران از لحاظ زمین کمبود خاصی ندارد.

دکتر غلامرضا سلامی مشاور حسابداری، حسابرسی و اصول حاکمیتی وزیر راه و شهرسازی درباره تبدیل بانک مسکن به بانک توسعه‌ای و رابطه بین عرضه و تقاضای مسکن در نشست تخصصی توسعه نظام تامین مالی مسکن در پانزدهمین همایش سیاست‌های توسعه مسکن که عصر دوم آذرماه در دانشگاه تهران برگزار شد، گفت: مسایل ساختاری بسیاری برای تامین مالی مسکن وجود دارد. در تمامی دنیا مسکن از محل پس‌انداز آتی مردم و نه گذشته تامین می‌شود. اینکه سایر بانک‌ها در ایران برای ارایه تسهیلات به مردم قدمی بر نمی‌دارند به این خاطر است که در کشور ثبات اقتصادی وجود ندارد. اگرچه در حال حاضر نرخ تورم در مسیر صحیحی رو به کاهش است اما هیچ‌امیدی به استمرار این نرخ در آینده وجود ندارد و این بی‌اعتمادی را دولت‌ها به دلیل کارکردهای اشتباه به وجود آورده‌اند. به همین خاطر نیز بانک‌ها وام بلندمدت را برای تسهیلات خرید مسکن

تامین نمی‌کنند.

دکتر سلامی پیشنهاد داد: دولت در جاهایی که زمین وجود دارد اقدام به ساخت مسکن و واحدهای مسکونی کند و زیرساخت‌هایش را نیز تامین کند. زیرا ایران از لحاظ زمین کمبود خاصی ندارد. اگرچه در دهه‌های پیشین در شهرهای جدید هشتگرد، پردیس، پردیس این اتفاق رخ داد اما به دلیل اینکه برنامه‌ریزی‌ها برای آن درست نبود شاهد بودیم که کاهش قیمت تمام شده زمین به روش‌های دیگری تامین شد. بدین معنا که عموماً شهرهای جدید فاقد تمامی زیرساخت‌های شهری و بعضاً امکانات زندگی مناسب هستند و مهم‌تر از همه اینکه دسترسی به مراکز اقتصادی ندارند در حالیکه با سیستم حمل و نقل متعارف یکپارچه در اروپا این قبیل مشکلات حل شده است و به نظر می‌رسد ایران نیز باید بتواند چنین شیوه‌هایی را در کشور پیاده کند.

مشاور وزیر راه و شهرسازی در بیان راهکارهای خود برای تامین مسکن مورد نیاز اقشار مختلف جامعه و ایجاد رابطه منطقی بین عرضه و تقاضای واقعی مسکن گفت: ایران باید مانند سایر کشورهای پیشرفته و موفق دنیا انبوه‌سازان را ترغیب به ساخت مسکن کند و در مقابل زمین، جاده، مترو و سایر زیرساخت‌های مورد نیاز شهری و زندگی را که در طرح‌های جامع لحاظ می‌شوند در اختیار انبوه‌سازان بگذارد تا واحدهای مسکونی با کیفیت تولید کنند. همچنین کشور باید بتواند برای ارایه تسهیلات به انبوه‌سازان بانک تخصصی مسکن را به بانک توسعه‌ای تبدیل کند زیرا در صورت توسعه‌ای شدن بانک مسکن است که می‌توان میلیاردها تومان تسهیلات در اختیار انبوه‌سازان قرار داد و این قشر را مکلف کرد تا در قبال دریافت تسهیلات مناسب مسکن با کیفیت و ارزان قیمت برای اقشار مختلف مردم تولید کنند.

حسین عبده تبریزی مشاور وزیر راه و شهرسازی در امور مدیریت و تامین مالی با بیان اینکه رونق بخش مسکن به معنای افزایش مداوم قیمت آن نیست گفت: وزارت راه و شهرسازی به دنبال چنین بازاری نبوده بلکه حل مسئله مسکن اجتماعی و بافت‌های ناکارآمد را دنبال می‌کند. حسین عبده تبریزی در پانزدهمین همایش

سیاست‌های توسعه مسکن در ایران با یادآوری برگزاری نخستین دوره این همایش در سال ۷۲ گفت: امروز نیازهای کشور با نیازهایی که در سال ۷۲ در بخش مسکن با آن مواجه بودیم تفاوت دارد و این همایش سعی می‌کند به نیازهای امروز کشور در بخش مسکن بپردازد.

وی افزود: این همایش با همایش‌های دوره‌های قبل شباهت‌های زیادی دارد برای مثال مانند سالیان گذشته مقالات علمی در محورهای مختلف انتخاب شده که در این دوره ۱۱۰ مقاله در ۷ محور طی دو روز برگزاری همایش قرائت و بررسی خواهد شد.

دبیر علمی پانزدهمین همایش سیاست‌های توسعه مسکن افزود: امروز شاهد فشاری که در سالیان گذشته در خصوص ساخت مسکن بوده‌ایم نیستیم؛ در بخشی از حوزه‌ها شاهد این هستیم که با تغییر ساختار ایجاد شده و تمرکزی که در سالیان گذشته در ساخت و ساز وجود داشت نیاز به ساخت و ساز جدید وجود ندارد.

وی تمرکز اصلی وزارت راه و شهرسازی را بر حل مسئله کیفیت مسکن خواند و افزود: علاوه بر این در بخش تامین مالی نیز حوزه مسکن نتوانسته مسئله خود را حل کند و این ضعف نظام بانکی است که در این همایش به آن حتماً پرداخته خواهد شد. مشاور وزیر راه و شهرسازی در امور مدیریت و تامین مالی با اشاره به تاکید دکتر آخوندی در توسعه‌ای شدن بانک مسکن یادآور شد: چنین نیازی در بخش تامین مالی نظام بانکی وجود دارد که مغفول مانده و وزارتخانه به هیچ وجه علاقمند نیست که مسکن به عنوان کالایی بین مردم فروخته و دلالی شود.

عبده تبریزی با اشاره به برداشت غلط از رکود در بخش مسکن تاکید کرد: رونق در بخش مسکن به این معنا نیست که قیمت هر روز بالا برود و خرید و فروش رشد روز افزونی داشته باشد؛ وزارت راه و شهرسازی به دنبال چنین بازاری نیست بلکه به دنبال حل مسئله مسکن اجتماعی و بافت‌های ناکارآمد است. وی ادامه داد: امیدواریم با بکارگیری سیاست‌های درست در بخش مسکن در سال ۱۴۰۵ شاهد این نباشیم که ۱۰ میلیون نفر در مسکن غیرکیفی سکونت داشته باشند و این همایش به دنبال حل چنین مسئله‌ای است.

همصدایی؛ شرط حیات بخش خصوصی است

گردهمایی ادواری مدیران تشکلهای فنی و مهندسی عضو شورای هماهنگی



عملکرد شورای هماهنگی و نهاد تعامل ارائه داد و گفت: مهم‌ترین کار درباره پروژه‌های ناتمام و اصلاح آیین‌نامه آن بود. درباره حضور شرکت‌های خارجی و نحوه قراردادها در دوران پساتحریم فعالیت‌ها را آغاز کرده ایم. در مورد رتبه بندی و تشخیص صلاحیت طی جلساتی که با سازمان برنامه داشتیم قرار شد آیین‌نامه جدیدی برای رتبه‌بندی نوشته شود و ما فعالانه در تدوین آن شرکت کنیم. نظام فنی جاری عموماً مربوط به پروژه‌های عمرانی است و باید عمومیت بیشتری با توجه به شرایط پساتحریم بیابد. در نظر داریم سهم شرکت‌های دولتی و خصوصی را از پروژه‌ها مشخص کنیم تا تکلیف سازندگان روشن باشد.

پس از سخنرانی اعضای پانل، شش تشکل فنی مهندسی انبوه سازان مسکن، کانون سراسری پیمانکاران عمرانی ایران، انجمن سازندگان تجهیزات صنعتی ایران، انجمن بازرسی فنی و آزمایشگاه‌های غیرمخرب ایران، انجمن صنفی شرکت‌های اوتوماسیون صنعتی و جامعه مهندسان مشاور ایران توسط نمایندگان آنها معرفی شدند.

مهندس منوچهر ملکبانی فرد نیز به نمایندگی از سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران با تشکر از جامعه مهندسان مشاور که میزبانی این جلسه را بر عهده داشتند عنوان کرد: بنده قصد سخنرانی در این جمع را ندارم چرا که مجلس، مجلس علماست. فقط نتیجه ۳۰ سال زحمت سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران

باز هم حضور آنها فعال ترمی شود. صحبت از بخش خصوصی می شود که توسعه کشور توسط آن انجام می شود اما در عمل چیز دیگری دیده می شود. مسئله فساد اقتصادی نیز گریبان ما را گرفته و شدیداً به مملکت ما لطمه می زند. ما در جامعه مهندسان بر اخلاق تاکید داریم. و در بهمن ماه همایشی درباره فساد برگزار خواهیم کرد. وی افزود: درباره حضور در اتاق بازرگانی، تشکیل فدراسیونها و ... باید سیاست مشترکی را اتخاذ کنیم. یکی از ایرادات مهم تشکلهای ما عدم ارتباط با دستگاه قضا هست که خواه ناخواه در ارتباط با پروژه ها با آنها سرو کار داریم. وی با اشاره به انتخابات نظام مهندسی و اهمیت سازمان نظام مهندسی، افزود: متأسفانه ما از این سازمان غافل بوده ایم. و حضور کم تعدادی در انتخابات داشتیم. وی در پایان تاکید کرد: باید سیاست خود را در راستای توسعه مملکت مشخص و هماهنگ کنیم. مهندس اسماعیل مسگریپور گزارشی از

روز ۲۴ آذر گردهمایی ادواری مدیران تشکل های فنی و مهندسی عضو شورای هماهنگی به میزبانی جامعه مهندسان مشاور با موضوع « وضعیت موجود صنعت احداث ایران و آینده آن در پساتحریم » در محل این جامعه برگزار شد. آقای مهندس منوچهر ملکبانی فرد، مهندس هرمزد رامینه و مهندس اسماعیل مسگریپور اداره این جلسه را بر عهده داشتند.

مهندس هرمزد رامینه با اشاره به این که شورای هماهنگی تشکلهای روز به روز قوی تر شده است و با تعامل بیشتر قوی تر نیز خواهد شد افزود: موضوع این جلسه که به درستی توسط شورا انتخاب شده برای همه ما موضوعی حیاتی است. در شرایطی که بر سر می بریم که هر تصمیمی تأثیر زیادی بر سرنوشت صنعت احداث و منافع ملی دارد. آنچه مسلم است تأمین منافع ملی منافع همه را تأمین می کند. امروزه با معضل شرکت‌های شبه دولتی مواجه هستیم، در دوران پساتحریم با حضور شرکت‌های خارجی

در راه ارتقای پیمانکاری و دفاع از منافع آنها حول منافع ملی را در اختیار شما می‌گذارم. به نظر من شرایط پساتحریم با قبل از تحریم فرقی ندارد و همه چیز بستگی به ما دارد. ما در دوران جنگ و پس از جنگ همیشه مدیریت بحران داشته‌ایم. در دوران دکتر احمدی‌نژاد فقط سعی ما بر این بود که شرکت‌های ما به حیات خود ادامه دهند و از بین نروند. اما امروز دولت گوش شنوایی دارد و علاقمند به شکوفایی است. اما کدام شکوفایی؟

وی تصریح کرد: شکوفایی به معنای بسترسازی برای آحاد ملت و اجرای دقیق خصوصی‌سازی در عمل، که با شکوفایی مدنظر آنها اختلاف دارد. با اجرای روش‌های گذشته پساتحریم با قبل از تحریم فرقی نخواهد داشت. اما تجربه بخش خصوصی بزرگترین سرمایه آن در این دوران است، سرمایه‌ای که بر اتحاد و هم‌زمانی تاکید دارد. همانطور که درباره ورود سرمایه‌گذاران خارجی بدون مدیریت به دولت اخطار دادیم و توجه دولتمردان را معطوف به این مسئله کردیم. البته آقای نوبخت، آقای جهانگیری و حتی رئیس‌جمهور هم معتقد بودند ایران بازار مصرف نیست و بازار مشارکت است. وی درباره مالیات بر ارزش افزوده نیز عنوان کرد: این مسئله در حال حل شدن است.

کمیته‌ای فنی در شورای اقتصاد دولت به وجود آمده است. ماده ۳۰ طبق خواسته ما است و ماده ۲۹ با حذف مسئولیت تضامنی حل می‌شود. بند ۵ ماده ۱۶ هم اصلاحاتی داشته است. به هر حال قانون مالیات بر ارزش افزوده در حال حل شدن است، هر چند که ایده آل ما نیست.

وی درباره مطالبات پیمانکاران گفت: جلسه‌ای در دفتر آقای دکتر نیلی با حضور مدیران بانکها و پیمانکاران تشکیل شد که نشان می‌دهد دولت به فکر صاف کردن بدهی خود است. ظاهراً برای این است که ۳۸۱ هزار میلیارد تومان بدهی به بانکها و پیمانکاران از طریق اوراق و ظرف ۵ سال پرداخت شود. قرار شد نتیجه این جلسه همفکری در هیات دولت مطرح شود. اما واقعیت این است که اوراق با سود به درد پیمانکاران نمی‌خورد. پول پیمانکار برای نوسازی ناوگان، خرید تجهیزات و پرداخت حقوق نیروی انسانی است. به دلیل نبود پول بخش خصوصی در نوسازی ناوگان روز به روز ضعیف‌تر می‌شود. پیمانکار سرمایه‌گذار نیست و بدون پول از تسهیلات بانکی استفاده می‌کند که با شرایط فعلی قادر به بازپرداخت آن هم نیست.

وی افزود: در برنامه اول و دوم ۲۲ بار درباره اجرای سیاست خصوصی‌سازی صحبت

شده اما تعداد شرکت‌های دولتی در طول این برنامه‌ها دوبرابر شده است. ما ناچاریم مانند بردارهای هم‌جهت در کنار هم باشیم. شرط حیات ما در پساتحریم و شکوفایی در آن که حق ملت ایران است همین هم‌صدایی ما است. خواهش می‌کنم با هم باشیم!

در ادامه این جلسه پرسش و پاسخ‌هایی مطرح شد که مهندس ملکبانی فرد درباره درجه‌بندی شرکت‌ها گفت: درجه‌بندی باید به جایی واگذار شود که کار فنی انجام می‌دهد، اتاق بازرگانی ابزار این کار را ندارد و فعلاً سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی هم حاضر به واگذاری این کار نیست.

در ادامه گفتگوها و اظهارنظرها مهندس محمد عطاردیان، عضو شورای عالی سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران نیز گفت: همه مسائل با اتحاد حل می‌شود. بخش خصوصی باید بند ناف خود را از دولت جدا کند و با جمع‌آوری سرمایه، کارآفرینی کند. اگر با دولت برای بسترسازی حرکت اقتصادی به توافق برسیم، با کمک دولت و بخش خصوصی کشور از شرایط فعلی رهایی می‌یابد. کار خصوصی باید جدا از دولت راه بیفتد و لازم است در این باره با دولت گفتگو شود.





تدوین و اجرای استراتژی توسعه صادرات یک ضرورت اقتصادی است

در همایش ملی توسعه صادرات غیر نفتی مطرح شد

گامی برای انتقال فناوری پیشرفته و مهارت بیکاری باشد.

رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران با اشاره به گزارش رقابت پذیری سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ در دنیا، گفت: این گزارش که در ماه‌های اخیر منتشر شده، رتبه ایران را میان ۱۴۰ کشور دنیا، رتبه ۱۰۵ اعلام می‌کند در حالی که قطر رتبه دوم و امارات رتبه پنجم را در زمینه مقررات زدایی و تسهیل مقررات اعلام می‌دارد. وی اظهار داشت: دولت یازدهم، کمیته مقررات زدایی را تشکیل داده است که جلسات آن، با سرعت و جدیت به منظور تسهیل مقررات برگزار می‌شود اما همچنان فاصله زیادی با کشورهای منطقه داشته و باید کار جدی در این زمینه انجام دهیم.

جلال پور خاطرنشان کرد: در زمینه آزادی مقررات براساس شاخص‌های اقتصادی سال ۲۰۱۳، ایران در حوزه منا رتبه دوم بعد از مصر را به لحاظ بد بودن شاخص‌های اقتصادی و صادراتی دارد. رئیس پارلمان بخش خصوصی خاطرنشان کرد: در فضای آزاد اقتصادی می‌توان توقع داشت که تولیدکنندگان برای تولید رقابتی فعالیت کنند و البته دولت هم باید تمام تلاش خود را برای ارتقای شاخص‌های فضای کسب و کار صورت دهد، این در شرایطی است که دولت یازدهم توانست رتبه ایران در شاخص فضای کسب و کار را از رتبه ۱۵۲ به ۱۱۸ برساند اما در برنامه ششم باید کوچک سازی دولت را به لحاظ کم کردن

روی اقتصاد ایران قرار می‌دهد و آن تحریک تقاضای خارجی است. به گفته جلال پور، امروز در رفت و آمد هیأت‌های تجاری و حضور سرمایه‌گذاران خارجی در ایران، نگاه ما تولید برای صادرات به کشورهای منطقه و دنیا است و تنها صادرات است که می‌تواند تولید و کیفیت داخلی را تضمین کرده و در یک رقابت تنگاتنگ با کشورهای دیگر، رفاه داخلی را به دنبال داشته باشد.

وی به ابلاغیه مقام معظم رهبری در حوزه اقتصاد مقاومتی اشاره و خاطرنشان کرد: آنچه که امروز در ابلاغیه مقام معظم رهبری از آن به عنوان اقتصاد مقاومتی و صادرات یاد می‌شود، به مفهوم تسهیل مقررات، ایجاد ثبات در رویه‌ها و تدوین قوانین مرتبط با صادرات روان و تنوع بخش است که می‌تواند

جلال پور:
آنچه که امروز در ابلاغیه مقام معظم رهبری از آن به عنوان اقتصاد مقاومتی و صادرات یاد می‌شود، به مفهوم تسهیل مقررات، ایجاد ثبات در رویه‌ها و تدوین قوانین مرتبط با صادرات روان و تنوع بخش است که می‌تواند گامی برای انتقال فناوری پیشرفته و مهارت بیکاری باشد.

بیست و یکمین همایش توسعه صادرات غیرنفتی اتاق تبریز با محوریت «توسعه اقتصاد ملی بعد از تحریم» به میزبانی وزیر صنعت معدن و تجارت، رئیس اتاق ایران، رؤسای اتاق‌های سراسر کشور، رئیس سازمان توسعه تجارت و جمعی از فعالان اقتصادی در چهاردهم آذرماه برگزار شد.

«محسن جلال پور» رئیس اتاق ایران در این همایش گفت: در طول دهه‌های اخیر اقتصاد ایران در دوران جنگ و پس از آن شرایط سخت تحریم و پسانتحریم همواره مقوله صادرات را به عنوان یک جایگاه ویژه از سایر بخش‌های اقتصادی متمایز کرده و اینطور نیست که در پسانتحریم نگاه جدید و تازه‌ای به صادرات در برنامه‌های اقتصادی داشته باشیم، چرا که صادرات در پیچه‌ای از تولید ملی به دنیای خارج و ویتیرینی از هر آن چیزی است که در اقتصاد ایران وجود دارد.

رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران افزود: صادرات به معنای یافتن بازاری به قیمت هزینه‌ای است که دیگر کشورها می‌پردازند و در مدار کار داخلی و فضای اقتصادی برگ برنده‌ای برای ایران است، ضمن اینکه امروز کشور به لحاظ تولید و اشتغال در شرایطی قرار دارد که باید نگاه به صادرات پررنگ‌تر از قبل باشد. وی تصریح کرد: بیکاری بالا و تولید فراوانی که درگیر عدم وجود تقاضا در بازار داخلی بوده و امکان تحریک تقاضا در این بازار به دلیل نگرانی از تورم بالا وجود ندارد، تنها یک راه را پیش

بروکراسی‌های اداری و ثبات سیاست‌ها در زمینه تولید و صادرات انجام داد.

جلال پور خاطرنشان کرد: ارتقای کیفی دادگاه‌های اقتصادی می‌تواند به بهتر شدن رتبه فضای کسب و کار و شاخص‌های اقتصاد ایران در دنیا بیانجامد و تنها در این صورت می‌توان انتظار تولید و سرمایه‌گذاری را داشت، چرا که تا زمانی که فضای مناسب کسب و کار وجود نداشته باشد، رفت و آمد هیأت‌های خارجی منجر به توسعه تجارت و سرمایه‌گذاری نخواهد شد. وی در ادامه، به چالش‌های پیش روی صادرات غیرنفتی در حوزه حمل و نقل جاده‌ای، ریلی و هوایی اشاره و خاطرنشان کرد: مهم‌تر از این موضوع، شرایط ارزی، پولی، مالی و تسهیلاتی کشور است که امروز اولین دغدغه فعالان اقتصادی به شمار می‌رود که بر این اساس باید تدوین برنامه جامع ارزی را در دستور کار قرار داد تا ثبات در اجرای این برنامه منجر به شکوفایی اقتصادی شود.

جلال پور در توضیح این مطلب خاطرنشان کرد: محاسبه مابه‌التفاوت تورم داخلی و خارجی برای افزایش نرخ ارز همان چیزی است که صادرکنندگان و فعالان اقتصادی طلب می‌کنند، چرا که آنها می‌خواهند بدانند که برای ارز حاصل از صادرات و تولید خود باید چه پیش‌بینی‌هایی داشته باشند. رئیس اتاق بازرگانی ایران ادامه داد: در این زمینه، موضوع سیاست‌های مالی و تسهیلات بانکی و پیش‌بینی نرخ بهره بسیار مهم به نظر می‌رسد، چرا که ایران تنها کشوری است که نرخ بالای ۲۰ درصد را به عنوان نرخ تسهیلات می‌پردازد.

جلال پور گفت: در ابتدای دولت یازدهم نرخ ارز ۳۶۰۰ تومان بود و امروز هم به همان رقم رسیده که این به مفهوم آن است که در ماه‌های اخیر دولت یازدهم عملاً بهره بالای ۲۰ درصد را برای ارز تعیین کرده است که این شرایط مناسبی برای صادرات نیست، چرا که در دنیا وام‌های ارزی را با بهره ۲ درصد در اختیار صادرکنندگان قرار می‌دهند. وی گفت: چنانچه مابه‌التفاوت نرخ تورم داخلی و خارجی را برای افزایش نرخ ارز در نظر بگیریم، صادرات می‌تواند توجیه‌پذیر باشد در



حالی که در دو سال اخیر نرخ سود ارزی بالای ۲۰ درصد بوده و این فضای نقدینگی برای صادرات را نامساعد می‌کند.

رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران گفت: در شرایطی که نیاز به سرمایه‌گذاری مشترک با سایر کشورهای دنیا داریم، به نظر می‌رسد اتاق‌های بازرگانی باید در تشکیل هلدینگ‌های صادراتی و استفاده از موقعیت‌های به وجود آمده در دنیا باشند. جلال پور گفت: در شرایطی که روابط سیاسی روسیه و ترکیه در وضعیت نامطلوبی قرار دارد، صادرکنندگان ایرانی می‌توانند خلاء موجود در بازار روسیه را به بهترین شکل پر و بر این اساس نیاز روسیه را تامین کنند. وی خواستار تدوین استراتژی توسعه صادرات برای دو دهه آینده شد و خاطرنشان کرد: باید با تدوین این استراتژی فضای اطمینان بخشی را پیش روی صادرکنندگان قرار داد، چرا که برخی از آنها حتی نگران بودند با بازگشت سقف تولید اوپک به شرایط قبل، ایران باز هم سیاست اقتصاد نفتی را در پیش گیرد و از توسعه صادرات و اقتصاد نفتی غافل بماند.

در ادامه مسعود خوانساری، نایب رئیس اتاق ایران و رئیس اتاق تهران صادرات را مبنای اقتصاد پایدار دانست و گفت: کشور چین در سال‌های اخیر توانسته است با تکیه بر توسعه صادرات سطح پهناوری از بازارهای جهانی را در اختیار بگیرد.

وی با نگاهی به وضعیت ایران تأکید کرد: در حال حاضر کشور ایران در منطقه امنیت بالایی دارد و همین موضوع می‌تواند زمینه را برای الگوبرداری از چین فراهم کند.

رئیس اتاق تهران همچنین با اشاره به مهمترین شاخص‌های توسعه صادرات، تشریح کرد: اولین مؤلفه برای دست یافتن به تولید صادرات محور، مسأله ارز است؛ با ارز ارزان صادرات شکل نمی‌گیرد، تورم بالا مانعی جدی بر سر راه صادرات است و از طرف دیگر تا زمانی که موضوع حامل‌های انرژی تعیین تکلیف نشود نمی‌توانیم به توسعه صادرات بیندیشیم.

خوانساری، مقررات زدایی را یکی دیگر از شاخص‌های مهم در مسیر توسعه صادرات عنوان کرد: در طول ۳۵ سال اخیر روز به روز با تصویب انواع قوانین سدهای غیرقابل نفوذی بر سر راه صادرات ایجاد کردیم. حال زمان آن رسیده است که با حذف قوانین و مجوزهای زائد اجازه دهیم تولید نفس بکشد.

وی بر این باور است که اقتصاد صادرات محور زمینه را برای برنامه‌ریزی ممکن می‌کند و اینگونه فضا رقابتی‌تر شده و امکان برندسازی برای محصولات تولیدی فراهم می‌شود.

صمد حسن زاده، رئیس اتاق تبریز با اشاره به تحولات اخیر در دیپلماسی کشور و موفقیت در مذاکرات بین‌المللی، تصریح کرد: بیست و یکمین همایش ملی توسعه صادرات غیرنفتی را با این هدف برگزار می‌کنیم که با توجه به تحولات اخیر در فضای دیپلماسی کشور بتوانیم آنچه برای توسعه صادرات غیرنفتی لازم است را مهیا سازیم، باید تهدیدها، محدودیت‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی کشور را بشناسیم و برای قدم گذاشتن در مسیر توسعه صادرات بهترین راه را پیدا کنیم.

وی ادامه داد: از مسئولان مربوطه درخواست کردیم در این همایش حضور داشته باشند تا با دغدغه‌ها و راهکارهای پیشنهادی بخش خصوصی آشنا شوند.

این عضو هیأت نمایندگان اتاق ایران با اشاره به حضور وزیر صنعت، معدن و تجارت و معاونان ایشان در این همایش خاطرنشان کرد: به طور حتم این حجم از حضور فعالان اقتصادی از طرف دیگر استقبال مسئولان دولتی از این همایش بیانگر انسجام و همکاری همه دستگاه‌های مربوط پیشبرد اهداف اقتصادی کشور است.

چرا بعضی آدم‌ها هرگز موفق نمی‌شوند؟

تک‌نگار

پاگرد در راه‌پله‌ها، زمینه‌ساز فراغت‌ی کوتاه برای انسان از فشار
ناشی از بالا رفتن از پله‌ها است و این پاگرد در مجله.....
کمیسیون انتشارات

۱- ارزش زمان را نمی‌فهمند.

■ هر کارآفرین موفق‌ی می‌داند زمان از خود پول ارزشمندتر است. - ریچارد برنسون
■ آدم‌های ناموفق برای وقت‌شان ارزش قائل نیستند. آنها همیشه همه‌جا هستند چون قادر نیستند وقت‌شان را به اهداف‌شان اختصاص دهند. و سال به سال قول و قرارهای جدید می‌گذارند که هرگز به بار نمی‌نشیند، فقط به این دلیل که به خودشان زحمت نمی‌دهند برای اهداف‌شان وقتی لازم را بگذارند.

■ مهارت‌های مدیریت زمان، یادگیری نه گفتن، و دانستن این‌که به چه تعهداتی باید پایبند باشید، گامی به سوی موفقیت بزرگ در هر حوزه‌ای از زندگی است.

۲- کارهایی هم‌سو با اهداف‌شان انجام نمی‌دهند.

■ "وقتی بدانید ارزش‌های‌تان کدام هستند، تصمیم‌گیری سخت نیست." - روی دیزنی
■ هرچه هدف مهم‌تر باشد در سلسله مراتب ارزش‌های‌تان بالاتر خواهد بود و نظم و ترتیب بیش‌تری در آن به کار خواهید برد.
■ آدم‌های ناموفق شلوغی و آشفتگی را با بهره‌وری اشتباه گرفته‌اند. آنها در هر کاری دستی دارند اما هیچ‌کدام از این کارها با ارزش‌ها و اهداف‌شان هم‌سو نیست.
■ اهداف‌تان را دفتر یادداشت‌های روزانه‌تان بنویسید و استراتژی‌هایی را به کار بگیرید که شما را به آنها نزدیک کند، این کار به شما کمک می‌کند چیزهایی را که با مقصودتان هم‌خوانی ندارند شناسایی کنید.

۴- مسئولیت‌پذیر نیستند

■ "به نظر می‌رسد آدم‌ها فکر می‌کنند موفقیت در یک زمینه، شکست در سایر زمینه‌ها جبران می‌کند، اما آیا واقعا این‌طور است؟

اثربخشی حقیقی مستلزم توازن است - استفان کاوی

■ اگر رئیس‌تان بد است و واقعا از شغل‌تان متنفر هستید این دلیل نمی‌شود که سست شوید و در کارتان ضعیف عمل کنید. شما برای این کار پول دریافت می‌کنید پس درست انجامش بدهید، این قانون کلی زندگی است که همان قدر به دست می‌آورد که مایه گذاشته‌اید. این عین پختگی و دانایی است که تحت هر شرایطی به دنبال ممتازی باشید.

■ آدم‌های ناموفق کسانی هستند که با نمره‌های بد مشکلی ندارند و برای یافتن روش مطالعه‌ی موثر که به یادگیری‌شان کمک کند، به خودشان زحمت نمی‌دهند، چون به هر حال برتری کم‌تر به هوش و بیش‌تر به برنامه‌ریزی خوب و آمادگی بستگی دارد و این باعث می‌شود احساس کنید باهوش‌تر هستید و این احساس به نوبه‌ی خود نتایج فوق‌العاده‌ای به بار می‌دهد.

۴- محدودیت‌های خودساخته دارند

■ "شما چیزی هستید که باور دارید" - اپرا وینفیری
■ آدم‌های ناموفق تمایل دارند جمله‌هایی را مثل "من در به خاطر سپردن شماره‌ها خوب نیستم"، "واقعا از درس خواندن متنفرم"، و "واقعا فکر نمی‌کنم بتوانم کسب‌وکاری راه بیندازم" بگویند.
■ آنها خودشان را محدود می‌کنند و رفتارشان را توجیه می‌کنند اما این واقعا فقط راهی است که اهداف‌شان را به قدری پایین انتخاب کنند که هیچ خطایی در آن نباشد و در نتیجه موفقیت کوچک‌تری به دست بیاورند.

■ از شر این تفکر خلاص شوید که فقط یک سری مهارت و استعداد مشخص برای وظایف مشخصی دارید، این تفکر را رها کنید

که به اندازه‌ی آدم‌ی دیگر باهوش نیستید. آن چه زندگی از شما می‌خواهد این است که بهتر است. خودتان باشید، به خاطر خودتان و به خاطر دیگران.

۵- در بهانه‌تراشی خوب هستند

■ اگر نمی‌توانید درستش کنید، حداقل کاری کنید که درست به نظر برسد" - بیل گیتس
■ آدم‌هایی هستند که برای نمی‌توانم‌ها و نباید‌ها دلیل و منطق پیدا می‌کنند. آنها گاهی این گرایش نفرت‌انگیز را با "واقع‌گرایی" اشتباه می‌گیرند.
■ آنها فاقد قدرت تصور هستند و برای توجیه این‌که چرا گاهی بعضی چیزها نباید باشند همیشه راهی پیدا می‌کنند اما هیچ وقت واقعا تلاش نمی‌کنند. بهترین چاره این است که هر وقت ذهن‌تان شروع به بهانه‌تراشی کرد آن را متوقف کنید و موتوری را که آن را آغاز کرده‌است از اول روشن کنید.

۶- آداب معاشرت نمی‌دانند

■ شما نمی‌توانید براساس رفتار یک فرد با کسانی که هیچ‌کاری برایش نمی‌کنند شخصیت او را قضاوت کنید. - یوهان ولفگانگ فون گوته
■ آدم‌های ناموفق معمولا هوش اجتماعی ندارند. آنها جمله‌هایی را مانند "خوب حداقل من روراست هستم" یا "من همین هستم، با من کنار بیا" می‌گویند. آنها نمی‌دانند با آدم‌های دیگر چه‌طور رفتار کنند و بیش‌تر اوقات دوست دارند بدون هیچ دلیل واضحی متکبر باشند.
■ آسان است که با آدم‌هایی که دوست‌شان دارید خوب و مودب باشید، اگر با آدم‌هایی که نمی‌توانید تحمل‌شان کنید یا آنها که دائما با شما مخالفت می‌کنند، خوب و مودب باشید، این نشانه‌ی شخصیت است.

مهارت های مورد نیاز مدیران در سازمان ها

امروزه علم مدیریت بعنوان یکی از علوم میان رشته ای از اهمیت بالائی برخوردار بوده و از ارکان هر سازمان با شرح وظایف و خدمات مختلف می باشد. داشتن مهارت برای مدیران لازمه اجرای مدیریت بوده که نوع مدیریت مورد نیاز آنها با توجه به اهداف سازمانی متغیر می باشد.

مهارت های سه گانه مدیریت

مهارت های مورد نیاز مدیران را بطور کلی می توان به صورت فنی، انسانی و ادراکی طبقه بندی کرد. مهارت به توانایی های قابل پرورش شخص که در عملکرد و بقای وظائف منعکس می شود بنابر این منظور از مهارت توانایی به کار بردن مؤثر دانش و تجربه شخصی است. ضابطه اصلی مهارت داشتن، اقدام و عمل مؤثر در شرایط متغیر است.

۱- مهارت فنی:

مهارت فنی یعنی دانایی و توانایی در انجام دادن وظایف خاص که لازمه آن ورزیدگی در کاربرد فنون و ابزار ویژه و شایستگی عملی در رفتار و فعالیت است. مهارت های فنی از طریق تحصیل، کارورزی و تجربه حاصل می شوند.

مدیران معمولاً این مهارت ها را طی دوره های آموزشی یا کارآموزی فرا می گیرند نظیر دانش، فنون و روش های برنامه ریزی،

بودجه بندی، کنترل، حسابداری، امور مالی، کارگزینی، کارپردازی و غیره ویژگی بارز مهارت، فنی آن است که به بالاترین درجه شایستگی و خبرگی در آن می توان دست یافت زیرا این نوع مهارت دقیق، مشخص، دارای ضوابط عینی و قابل اندازه گیری است.

۲- مهارت انسانی:

مهارت انسانی یعنی داشتن توانایی و قدرت تشخیص در زمینه ایجاد محیط تفاهم و همکاری و انجام دادن کار به وسیله دیگران، فعالیت مؤثر به عنوان عضو گروه، درک انگیزه های افراد و تأثیرگذاری بر رفتار آنان. مهارت انسانی در نقطه مقابل مهارت فنی است.

۳- مهارت ادراکی:

مهارت ادراکی یعنی توانایی درک پیچیدگی های کل سازمان و تصور همه عناصر و اجزای تشکیل دهنده کار و فعالیت سازمانی به صورت یک کل واحد (سیستم) به عبارت دیگر، توانایی درک و تشخیص اینکه کارکردهای گوناگون سازمان به یکدیگر وابسته بوده تغییر در هر یک از بخش ها، الزاماً بخش های دیگر را تحت تأثیر قرار می دهد. آگاهی از این روابط و شناخت اجزا و عناصر مهم در موقعیت های مختلف، مدیر را قادر می سازد که به طریقی تصمیم گیری یا اقدام کند که موجبات اثربخشی سازمان و رضایت کارکنان آن را فراهم نماید. اکتساب مهارت ادراکی (یا مفهومی) مستلزم آموزش نظریه های علوم رفتاری بویژه تئوری های سازمان، مدیریت و تصمیم گیری و کاربرد عملی آنهاست.

طبقه بندی سطوح مدیریت

در یک تقسیم بندی کلی مدیریت به سه سطح تفکیکی می گردد.

۱. عالی (ارشد)

۲. میانی (واسطه)

۳. عملیاتی (پایه) که اولین سطح مدیریت است

کار مدیران ارشد انطباق مسائل با تغییرات محیطی است. وی کسی است که وضعیت گذشته، حال و آینده (آنچه در پیش است) را می بیند و بدان توجه دارد ولی مدیران عملیاتی (پایه) فقط وضعیت حال را می بینند. یکی از مشکلات مدیران ما اینست که فقط جلوی پای خود را می بینند و به آینده توجهی ندارند.

۴- طبقه بندی مدیریت و مهارت:

اجماع نظریه پردازان مدیریت بر این است که سه نوع مهارت برای اجرای فرایند مدیریت وجود دارد که عبارتند از: مهارت فنی، مهارت انسانی و مهارت مفهومی یا ادراکی به عبارت دیگر بصورت کلی در سه سطح مدیریت مهارت های خاصی مورد نیاز است.

۵- ارزش نسبی مهارت ها:

همه مشاغل مدیریت مستلزم کاربرد مهارت است. گرچه در انجام دادن بعضی از وظایف، مهارت های سه گانه لازم و ملزوم یکدیگر به نظر می رسند، با وجود این، ارزش نسبی آنها در سطوح و رده های مختلف مدیریت فرق می کند. مدیران رده های سرپرستی به مهارت های فنی قابل ملاحظه ای نیاز دارند زیرا که وظایف آنها غالباً ایجاب می کند که زیردستان خود را راهنمایی کنند یا آموزش دهند. در مقابل مدیران رده بالای سازمان ها چندان نیازی به مهارت های فنی ندارند بلکه وظایف تصمیم گیری، برنامه ریزی و سازماندهی ایجاب می کند که به مهارت ادراکی قابل ملاحظه ای مجهز باشند.

مهارت های انسانی تقریباً لازمه انجام دادن همه وظایف در همه سطوح مدیریت است زیرا که مدیران صرف نظر از نوع وظایف یا سطح مسئولیت و مقام با افراد انسان سرو کار داشته برای جلب همکاری و اثرگذاری بر رفتار آنها باید از مهارت های انسانی برخوردار باشند. از این رو، امروزه، در مدیریت سازمان ها، تأکید بر مهارت های انسانی اولویت ویژه ای پیدا کرده است.

طَرَبِ سَرایِ محبتِ کنون شود مہمُو
کہ طاقِ ابروی یارِش مہندس شد
حافظ

خلفه ۱۴۵۵

افرادی که صلاحیت ندارند نباید در صنعت ساختمان مداخله کنند

وزیر راه و شهرسازی

آخوندی: من از بن دندان به استقلال سازمان نظام مهندسی ساختمان اعتقاد دارم و معتقد هستم اعضای این سازمان باید با کمترین وابستگی به دولت همه فرایندهای اجرایی خود را از مرحله برگزاری انتخابات هیئت مدیره تا اجرای وظایف محوله انجام دهند



وابستگی به دولت همه فرایندهای اجرایی خود را از مرحله برگزاری انتخابات هیئت مدیره تا اجرای وظایف محوله انجام دهند. این عضو کابینه دولت یازدهم با بیان اینکه من تنها براساس منافع ملی و اجرای قانون‌هایی که به وزیر واگذار شده است به حوزه سازمان نظام مهندسی ساختمان ورود می‌کنم گفت: هیچ تمایلی به دخالت در امور داخلی این سازمان در تهران و سایر استان‌ها ندارم اما به عنوان وزیر راه و شهرسازی از هیچ حمایتی نه از جنبه مداخله بلکه از جنبه سیاستگذاری عمومی دریغ نمی‌کنم.

لزوم منع مداخله افراد فاقد صلاحیت در صنعت ساختمان

وزیر راه و شهرسازی خاطرنشان کرد: حوزه سازمان نظام مهندسی ساختمان دو جنبه حرفه‌ای و ملی دارد؛ در جنبه حرفه‌ای، حفظ اصول و رفتارهای حرفه‌ای مهندسی ساختمان مد نظر است و در جنبه ملی نیز حفظ منافع سازندگان که مردم ایران هستند باید لحاظ شود. بنابراین در بخش حفظ اصول حرفه‌ای وظیفه شما به عنوان اعضای هیئت مدیره سازمان نظام مهندسی ساختمان این است که به نحوی سیاستگذاری کنید که این اصول حفظ شود و مهمترین آنها منع مداخله افراد

و تشکل‌های حرفه‌ای، دکتر فریبرز واحدی مدیرکل راه و شهرسازی استان تهران و مدیران و مقامات اجرایی مدیریت شهری و راه و ساختمان کشور حضور داشتند، ۲۵ نفر اعضای اصلی و ۷ نفر اعضای علی‌البدل هیئت مدیره، اعتبارنامه‌های خود را دریافت کردند. وزیر راه و شهرسازی با بیان این‌که اصل اخلاق حرفه‌ای مهندسی مبنی بر نپذیرفتن منافع متضاد باید به یک نظام‌نامه قانونی و حرفه‌ای تبدیل شود گفت: قرار است نظام ملی ساخت و ساز را با مشارکت همه مهندسان تدوین کرده و آن را در هیأت وزیران به تصویب برسانیم.

آخوندی ضمن تبریک به اعضای منتخب هفتمین دوره هیئت مدیره نظام مهندسی ساختمان که توانستند اعتماد مهندسان را جلب کنند افزود: مسئولیت بزرگی هم برای حفظ جایگاه مهندسان هم برای حفظ منافع مردم ایران بر عهده شما قرار دارد چراکه اقداماتی که شما در این سازمان انجام دادید هم جنبه حرفه‌ای و هم جنبه ملی دارد. وی نخستین بحث را در حوزه سازمان نظام مهندسی ساختمان مطرح و اظهار کرد: من از بن دندان به استقلال سازمان نظام مهندسی ساختمان اعتقاد دارم و معتقد هستم اعضای این سازمان باید با کمترین

دکتر عباس آخوندی وزیر راه و شهرسازی ضمن تبریک به اعضای هفتمین دوره هیئت مدیره سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران بر تلاش همه جانبه هیئت مدیره سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان در راستای تامین حقوق حرفه‌ای و حقوق شهروندی تاکید کرد.

آخوندی در مراسمی که ۲۴ آبان ماه به مناسبت اعطای اعتبارنامه‌های اعضای هفتمین دوره هیئت مدیره سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران در محل وزارت راه و شهرسازی برگزار شد، با اشاره به اینکه توزیع کار و وظیفه هیئت مدیره‌ها نیست، افزود: امیدواریم امور به سمتی پیش برود که انتخاب مهندسان برای انجام امور ساخت و ساز توسط شهروندان انجام شود.

وی در ادامه ضمن تاکید بر ضرورت استقلال سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان گفت: نظارت بر عملکرد سازمان‌های نظام مهندسی فقط در حیطه قوانین صورت می‌گیرد و در حوزه‌هایی که در این قوانین مورد اشاره قرار نگرفته است، نظارت و دخالتی صورت نخواهد گرفت.

در این مراسم که دکتر حامد مظاهریان معاون امور مسکن و ساختمان، دکتر منوچهر شیبانی اصل مدیرکل دفتر سازمان‌های نظام مهندسی

فایده صلاحیت در صنعت ساختمان است. وی ادامه داد: من با قانون منع مداخله کاملاً موافق هستم و معتقدم افرادی که صلاحیت ندارند نباید در صنعت ساختمان مداخله کنند؛ این صنعت حرفه‌ای بزرگ با شاخه‌های فراوان و پیشرفت علمی زیاد است. بنابراین اجرای اصل منع مداخله بسیار سخت و پیچیده است ولی باید اجرا شود. آخوندی سپس به موضوع امکان ایجاد بازار حرفه‌ای سالم در صنعت ساختمان پرداخت و گفت: نکته بسیار مهم در حوزه نظام مهندسی ساختمان این است که داد و ستد کار در یک بازار شفاف ایجاد شود چرا که همه قوانین ما به خصوص قانون اساسی بر ایجاد بازار رقابتی اصرار دارند. وزیر راه و شهرسازی تأکید کرد: اصل توزیع کار توسط هیئت مدیره ۱۰۰ درصد خلاف قانون، خلاف اصل بالندگی مهندسان و دقیقاً برخلاف قانون اساسی و حق انتخاب شهروندان است. من تمام تلاش‌م را می‌کنم تا توزیع کار میان مهندسان در یک بازار رقابتی انجام شود و از ایجاد بازار بروکراتیک جلوگیری می‌کنم. وی افزود: دو اصل منع مداخله و رقابت در بازار خدمات مهندسی و حرفه‌ای و همچنین جلوگیری از توزیع کوپنی کار از سوی هیئت مدیره نظام مهندسی ساختمان میان مهندسان در راس اقدامات من قرار دارد. آخوندی با بیان اینکه هیئت مدیره‌های نظام مهندسی ساختمان در بخش دیگری از اقدامات خود باید نگران منافع مصرف‌کننده باشند اظهار کرد: در هر امر حرفه‌ای باید این موضوع را بدانیم که آن حرفه یک فعالیت پیچیده و تخصصی است و آن تخصص در اختیار همگان قرار ندارد و این موضوع ممکن است مورد سوء استفاده واقع شود بنابراین باید مراقب باشیم تا در حرفه ساختمان منافع مصرف‌کننده را لحاظ کنیم دولت نیز به عنوان نماینده مردم به طور مستمر پایش می‌کند که این خدمات مهندسی با چه کیفیتی به مردم ارائه می‌شود. این عضو کابینه دولت یازدهم با تأکید بر اینکه منافع ملی نیز برای من بسیار مهم است افزود: اجرای مقررات شهرسازی به اندازه مقررات ملی ساختمان لازم‌الاجرا است. شما به شهر که نگاه می‌کنید حجم انبوهی از ساختمان‌های غیرقانونی را می‌بینید که

همه آن‌ها توسط یک مهندس که مقررات شهرسازی را رعایت نکرده است تأیید شده‌اند شاید این مهندس، مقررات ملی ساختمان را رعایت کرده باشد ولی مقررات شهرسازی را زیر پا گذاشته است بنابراین همه مهندسان موظفند هم مقررات ملی ساختمان و هم مقررات شهرسازی را رعایت کنند. وی با بیان اینکه اگر شهرداری پایان کار یا پروانه یک ساختمان را صادر کند به هیچ وجه مجوزی برای رفتار خلاف قانون توسط مهندس ساختمان نمی‌شود همین‌طور اگر عضو شورای شهر یا وزارت راه و شهرسازی چنین اقدامی کرده باشد هرکدام در جایگاه خودشان مسئول هستند. آخوندی ادامه داد: اعضای این دوره هیئت مدیره نظام مهندسی ساختمان غیر از مسئولیت اجرای وظایف محوله مسئولیت اجتماعی ارتقای حیثیت مهندسان را نیز در دستور کار دارند. وی درباره راه حل احیای حیثیت مهندسی ایران توضیح داد: تنها راه حل این است که منافع ملی و قانون را بر هر چیزی اولی بدهیم. وقتی گفته می‌شود ۶۵ درصد درآمد شهرداری‌ها از محل فروش تراکم ساختمانی است به این معنا است که نظام مالی شهرداری ناسالم است. همه ما شهروند این کشوریم و باید بر اجرای قانون نظارت داشته باشیم نه اینکه تسهیل‌کننده تخلفات باشیم. من تازمانیکه مسئولیت داشته باشم برای حفظ منافع ملی به هیچ وجه کوتاه نمی‌آیم. وی با تأکید بر رعایت حقوق مهندسان از سوی سازمان نظام مهندسی ساختمان گفت: اگر حقوق مهندسان تأدیه نشود نباید آخوندی سپس موضوع عدم تضاد منافع

دو اصل منع مداخله و رقابت در بازار خدمات مهندسی و حرفه‌ای و همچنین جلوگیری از توزیع کوپنی کار از سوی هیئت مدیره نظام مهندسی ساختمان میان مهندسان در راس اقدامات من قرار دارد.



را مطرح و اظهار کرد: اصلی‌ترین بحث در اقدامات عملیاتی سازمان نظام مهندسی این است که به سمتی حرکت کنیم که رفتارهای غیر حرفه‌ای از بین برود و اصلی‌ترین این رفتارها تضاد منافع خصوصی و ملی، قرار گرفتن در دو طرف میز، منافع ملی و منافع مصرف‌کننده، منافع ملی و منافع صنفی و نهایتاً هرگونه تضاد منافع است که باید با آن مبارزه کنیم.

وزیر راه و شهرسازی مبحث بعدی را لزوم بازنگری بنیادین در نظام ساخت و ساز عنوان و خاطر نشان کرد: در حال حاضر نظام شهرسازی و ساخت و ساز ایران دچار یک نابه‌سامانی است که این نارسایی سبب شده مردم فکر کنند مهندسان مقصرند در حالیکه نظام ملی ساخت و ساز است که مملو از نارسایی است و این نارسایی، نابه‌سامانی ساخت و ساز شهری را ایجاد کرده است. قرار است که نظام ملی ساخت و ساز با مشارکت همه مهندسان تدوین شده و آن را در هیئت وزیران به تصویب برسانیم.

در این مراسم حبیب‌اله بیطرف، مهدی روانشادینیا، بیژن خطیبی، علی نبی زاده، مهیار فرنی، سید مهدی زرگر، احمد خرم، حسن قربانخانی، سعید کروی و حمزه شکیب اعضای اصلی و سعید غفرانی عضو علی‌البدل رشته عمران، بهمن مومنی مقدم و شمس نوبخت دودران اعضای اصلی و غلامرضا لشگری عضو علی‌البدل رشته نقشه برداری، کامبیز رضوی عضو اصلی و حسن زیاری عضو علی‌البدل رشته ترافیک، حیدر جهان بخش، فرهام مقدم راد، محمد طاهری، ایرج معزی، امیرحسین دزفولیان و الهه رادمهر اعضای اصلی و سعید سعیدیان عضو علی‌البدل رشته معماری، جابر نصیری عضو اصلی و حکمت امیری عضو علی‌البدل رشته شهرسازی، حسین اکبریان راد، محمود مقدم و رامین کرمی اعضای اصلی و سید علیرضا میرجعفری عضو علی‌البدل رشته مکانیک و سید محمد هاشمی و علی کریمی آنچه اعضای اصلی و کامران تیموری عضو علی‌البدل رشته برق با دریافت اعتبارنامه های یاد شده، فعالیت خود را به عنوان اعضای هفتمین دوره هیات مدیره سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران آغاز کردند.

۶۰ درصد اقتصاد ایران مالیات نمی‌دهد

گزارش رئیس کل سابق سازمان امور مالیاتی



دکتر علی عسگری رئیس کل سابق سازمان امور مالیاتی اعلام کرد بیش از نیمی از اقتصاد ایران مالیات پرداخت نمی‌کنند. به گفته او، در حال حاضر ۴۰ درصد کل اقتصاد کشور از مالیات معاف هستند و ۲۰ درصد اقتصاد نیز مربوط به فعالیت زیرزمینی است که این گروه نیز مالیات پرداخت نمی‌کنند. عسگری با بیان این موضوع تاکید کرد که معافیت‌های مالیاتی در کشور نسبت به سایر کشورها در حد بالایی قرار دارد که باید به برخی از این بخش‌ها مانند فعالیت‌های سود آور در بخش کشاورزی، بازرگانی و فعالیت در مناطق آزاد رسیدگی شود. به اعتقاد این مقام مسوول، ۳۳ درصد از اصناف از مالیات معاف هستند که به دلیل عدم شفافیت در این بخش، مالیات‌ستانی در وضعیت مناسبی قرار ندارد.

نسبت پایین مالیات در تولید

به گفته علی عسگری در هفت ماه نخست سال جاری معادل ۳۶ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان درآمد مالیاتی کسب شده که این آمار تحقق ۸۴ درصدی آمار مالیاتی در هفت ماه را تایید می‌کند. به گفته او، درصد تحقق مالیات‌ها در هفت ماه مشابه سال قبل معادل ۹۰ درصد بوده است. عسگری درباره

اثربخشی سیاست‌های مالیاتی بر دوره رکود کشور به مقایسه نسبت درآمدهای دریافتی با کشورهای توسعه یافته پرداخت. براساس گفته او، در کشورهای توسعه یافته، مالیات معادل بیش از ۲۵ تا ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی است که وقتی رکود بر اقتصاد حاکم می‌شود، این وزن در کل اقتصاد عدد بالایی به حساب می‌آید. اما در اقتصاد ایران درآمدهای مالیاتی مساوی کمتر از هفت درصد تولید ناخالص داخلی است؛ بنابراین در اقتصاد ایران، سایه مالیات‌ها آنقدر سنگین نیست که تصور کنیم با کاهش آن تحرکی در اقتصاد به وجود می‌آید. البته با استفاده از ظرفیت‌های قانونی، در جهت خروج از رکود، اقداماتی از جمله تقسیت مالیات دریافتی صورت گرفته است. عسگری با مقایسه نرخ‌های مالیاتی دریافتی با کشورهای توسعه یافته تشریح کرد که نرخ‌های مالیات در اقتصاد ایران از دیگر کشورها بیشتر نیست. به گفته او، نرخ مالیات اشخاص حقوقی در ایران ۲۵ درصد و در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، بیش از ۲۵ درصد است. حتی در اروپا تا ۳۵ درصد مالیات اخذ می‌شود. همچنین نرخ مالیات بر ارزش افزوده در ایران ۹ درصد است؛ در حالی که کمتر کشور توسعه یافته‌ای با نرخ مالیات زیر ۱۵ درصد وجود دارد. البته این نکته هم وجود دارد که سباز اقتصاد آن کشورها بزرگ‌تر است و پوشش پرداخت مالیات در آن به مراتب گسترده‌تر از اقتصاد ایران است. رئیس کل سازمان امور مالیاتی درخصوص مرزبندی مالیاتی در کشور تشریح کرد که در اقتصاد ایران، از ۴۰ درصد اقتصاد مالیات دریافت می‌شود، ۴۰ درصد نیز پرداخت مالیات معاف هستند. همچنین ۲۰ درصد نیز سهم اقتصاد زیرزمینی و غیرشفاف است که امکان دریافت مالیات وجود ندارد. این مقام مسوول نتیجه‌گیری کرد که در مجموع از ۶۰ درصد اقتصاد ایران مالیات دریافت نمی‌شود.

چتر گسترده معافیت‌های مالیاتی

عسگری در گفت‌وگو با نشریه تجارت فردا، به موارد متعدد معافیت‌های مالیاتی در کشور اشاره کرده است. براین اساس، بخش

کشاورزی که حدود ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی ایران را تشکیل می‌دهد، در حال حاضر مالیات نمی‌پردازد که البته می‌توان از بخش‌های سودآور در حوزه کشاورزی، مالیات دریافت کرد ولی تاکنون سازمان امور مالیاتی سراغ آن نرفته است. همچنین به گفته او، در ایران صادرات نیز از پرداخت مالیات معاف است که البته این بخش در بسیاری از کشورهای دیگر، اعم از توسعه یافته و در حال توسعه نیز مالیاتی نمی‌پردازد. بخش دیگری که از معافیت‌های مالیاتی، برای سرمایه‌گذاری در مناطق محروم و سایر زیربخش‌های اقتصادی مانند تعاونی و گردشگری است، همچنین بخش فرهنگی نیز از مالیات معاف است. این مقام سابق مالیاتی معافیت‌های مالیاتی را نسبت به کشورهای دیگر، گسترده‌تر و بیش از حد ارزیابی‌ها می‌داند. به گفته او، در ایران نرخ ترجیحی، اعتبار سرمایه‌گذاری و اعتبار مالیاتی به صورت همزمان وجود دارد و در گمرک و بخش‌های دیگر نیز نرخ‌های ترجیحی برای برخی از فعالیت‌های اقتصادی در نظر گرفته شده است. عسکری در خصوص سازوکار معافیت‌های مالیاتی در مناطق آزاد نیز توضیح داد که هم‌اکنون در مناطق آزاد اقتصادی کشورها، چیزی که به آن معافیت تعلق می‌گیرد، سرمایه‌گذاری است. به عبارت دیگر به سرمایه‌گذاری و صادرات معافیت مالیاتی داده می‌شود؛ نه به واردات به مناطق آزاد. حتی اگر قرار بر این است که معافیت اعطا شود، لااقل برای نظارت و کنترل مناطق آزاد اقتصادی، سهمی از مالیات‌ها دریافت می‌شود. به گفته او، در بسیاری از کشورهایی که مناطق آزاد اقتصادی دارند، بخش سرمایه‌گذاری و صادرات برای دوره‌ای از پرداخت مالیات معاف است. همچنین فعالیت‌های تجاری واردات به طور کلی معافیت مالیاتی ندارند؛ یا تنها از بخشی از معافیت‌ها برخوردار هستند. مثلاً برای این بخش‌ها نرخ‌های ترجیحی می‌گذارند؛ یا آنها را قدری تحت کنترل قرار می‌دهند تا بتوانند متوجه شوند که آیا این فعالیت‌ها به صورت شفاف انجام می‌گیرد یا نه. از این

لحاظ می‌توان گفت ایران، معجون بسیاری از معافیت‌ها و تسهیلات را برای فعالیت‌های مختلف دارد.

در اصفاف به شفافیت نرسیدیم

رئیس کل سابق سازمان امور مالیاتی کشور در بخش دیگری از صحبت‌های خود به جغرافیای معافیت‌های مالیاتی در اصفاف اشاره کرد. به گفته او، در ایران به استثنای مشاغل خودرو، حدود دو میلیون و ۹۰۰ هزار فعال صنفی داریم که از این تعداد، ۳۳ درصد از پرداخت مالیات معاف هستند. آنها به سازمان مالیاتی اظهارنامه ارائه می‌کنند، ولی یک ربال مالیات پرداخت نمی‌کنند. عسکری عنوان کرد که در استان‌ها، این نرخ یکسان نیست. به عنوان مثال در تهران حدود ۱۵ تا ۱۶ درصد اصفاف معاف هستند و در سیستان و بلوچستان، حدود ۴۵ درصد معاف هستند. در ایلام و استان‌هایی از این دست، بیش از ۴۰ درصد پرونده‌ها، اگرچه اظهارنامه می‌دهند، از پرداخت مالیات معاف هستند و حدود ۷۳ درصد مودیان، زیر ۵۰۰ هزار تومان مالیات می‌دهند. تنها ۵ درصد مودیان، بالای پنج میلیون تومان مالیات پرداخت می‌کنند؛ اما همین ۱/۵ درصد در کل کشور کافی است که تمام قاعده بازی را به هم بزنند. به گفته عسکری، در سال‌های اخیر بر اساس شناسایی‌هایی که در نظام مالیاتی انجام شده، دقت آنالیزهای سازمان امور مالیاتی افزایش یافته و همه آنها روی کاغذ و صفحه مانیتور آمده است. مودی

مالیاتی اطلاع دارد که اگر تا امروز نزد سازمان مالیاتی یک مودی پنج میلیون تومانی به حساب می‌آمد، چنانچه قبول کند مالیاتش ۱۰۰ میلیون تومان است، از این پس یک مودی ۱۰۰ میلیون تومانی خواهد بود و دیگر مودی پنج میلیونی نیست. برای برهم زدن این قاعده بازی، حاضر است هراقدامی انجام دهد. او می‌خواهد قاعده بازی ۱۰۰ میلیونی را برهم بزند.

اصفاف در سال ۱۳۹۳، پنج درصد کل مالیات‌ها را پرداخت کرده‌اند؛ در حالی که ۳۳ درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهند. هفت درصد مالیات‌های مستقیم را پرداخت کرده‌اند؛ اگر مالیات بر ارزش افزوده و کالا و خدمات را در نظر بگیریم. به گفته او، اصفاف در یک دهه گذشته ۱۴ درصد مالیات می‌پرداختند و این رقم در حال حاضر کاهش یافته است. در نتیجه به باور عسکری این موضوع نشان می‌دهد در بخش‌های دیگری از اقتصاد، شفافیت بیشتر شده و سهم درآمدها بالا رفته است، ولی در بخش اصفاف هنوز به شفافیت بخش‌های دیگر نرسیده‌ایم. امروزه شفافیت اشخاص حقوقی، بیشتر از مشاغل است. به همین دلیل سهم آنها در مالیات افزایش یافته و سهم اصفاف پایین آمده است. این مقام مسوول در خصوص اهرم‌های مالیاتی لحاظ شده در لایحه خروج از رکود معتقد است سازمان امور مالیاتی تمهیداتی را برای بخش‌های سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های تولیدی در نظر گرفته است. به گفته او، در قالب مواد ۱۳۲ و ۱۳۸ قانون مالیات‌ها، معافیت‌های بخش تولید گسترده‌تر شد. همین‌طور دایره معافیت‌ها برای آن دسته از سرمایه‌گذاران خارجی که با برند یا به صورت مشارکت با سرمایه‌گذاران ایرانی فعالیت می‌کنند، توسعه پیدا کرد. افزایش معافیت‌ها در بخش‌های حمل و نقل، گردشگری و بهداشت و درمان معافیت‌ها نسبت به قانون فعلی از جمله دیگر مواردی است که در لایحه خروج از رکود به آن اشاره شده است.

اصفاف در سال ۱۳۹۳، ۵ درصد کل مالیات‌ها را پرداخت کرده‌اند؛ در حالی که ۳۳ درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهند. هفت درصد مالیات‌های مستقیم را پرداخت کرده‌اند؛ اگر مالیات بر ارزش افزوده و کالا و خدمات را در نظر بگیریم



وزیر راه و شهرسازی در آخرین روزهای آذرماه در پی متوقف شدن طرح واقعی سازی قیمت قطار از سوی سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولیدکنندگان به شدت از این اقدام انتقاد کرد و در اظهارات کم سابقه ای خواستار انحلال سازمان‌های قیمت گذاری شد که به گفته وی با نگرش سوسیالیستی و مارکسیستی به مکانیسم قیمت گذاری ورود می کنند. این اظهار نظر آخوندی که طی آن خواستار ورود مجلس به ماجرا شده و همچنین از ارائه این پیشنهاد به دولت برای گنجاندن آن در برنامه پنج ساله ششم خبر داده بود، با واکنش‌ها و بازتاب‌های زیادی مواجه شد. برخی از این رویکرد استقبال و برخی از آن انتقاد کردند. در میان چهره‌های اقتصادی دکتر موسی غنی‌نژاد و دکتر محمود جامساز هر کدام از زاویه‌ای به این موضوع توجه کرده‌اند که در پی می آید:

دکتر موسی غنی نژاد:

ضرورت‌های خروج دولت از قیمت گذاری

دولت از قیمت‌گذاری گفت: سخنان وزیر راه و شهرسازی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است چرا که برای نخستین بار است که عضوی از دولت خود منتقد عملکرد برخی نهادهای دولتی در اقتصاد می‌شود. این کار شجاعانه و شایسته تقدیر است. او گفت: از همان روزی که اظهارات ایشان در رسانه‌ها منعکس شد پیش‌بینی می‌شد که در ادامه حملاتی به منطق و اسلوب فکری ایشان صورت گیرد و ممکن است برخی مدعیان، ایشان را به انواع اتهامات ناجوانمردانه و بی‌پایه متهم کنند.

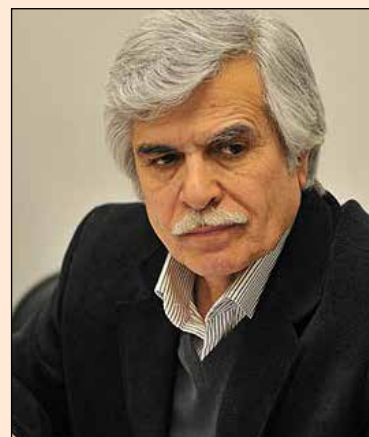
دکترموسی غنی‌نژاد اظهارات وزیر راه و شهرسازی در خصوص انحلال سازمان حمایت و خروج دولت از قیمت‌گذاری را شجاعانه دانست و پیشنهاد کرد دولت لایحه مستقلی در این خصوص تهیه کند و برای تصویب به مجلس ارائه دهد تا با قانونی شدن آن اقتصاد ملی یک بار برای همیشه از شر قیمت‌گذاری دولتی خلاص شود. موسی غنی‌نژاد در گفت‌وگو با اقتصادنیوز، با اشاره به اظهارات وزیر راه و شهرسازی در خصوص انحلال سازمان حمایت و خروج

کمونیستی است اما این پرسش مطرح است که اساسا نفس مجموعه اقتصاد دولتی نفتی رانته کشور ما با کدام رژیم اقتصادی در دنیا همخوانی دارد؟ وی افزود: اگر رژیم اقتصادی نفتی خود را سرمایه داری بدانیم این سرمایه داری از نوع شدید دولتی محسوب می‌شود چرا که مالکیت و تصدی‌گری حجم عظیمی از اقتصاد کشور - گفته می‌شود چیزی بین ۸۵ تا ۹۰ درصد - در اختیار دولت قرار دارد. جامساز ادامه داد: از سویی دیگر مسلمان بسیاری از بنگاه‌های تولیدی و خدماتی و عمومی در اختیار دولت قرار دارند و محصولات آنان هم دولتی است و رقیبی برای این افراد و بنگاه‌ها نیست چرا که رقیب تنها در یک بازار آزاد رقابتی می‌تواند حضور داشته باشد و بر قیمت‌ها اثرگذار در غیر این صورت اگر بازار در اختیار یک قدرت اقتصادی بزرگ قرار بگیرد به معنای سرکوب

کارشناس مسایل اقتصادی با بیان اینکه آنچه وزیر راه و شهرسازی درباره انحلال سازمان حمایت در نظر دارد، آرمان‌گرایی مطلق است، گفت: طی ۳۷ سال گذشته بازار همواره به نابازار تبدیل شده است. سازمان حمایت از مصرف‌کننده و تولیدکننده یک سازمان بی‌معنایی است که نه حقوق مصرف‌کننده را رعایت می‌کند و نه حقوق تولیدکننده را. محمود جامساز در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا با اشاره به اظهارات اخیر وزیر راه و شهرسازی درباره انحلال سازمان حمایت از مصرف‌کننده و تولیدکننده اظهار کرد: به گفته یکی از مقامات ارشد دولتی سازمان حمایت از مصرف‌کننده و تولیدکننده باید منحل شود و پیشنهاد انحلال این نهاد را هم در تدوین برنامه ششم توسعه مطرح کرده است و دلایلی که آورده شده آن است تعیین قیمت برای اقتصادهای سوسیالیستی و یا

دکتر محمود جامساز :

تعیین قیمت‌ها در ذات اقتصاد نفتی نهفته است



این اقتصاددان افزود: اجرای پیشنهاد آقای دکتر آخوندی گامی ضروری و اساسی برای اجرای اهداف سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و نهایتاً رشد مستمر اقتصاد ایران و خروج از بن بست فعلی رکود تورمی است. اقتصاد ایران برای ورود به صحنه اقتصاد جهانی و عضویت در سازمان تجارت جهانی نیاز دارد تا به سمت آزادسازی و ایجاد اقتصاد رقابتی پیش رود از این رو ادامه کار نهادهایی چون سازمان حمایت و سازمان تعزیرات حکومتی موانع مهمی در این مسیر هستند. این سازمان‌های ضد تولید، ریسک سرمایه‌گذاری در ایران را به شدت بالا می‌برند و موجب گریز سرمایه‌ها و سرمایه‌گذاران از کشور می‌شوند. او تصریح کرد: از سال ۸۴ که سیاست‌های کلی اصل ۴۴ ابلاغ شد چنین سازمان‌هایی باید منحل می‌شدند که با روی کار آمدن یک دولت پوپولیستی درست برعکس عمل شد و عملاً با اقداماتی نظیر سهام عدالت و اجرای دیگر سیاست‌های نادرست اقتصادی و دولتی‌تر کردن اقتصاد، این سیاست‌های کلی کاملاً زمین‌گیر شدند. او گفت: جای خوشحالی است که یک عضو

کابینه معتقد به ساز و کار بازار با این صراحت از قیمت‌گذاری دولتی انتقاد می‌کند اما باید تاسف خورد که وزارتخانه‌های ذی‌ربط که باید بستر لازم را برای رقابتی کردن و آزادسازی اقتصاد ایران فراهم آورند در این زمینه سکوت کرده‌اند یا حتی بعضاً عکس‌العمل منفی نشان داده‌اند. غنی‌نژاد افزود: ظاهراً بنا است در برنامه ششم توسعه، سازمان حمایت تعیین تکلیف شود. با توجه به حساسیت موضوع به نظر می‌رسد بهتر است دولت لایحه مستقلی تهیه کند و جداگانه به مجلس پیشنهاد دهد تا چنین سازمان‌هایی منحل و قیمت‌گذاری دولتی برای همیشه ممنوع شود. این اقتصاددان با اشاره به اینکه برخی انتقاد کرده‌اند که چرا وزیر راه، انگ سوسیالیستی و مارکسیستی را به نهادهای جمهوری اسلامی زده است، گفت: کسانی که چنین انتقاداتی را مطرح کرده‌اند بهتر است یکبار هم که شده تاریخ ۳۷ ساله جمهوری اسلامی و خاطرات مسولان آن را بخوانند آنگاه متوجه خواهند شد که برخی از مقامات عالیرتبه نظام خود اقرار کرده‌اند که قانون اساسی جمهوری

اسلامی تحت تفکرات چپ نوشته شده و مطلبی که دکتر آخوندی در این باره گفته‌اند واقعیت است و اتهام نیست. او افزود: طرفه این که ریشه سازمانی چون سازمان حمایت و اصولاً تفکر قیمت‌گذاری نه فقط به تفکرات اقتصادی چپ‌گرایانه اوایل انقلاب اسلامی بلکه فراتر از آن به اصل ۱۴ انقلاب سفید شاه برمی‌گردد که در سال ۱۳۵۴ اعلام شد و عنوان دقیق آن این است: «تعیین و تثبیت مداوم قیمت‌ها و توزیع صحیح کالاها بر اساس سود عادلانه، مبارزه پی‌گیر با استثمار مصرف‌کنندگان و پایان عادت ناپسند گران‌فروشی». غنی‌نژاد گفت: آنچه در این اصل ملوکانه بیان شده دقیقاً با مأموریت سازمان حمایت تطبیق می‌کند و این تصادفی نیست چون مادر بزرگ این سازمان یعنی «مرکز بررسی قیمت‌ها» که در سال ۱۳۵۴ تأسیس شد مأموریت اجرای این اصل را بر عهده داشت. البته تأثیرپذیری رژیم سلطنتی از اندیشه‌های اقتصادی چپ‌گرایانه خود حکایت دیگری است و نشان از گرفتاری تاریخی ما در خصوص تفکرات اقتصادی و سیاسی دارد.

رقبای بخش خصوصی ضعیف است. وی ادامه داد: البته اگر تولیدکننده بخش دولتی باشد قیمت‌ها همواره در جهت حفظ منافع آنان خواهد بود بنابراین از آنجایی که رژیم اقتصادی ما یک مجموعه اقتصاد دولتی نفتی رانتی است بنابراین تعیین قیمت در ماهیت و ذات این رژیم اقتصادی نهفته است. جام ساز گفت: حال اگر بخواهیم وارد بحث بازار و اقتصاد بازار شویم که البته یکی از رویکردهای مهم فراموش شده سیاست‌های کلی نظام است لازم است که این بازار را در مجموعه اقتصادی دولتی نفتی تحلیل کنیم. وی ادامه داد: باید دید آیا با وجود چنین مجموعه اقتصادی که در حال حاضر در اقتصاد کشور ما سایه انداخته است و بخش خصوصی را درمحاق قرار داده است می‌توان بازار آزاد رقابتی

داشت که قیمت‌ها بر اساس مکانیزم آن یعنی عرضه و تقاضا شکل بگیرد و قیمت‌های عادلانه که علامت‌های درستی را به سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی به منظور سرمایه‌گذاری در حوزه‌هایی که بیشترین منافع را داراست، بدهد؟ مسلماً شرایط بازار ما چنین نیست. این کارشناس مسایل اقتصادی تأکید کرد: حتی اگر سازمان حمایت از مصرف‌کننده و تولیدکننده منحل شود وضعیت چندان تغییری نخواهد کرد. چرا که محصولات دولتی به بخش خصوصی اجازه ورود به بازار انحصاری را نخواهد داد، چه چنین سازمانی وجود داشته یا نداشته باشد. وی گفت: اساس کار و مشکل بزرگ ما مجموعه دولتی بودن اقتصاد است که با نفت و رانت عجین شده است و یک مجموعه اقتصادی نفتی رانتی سرمایه‌داری ایدئولوژیک را به

وجود آورده است. وی با بیان اینکه آنچه که وزیر راه و شهرسازی در نظر دارد جز یک آرمان‌گرایی مطلق چیزی نیست چرا که برای تحقق آرمان‌ها باید ملزومات لازم وجود داشته باشد، یعنی آرمان‌گرایی توأم با عملگرایی باشد، تأکید کرد: معتقدم کشور ما نظام اقتصادی ندارد چرا که یک نظام قدرت خود تصحیحی دارد یعنی ارکان و اجزای این نظام از نظم خاصی برخوردار باشد و متغیرها هر کدام در جای بهینه خود بنشینند ولی در یک مجموعه اقتصادی که معتقدم که اقتصاد دولتی ما از همین جنس است نظمی وجود ندارد و دستورات اقتصادی است که از بالا به پایین به این مجموعه تزریق می‌شود و اقتصاد را ناچار می‌کند که در یک مسیر مشخصی حرکت کند و متغیرها تحت تأثیرات درون سیستمی نیستند.

فدراسیون آب پس از سه سال تلاش آفتابی شد

۲۵ آبان با عزم بخش خصوصی فدراسیونی جدید متولد شد

با همکاری بنیاد آب ایرانیان شروع کردیم و از همراهی اتاق بازرگانی نیز برخوردار بودیم. وی با تشریح مأموریت اصلی فدراسیون که در اساسنامه آمده، چشم انداز آن را تأمین و دسترسی همگان به آب سالم با رویکرد توسعه پایدار دانست و با تشریح مأموریت‌های فدراسیون گفت: با تشکیل این فدراسیون ما از تریبونی قوی در اتاق بازرگانی ایران برخوردار می‌شویم و بخش خصوصی از این تریبون سازنده دفاع خواهد کرد.

در ادامه «هومن حاجی‌پور» معاون تشکل‌های اتاق ایران با ابلاغ پیام آقای جلال پور درباره حمایت اتاق از تشکیل فدراسیون‌ها، گفت: امیدواریم آغازگر یک انسجام جدید و حرکت نو در فعالیتهای تشکلی باشیم چرا که در شرایطی هستیم که چاره‌ای جز انسجام و هماهنگی و ایجاد نهادهای واحد که برخاسته از حضور همه دست‌اندرکاران حوزه آب باشد، نداریم. مشکلات حوزه آب عمدتاً در اثر تصمیم‌گیری‌های نادرست و غیراصولی و غیرکارشناسی است و راه برون‌رفت هم از همین مسیر یعنی تصحیح روش‌های مدیریتی و اتخاذ تصمیم درست می‌گذرد. در شرایط فعلی می‌توان این امر را امتیاز دانست که زیرساخت‌های قانونی فراهم شده که مشارکت فعالان بخش خصوصی را جلب می‌کند. در قانون بهبود کسب و کار تکلیف متعددی برای دولت و بخش خصوصی مشخص شده که بدون هماهنگی این دو بخش هیچ تصمیمی در فضای اقتصادی گرفته نشود.

وی افزود: در شرایط امروزی خلاء کارشناسی در دولت و حتی در بدنه تصمیم‌ساز مجلس مشهود است که این خلاء باید توسط بخش خصوصی تأمین شود. شما به عنوان کارشناس می‌توانید علاوه بر انسجام‌سازی، مقررات زائد و دست و پاگیر را در فضای کسب و کار اصلاح کرده، قوانین و رویه‌ای جدیدی وضع کنید. از فدراسیون صنعت آب انتظار می‌رود استراتژی صنعت آب را ارائه داده آن را به تابلوی راهنمایی تبدیل کند که هیچ تصمیم‌گیرنده و نهادهای از آن عدول نکنند و منافع ملی در این مسیر مدنظر باشد. در پایان از مهندس خزاعی و تشکلهای وابسته به اتاق که زحمت زیادی در جریان ایجاد فدراسیون کشیدند کمال تشکر را داریم.

در ادامه مهندس سیاسی‌راد درباره فدراسیون سخن گفت و خاطرنشان کرد: وزن بخش خصوصی در حوزه سیاستگذاری عمومی پایین است و امکان



آبادی»، «سعید منوچهریان»، «رضا حاجی کریم»، «جعفر غفاری شیروان»، «اسماعیل مسگریور طوسی»، «ادموند میرزاخانیان»، «کیومرث قره‌آبادی»، «حامد کیافر»، «بابک دیانت‌پی»، «پیمان فروهر»، «محمد فرزاد» و «عبدالرضا فروغی» به عنوان اعضای اصلی و علی‌البدل هیأت‌مدیره برای مدت ۳ سال انتخاب شدند.

در ادامه نیز «فاطمه برهانی» به عنوان بازرس اصلی و «علی ربوبی خبوشابی» به عنوان بازرس علی‌البدل فدراسیون برای مدت یک سال انتخاب شد. در ادامه این جلسه مبلغ ورودیه این فدراسیون ۱۰۰ میلیون ریال و میزان عضویت آن برای هر رأی مبلغ ۲۰ میلیون ریال در سال ۱۳۹۴ تعیین و تصویب شد.

در ابتدای این دیدار **مهندس اسماعیل مسگریور طوسی** گزارشی ارائه داد و گفت: از حدود ۳ سال قبل کارهای تشکیل فدراسیون را با ۴ تشکل سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران، جامعه مهندسان مشاور، انجمن شرکت‌های آب و فاضلاب، سندیکای شرکت‌های تأسیسات و تجهیزات ایران و

پس از آنکه در نشست ۲۵ آبان با حضور بیش از ۳۰ نماینده سندیکای شرکت‌های ساختمانی، اسماعیل مسگریور طوستی نماینده جامعه مشاوران مهندسان ایران، سعید منوچهریان نماینده سندیکای پیمانکاران تأسیساتی و تجهیزاتی ایران و فریدون خزاعی، ضرورت تأسیس فدراسیون صنعت آب مورد بررسی قرار گرفت، اولین جلسه "مجمع عمومی مؤسسان فدراسیون صنعت آب ایران" در ۱۷ آذرماه در محل اتاق ایران با حضور قائم مقام وزیر جهاد کشاورزی و معاون تشکل‌های اتاق ایران، برگزار و فدراسیون صنعت آب ایران تأسیس شد. ریاست مجمع بر عهده مهندس نوروزی بود و مهندس خزاعی و رامینه به عنوان ناظر و خانم فاطمه برهانی به عنوان منشی انتخاب شدند. در این جلسه برای انتخاب هیأت‌مدیره از بین کاندیداهای پیمانکار، مشاور، تولیدکننده، انجمن‌های علمی و بازرس رأی‌گیری شد و اولین اعضای هیأت‌مدیره فدراسیون آب ایران مشخص شدند. براساس آرای به دست آمده، «فرامرز شینی»، «امیرمنصور عطایی»، «بهمن دادمان»، «بیژن سعید



پیام‌آبادگران
آذر ۱۳۹۴
شماره ۳۳۷

تاثیرگذاری بر فرایندها و سیاست هایی که دولت اعلام می کند، کم است. حتی در انگلیس و آمریکا در مرحله ای از دوره فعالیت تشکلی، موضوع بازسازی و تقویت و ظرفیت سازی تشکل های مردمی در دستور کار قرار گرفته است. در انگلیس مطالعه ای صورت گرفت که چرا تشکل های کارگری آن نسبت به آلمان ضعیف تر هستند و در عرصه سیاست حضور ندارند. همین امر باعث ارائه گزارشی درباره وضعیت تشکل های انگلیس و وضع مطلوب ایده آل شد. یکی از نتایج حاصل این بود که در عرصه سیاستگذاری عمومی، تعداد اهمیت دارد. البته گاه در نبود این قدرت فشار ناشی از تعداد، روش های مشارکتی مطرح می شود که در آن کیفیت اطلاعات، روش مذاکره و میزان حمایت عمومی مهم است.

وی افزود: ساختن یک صدای هماهنگ بسیار کلیدی است که قدرت مذاکره بخش خصوصی را بالا می برد. افزایش کیفیت اطلاعات هم مهم است که برای آن منابع مالی و انسانی لازم است که حاوی پیشنهاد راه حل باشد. بعد از این مطالعه با تلفیق ۳ انجمن اصلی، کنفدراسیون صنعت بریتانیا شکل گرفت که قدرت زیادی دارد و این مدل به عنوان الگو مطرح شد که می توانست سطح همکاری انجمنها و سندیکاها را بالا ببرد. چون امکان ادغام آنها نبود. وی افزود: فدراسیون و کنفدراسیون روی مسائل مشترک انجمن ها تمرکز دارند و در پی ارائه استراتژی و دنبال کردن منافع مشترک اصناف هستند.

دیدگاه های بخش خصوصی درباره ضرورت

تاسیس فدراسیون آب

بیزن سعیدآبادی نماینده سندیکای

شرکت های ساختمانی ایران: به نظر من اتاق

بازرگانی ایران در حال حاضر نهاد کارفرمایی است که رهبری بخش خصوصی را در اختیار دارد و تجمیع منافع بخش خصوصی را دنبال می کند باید شفاف، منسجم و پر قدرت تراز همیشه دنبال یک هدف استراتژیک باشد و آن افزایش سهم و نقش بخش خصوصی در بالاترین متغیر اقتصادی یعنی تولید ناخالص داخلی است. این اتاق باید دنبال این باشد که

به طور مثال در ۱۰ سال آینده به نقطه ای برسیم که سهم بخش خصوصی در تولید ناخالص داخلی از ۲۰ درصد فعلی به ۴۰ درصد یا ۴۵ درصد برسد. اتاق ایران در مسیر رسیدن به این هدف باید بازوهای فکری - اجرایی نیرومندی را با خود همراه کند که این بازوها بدون تردید فدراسیون ها و کنفدراسیون ها خواهد بود. ضرورت تاسیس فدراسیون ها و حرکت به سوی یکپارچه کردن از همین جا سرچشمه می گیرد. فدراسیون ها که نهادهایی تشکیل شده از چندین انجمن و کانون فعال در یک فعالیت مشخص است باید به لحاظ قانونی و حقوقی پشتیبان اتاق بازرگانی باشند.

فریدون خزاعی دبیرکل موقت فدراسیون آب:

یکپارچه سازی نیروهای کارشناسی تخصصی، فکری و مادی تشکل های یک صنعت نیرویی بزرگ تر را فراهم می کند تا در مواجهه با نهادهای بالادستی قدرت چانه زنی بیشتری فراهم کند. در حال حاضر نهادهای کارفرمایی و تشکل های متعدد و نیرومندی در بخش های مرتبط با آب داریم که فعالیت آنها قابل تقدیر است اما صدای واحد بدون تردید نیروی قوی تری از چند صدایی است. در سال های اخیر وزارت نیرو که یکی از وزارتخانه های مرتبط با آب است از تشکل های فعال در این مقوله خواست که نهادهای بزرگ تر را به عنوان نماینده خود برگزینند تا به وسیله این وزارتخانه به دولت، مجلس و سایر نهادها و سازمان ها معرفی شود و این نهاد در تدوین و تصویب قانون و آیین نامه ها و بخشنامه ها همکاری کند و از این مسیر اثربخش باشد. در حال حاضر ۳۰ تشکل فعال در زمینه آب فعال هستند که اگر محدودیت های مقرراتی نباشد می توانند عضو فدراسیون شوند. برخی محدودیت های قانونی که توسط اتاق اعمال می شود شاید کار را برای حضور تشکل ها سخت کند امیدواریم که این مساله برطرف شود.

سعید منوچهریان نماینده سندیکای

پیمانکاران تاسیساتی و تجهیزاتی ایران:

حدود ۳ سال است که اندیشه و ذهنیت تاسیس یک نهاد کارفرمایی بالاتر در صنعت آب

در میان گروهی از رهبران تشکل های مرتبط مورد توجه قرار گرفته است. در حال حاضر تشکل های نیرومندی در زیرمجموعه صنعت آب فعالیت دارند که سابقه چندین دهه ای دارند. فدراسیون صنعت آب هدف خود را بر تقویت سهم و نقش بخش خصوصی در اقتصاد کشور به ویژه در این صنعت قرار خواهد داد. این هدف بزرگ برای تعادل و تقسیم کار میان بخش خصوصی و شرکت های دولتی تعریف شده است. همگرایی نهادهای فعال در زیرمجموعه صنعت آب و کاهش اختلاف ها در مسیر توانا سازی بخش خصوصی از طریق فدراسیون یک ضرورت تمام عیار امروز است. وجود فدراسیون این امکان را به تشکل های زیرمجموعه و همه بنگاه های فعال در صنعت آب می دهد تا ضمن طرح مسایل بنگاهی و کوتاه مدت به مسایل کلان و بلندمدت که سرنوشت بخش خصوصی را تعیین می کنند نیز بپردازد. به طور مثال در شرایط فعلی که بحران آب نمود پیدا کرده است وجود فدراسیون برای حل آن در تعامل با دولت و سایر قوا یک ضرورت است. فدراسیون اهداف ملی را دنبال می کند و تشکل ها فعالیت های میان مدت را.

اسماعیل مسگریوردوستی نماینده جامعه مشاوران مهندسان ایران: تجربه جهان و کشورهای پیشرفته در نهاد سازی، اتاق های بازرگانی از چند کنفدراسیون یا فدراسیون تشکیل می شوند. چنین شرایطی به این دلیل پدیدار شده است که فدراسیون ها در سطحی بالاتر از انجمن ها بتوانند مسایل کلان هر فعالیت را در ارتباط با مقوله های مهمی مثل نرخ ارز، نرخ سود بانکی، بودجه های سالانه و در سطحی بالاتر حتی مسایل توسعه را در تعامل با دولت و اتاق های بازرگانی دنبال کنند. انتظاری که تشکل های زیرمجموعه یک فعالیت از فدراسیون خود دارند این است که مسایل استراتژیک آن فعالیت را تدوین و در مراکز تصمیم سازی کلان طرح و درباره امکانات لازم چانه زنی از موضع بالا را انجام دهند. به طور مثال در حالی که این روزها موضوع تجارت آب مجازی به عنوان یک مقوله سرنوشت ساز در ذهن ها ایجاد شده است فدراسیون صنعت آب می تواند آن را پیگیری کند.



مالیات سبز راهی برای مبارزه اقتصادی با آلودگی

گزارشی درباره اهرم‌های اقتصادی برای تشویق و تنبیه زیست محیطی

و موثر بر اساس مالیات‌های سبز دست یابند.

یکی از مهم‌ترین چالش‌های فراروی دولت‌ها در قرن بیست و یکم، بحران‌های زیست محیطی است به طوری که حفاظت از محیط زیست در قرن بیست و یکم به عنوان یکی از هشت هدف توسعه هزاره و یکی از سه پایه توسعه پایدار شناخته می‌شود. در بعضی از کشورها تعداد افرادی که در اثر آلودگی هوا جان خود را از دست می‌دهند، بیشتر از قربانیان سوانح رانندگی است. به همین دلیل دولت‌ها سعی می‌کنند تا با اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌های مختلف، بر مشکلات زیست محیطی از جمله آلودگی هوا فائق آیند. افزایش مصرف بی‌رویه سوخت‌های فسیلی نه تنها تهدیدی برای مصرف آینده آنها است، بلکه آثار منفی زیست محیطی آنها نیز به عنوان مقوله مهم مورد توجه دولتمردان در سراسر دنیا است. راهکاری که اقتصاددانان سال‌ها پیش برای رفع این مشکل ارائه کردند دریافت مالیاتی تحت عنوان «مالیات سبز» از صنایع و فعالیت‌های تولیدی آلوده‌کننده بوده است. این راهکار در بسیاری از کشورهای جهان به ویژه در آمریکا و اروپا اجرایی شد و به نتایج قابل تاملی رسید

آلودگی در بنگاه‌ها تعریف می‌شود. برای مثال در برخی کشورهای اتحادیه اروپا از محصولات برقی که مصرف انرژی آنها بهینه است، مالیات بر ارزش افزوده اخذ نمی‌شود. همچنین سرمایه‌گذارانی که در زمینه توسعه انرژی‌های نو و کاهش آلودگی‌های زیست محیطی سرمایه‌گذاری کنند، شامل تخفیف‌های مالیاتی می‌شوند. توجه به اهرم‌های اقتصادی برای تشویق و تنبیه زیست محیطی بالاخص در ایران که اکنون با مشکلات آلودگی هوا در بسیاری از شهرهای بزرگ روبه‌رو است، از اهمیت بسیاری برخوردار است و الزامی است سیاست‌گذاران کشور در این زمینه به یک راهکار بلندمدت

دکتر حسن روحانی که دولت خود را دولت محیط زیست نامید، پس از تشدید آلودگی هوا در روزهای اخیر و به دنبال آن تعطیلی چند روزه مدارس تهران، با مشکلات مهمی روبه‌رو شده است. یکی از ابزارهای اقتصادی دولت‌ها، برای جلوگیری از آلودگی هوا و حفظ محیط زیست، ایجاد پایه مالیاتی جدید برای صنایع آلوده‌کننده محیط زیست است. کشورهای توسعه‌یافته از طریق اخذ مالیات از صنایع آلوده‌کننده و تشویق صنایع دوستدار محیط زیست از طریق معافیت مالیاتی یا گاه پرداخت یارانه به توسعه پایدار کمک کرده‌اند. این پایه‌های مالیاتی بر اساس میزان ایجاد

توسعه پایه سبز مالیاتی

بهمن طهماسبی

کارشناس ارشد اقتصاد

حنیفه امیری

کارشناس ارشد اقتصاد

بخش خصوصی یک کشور به عنوان موتور رشد اقتصادی محسوب می‌شود و دولت نیز باید در کنار انجام سایر وظایف ذاتی خود نسبت به ایجاد بسترهای لازم برای فعالیت بخش خصوصی اقدام کند. نظام سیاسی یک کشور جهت تقویت رشد و توسعه اقتصادی کشور و افزایش رفاه شهروندان خود به منابع مالی مطمئن و مستمر نیازمند است تا از این طریق بتواند به تعهدات قانونی و عرفی خود در مقابل مردم، جامعه

مانند مالیات بر شرکت‌ها و مالیات بر حقوق و دستمزد می‌آید، این موضوع منجر به تضعیف انگیزه فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی در کشور می‌شود و حتی ممکن است موجب بی‌عدالتی و تشدید فرار مالیاتی در نظام اجرایی شود. به منظور برون‌رفت از این مشکل باید برنامه‌ریزی دقیقی برای برقراری سیستمی جهت گسترش پایه‌های مالیاتی صورت پذیرد که با این کار ضمن افزایش درآمدهای مالیاتی، فشار مالیاتی نیز بر پایه‌های موجود کاهش خواهد یافت. در شرایط فعلی که صادرات نفتی کشور به دلیل تشدید تحریم کشورهای غربی با محدودیت و چالش مواجه شده است، به منظور کاهش آثار منفی این تحریم‌ها و برون‌رفت از شرایط حساس حاضر، باید در کنار افزایش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات غیرنفتی،

عمل بیوشاند. درآمدهای مالیاتی یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی دولت به شمار می‌رود که باعث تقویت تولید، رشد و توسعه اقتصادی می‌شود و در کنار افزایش رفاه مردم جامعه منجر به ایجاد و توسعه یک رابطه ارگانیک بین دولت و مردم می‌شود، زیرا فارغ از این موضوع که مردم از خدمات دولت برخوردار هستند، دولت نیز به درآمدهای مالیاتی که توسط آحاد جامعه پرداخت می‌شود، نیازمند است. با شرایط موصوف و نظر به اینکه هر دو طرف از یکدیگر نفع می‌برند، در واقع یک استراتژی برد-برد و هم‌افزایی متقابل برقرار می‌شود و این فرآیند در بلندمدت باعث تسریع در رشد و توسعه اقتصادی کشور می‌شود.

با توجه به اینکه اکنون در اقتصاد ایران فشار زیادی به برخی از پایه‌های مالیاتی



ظرفیت مالیاتی کشور نیز به نحو مطلوب و موثرتری مورد استفاده قرار گیرد. البته باید از همه ظرفیت‌های سیاسی و اجتماعی داخلی کشور از طریق همگرایی بیشتر و توسعه وفاق ملی بین تمامی افکار و سلايق سیاسی درون نظام و همچنین اقناع افکار عمومی در راستای کمک به حل مشکلات موجود، بهره‌برداری لازم صورت پذیرد.

پایه مالیاتی زیست محیطی

اخذ مالیات به دلایلی مانند کسب درآمد، سیاست‌گذاری، بازتوزیع و... صورت می‌پذیرد، ولی از آنجا که همه مالیات‌ها دارای آثار تخصیصی و توزیعی هستند، از این رو اقتصاددانان به دنبال شناسایی پایه‌های مالیاتی هستند که موجب کمترین عدم‌کارایی در اقتصاد کشور شود. یکی از پایه‌های مالیاتی که این خصوصیات را دارد، پایه مالیاتی زیست محیطی است. این پایه مالیاتی بر آلودگی‌های تحمیل شده بر محیط زیست کشور وضع می‌شود که ضمن عدم‌کارایی اقتصادی منجر به تقویت فواید اجتماعی نیز می‌شود. پایه مالیاتی مزبور که بر اساس هزینه اعمال می‌شود، در اصطلاح به عنوان مالیات سبز (Green Tax) نامیده می‌شود. در صورتی که هرگونه تصمیم‌گیری و عمل در فرآیند تولید و توزیع واحدهای اقتصادی باعث اثرگذاری مثبت یا منفی بر گروه دیگر شود، این موضوع تحت عنوان پیامد خارجی نامیده می‌شود.

با توجه به اینکه آلودگی زیست محیطی به منزله یک عامل خارجی بر رفاه سایر افراد یا گروه‌های خاصی اثر منفی دارد، به عنوان عوارض خارجی غیراقتصادی محسوب می‌شود. دولت از روش‌های مختلفی می‌تواند نسبت به کنترل پیامدهای خارجی کلیه واحدهای اقتصادی اقدام کند. به کارگیری ابزارهای مالیات و یارانه و همچنین اعمال قوانین و مقررات خاص از مهم‌ترین این روش‌ها به حساب می‌آید. در اغلب موارد این اتفاق می‌افتد که هر واحد اقتصادی فقط درصدد حداکثرکردن خالص فایده خود است و بنگاه‌های اقتصادی می‌توانند به منظور رسیدن به اهداف سوداگرانه خود، موجب پیامدهای خارجی

کشورهای توسعه یافته بیش از ۳۰ سال است که در این کشورها وضع و اجرا شده است. با توجه به اینکه این پایه مالیاتی دارای اهداف کمک به محیط زیست و همچنین افزایش یا حداقل حفظ سطح درآمد‌های مالیاتی است، در اصطلاح به عنوان منفعت مضاعف (Double Dividend) نامیده می‌شود. فواید وضع مالیات‌های سبز به شرح زیر است:

- ۱- اخذ مالیات از تولیدکنندگانی که موجب آلودگی‌های زیست محیطی می‌شوند، می‌تواند به اصلاح فرآیند و سازوکارهای تولید کمک کند که در نهایت منجر به کاهش این آلودگی‌ها و افزایش فواید اجتماعی شود.
- ۲- از طریق مالیات‌های سبز این امکان به وجود می‌آید که تولیدکنندگان از تکنولوژی‌هایی که ایجاد آلودگی می‌کنند و مصرف انرژی آنها بالا است کمتر استفاده کنند و به سمت استفاده از فرآیند تولید کاربر حرکت کنند.
- ۳- دولت می‌تواند با وضع مالیات‌های سبز، ضمن حداکثر کردن منافع اجتماعی، نسبت به کسب درآمد‌های مالیاتی بیشتر اقدام کند.
- ۴- وضع مالیات بر آلودگی‌های زیست محیطی تولیدکنندگان موجب افزایش قیمت این گروه و کالاهای تولیدی می‌شود و این موضوع باعث می‌شود مصرف کالاهای مزبور کاهش یابد.

مالیات سبز با تاکید بر مصرف بنزین

پژوین و امین رشتی در مقاله‌ای تحت عنوان مالیات‌های سبز با تاکید بر مصرف بنزین در سال ۱۳۸۶ پایه مالیات‌های سبز را معرفی کرده‌اند. آنها بیان می‌کنند

منفی و تحمیل آلودگی‌های زیست محیطی به جامعه شوند. بدیهی است که در صورت تحقق این شرایط، دولت باید ضمن ورود به موضوع، نسبت به اخذ مالیات از واحد اقتصادی به میزان ضرر و زیان وارد شده به جامعه اقدام کند و در واقع به اندازه‌ای که از فایده خالص اجتماعی کاسته شده است از واحد اقتصادی، مالیات اخذ و جهت جبران آسیب‌های اجتماعی و در راستای افزایش منافع اجتماعی، سرمایه‌گذاری لازم را به عمل آورد. در صورت تحقق این شرایط است که واحد اقتصادی برای حفظ خالص منافع خود نسبت به کاهش هزینه‌های مالیاتی خود اقدام و راهکارهایی برای کاهش آلودگی‌های زیست محیطی انتخاب خواهد کرد و در مجموع این فرآیند موجب کاهش هزینه‌های اجتماعی ناشی از آلودگی می‌شود. در صورتی که واحد تولیدی در فرآیند تولید موجب آلودگی محیط زیست شود، در واقع با هزینه‌های کمتر نسبت به حداکثر کردن منافع خود اقدام کرده است و فرآیند مذکور نشان‌دهنده این موضوع است که واحد اقتصادی به نوعی یارانه دریافت می‌کند که این یارانه را جامعه با تحمل آثار منفی آلودگی‌های به وجود آمده پرداخت می‌کند.

منافع مضاعف مالیات سبز

مالیات سبز را برای اولین بار، اقتصاددانی به نام پیگو حدود ۸۰ سال قبل با تاکید بر اخذ مالیات از عوامل ایجاد آلودگی و تخریب منافع طبیعی ارائه کرده است. وضع این پایه مالیاتی در راستای اصلاح نظام مالیاتی

این مالیات بر پایه هزینه اعمال می‌شود و درآمد مناسبی را برای دولت به همراه دارد و همچنین اثر اختلال‌زایی مالیات‌های دیگر را کاهش داده و برای جامعه از حیث کاهش آلودگی دارای فواید زیادی است. این مطالعه با استفاده از یک مدل سیستمی روتردام، نشان می‌دهد وضع مالیات بر کالاهای آلوده‌کننده می‌تواند میزان تقاضا برای کالاهای مزبور را کاهش دهد. یکی از مباحث مهمی که امروزه در اقتصاد کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مورد توجه قرار گرفته است، مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها (Corporate Social Responsibility) است. قبل از اینکه این موضوع در اقتصاد مطرح و در برخی از کشورها و بنگاه‌های اقتصادی اعم از شرکت‌های دولتی و خصوصی به اجرا گذاشته شود، نگرش سنتی مبنی بر اینکه ذی‌نفعان بنگاه‌ها شامل دو دسته سهامداران و مشتریان هستند بر اقتصاد حاکم بود ولی در حال حاضر آنجا که این بنگاه‌ها ایزوله نبوده و نمی‌توانند بدون اثرگذاری بر جامعه فعالیت کنند؛ بنابراین بنگاه‌های اقتصادی برای خود، ذی‌نفعان دیگری نیز در نظر می‌گیرند.

در صورتی که بنگاه‌ها بر مبنای دیدگاه سنتی عمل کنند در واقع بازی برد-برد را به منظور حداکثر کردن منافع سهامداران و مشتریان خود در پیش می‌گیرند، بر اساس آن عمل می‌کنند. در حال حاضر افزایش سطح تحصیلات، فرهنگ جامعه، انتظارات شهروندان و افکار عمومی باعث شده بنگاه‌های اقتصادی در این خصوص دیدگاه نوینی را در پیش بگیرند و ذی‌نفعان دیگری از قبیل دولت و به ویژه جامعه را مدنظر قرار دهند و به بیان کامل الگوی جامع منفعت مشترک را که شامل جامعه، کسب‌وکار (سهامداران و مشتریان) و دولت است جایگزین استراتژی برد-برد کنند. در صورتی که در اقتصاد ایران نیز دیدگاه نوین الگوی جامع منفعت مشترک مورد استفاده بنگاه‌های اقتصادی قرار گیرد، با اطمینان می‌توان گفت که این بنگاه‌ها به مقاصد راهبردی خود مانند جذب مشتری، کسب حداکثر سود و ارتقای جایگاه اجتماعی دست می‌یابند و از طرف دیگر نیز دولت می‌تواند در مسیر کنترل آلودگی محیط

زیست، کاهش فقر و بیکاری و همچنین توسعه تکنولوژی‌های جدید حرکت کند و در نهایت مراحل گذار و حصول به توسعه پایدار را طی کند. بدیهی است یکی از بهترین روش‌های تحقق شرایط مطروحه در اقتصاد فعلی ایران، دریافت مالیات سبز از بنگاه‌های اقتصادی و واحدهای تولیدی است که هنوز الگوی جامع منفعت مشترک را به کار نگرفته‌اند و حتی در برخی موارد به این الگو، هیچ نگرش تفکرگرایانه‌ای نیز ندارند.

سیاست‌های جلوگیری از فرار مالیاتی

در راستای اصلاح نظام مالیاتی کشور باید از پایه‌های مالیاتی استفاده شود که دارای تمکین مالیاتی بالایی هستند و به نوعی از خودکنترلی مناسبی برخوردار باشند تا در این فرآیند فرار مالیاتی به حداقل برسد. به طور کلی فرار مالیاتی به این معنا است که مودی مالیاتی تلاش می‌کند تمام یا قسمتی از مالیات تعلق گرفته به خود را به صورت غیرقانونی پرداخت نکند. فرار مالیاتی باعث می‌شود درآمدهای دولت کاهش یابد و

می‌توان با بهره‌گیری از تجربیات سایر کشورها در وصول مالیات‌های نوین به ویژه مالیات سبز، ضمن افزایش درآمدهای غیرنفتی، باعث کاهش آلودگی‌های زیست محیطی و همچنین تحقق اهداف مورد نظر الگوی جامع منفعت مشترک در بحث مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها شد

از طریق اخلال در بودجه دولت و اشکال در تامین مالی دولت منجر به کاهش رفاه عمومی جامعه می‌شود. یکی از نکات منفی دیگر فرار مالیاتی این موضوع است که قدرت رقابتی عوامل اقتصادی که مالیات نمی‌پردازند افزایش پیدا کرده و ضمن تضعیف بقیه عوامل اقتصادی که مالیات خود را می‌پردازند، در بلندمدت ممکن است آنها نیز برای افزایش توان مالی و قدرت رقابت‌پذیری خود به عدم تمکین مالیاتی تشویق شوند و به نوعی این موضوع به تدریج مقبولیت و مطلوبیت عمومی یابد. با توجه به مطالب مطروحه در خصوص پایه‌های مالیاتی که در مطالب قبلی تشریح شده‌اند، می‌توان با یک اطمینان نسبی اظهار کرد که پایه‌های مالیاتی مطرح شده در این تحقیق به شرط اجرای دقیق آنها دارای تمکین مالیاتی مناسب و حداقل فرار مالیاتی هستند.

بستر اطلاعاتی، پیش‌شرط اجرا

با توجه به کلیه مطالب مطروحه و به منظور تحقق اهداف مورد نظر در این مطلب، باید بستر و زیرساخت‌های اطلاعاتی دقیق، منسجم و کارآ به روزرسانی شده و ارتقا یابد. تجربه نظام مالیاتی دهه‌های اخیر کشور حاکی است که بدون بستر اطلاعاتی مناسب حتی بهترین طرح‌های ارتقای نظام مالیاتی نیز به نتیجه مطلوب نخواهد رسید و در صورت اجرای چنین طرح‌هایی، به رغم افزایش درآمدهای مالیاتی دولت، اثرات نامطلوب بیشتری بر جامعه پرداخت‌کننده مالیات دارد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود با توسعه کمی و کیفی بانک اطلاعاتی مربوط به مودیان مالیاتی و سایر اطلاعات لازم در این زمینه و همچنین با بهره‌گیری از تجربیات سایر کشورها در وصول مالیات‌های نوین به ویژه مالیات سبز، جهت رفع تنگنای موجود و استفاده از راهکارهای افزایش درآمدهای مالیاتی دولت مورد استفاده قرار گیرد، تا ضمن افزایش درآمدهای غیرنفتی، باعث کاهش آلودگی‌های زیست محیطی و همچنین تحقق اهداف مورد نظر الگوی جامع منفعت مشترک در بحث مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها نیز شود.



بهترین راه برای مدیریت دارایی‌های سمی چیست؟

دکتر وحید محمودی استاد اقتصاد دانشگاه تهران



۱- پیشگامی، دردمندی و دغدغه جناب آقای آخوندی وزیر محترم راه و شهرسازی در قیاس با اقتصاددانان و مسئولان اقتصادی کشور ستودنی است. ایشان یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی کشور را مورد هدف قرار داده است. حال آنکه راهکارهای پیشنهادی ایشان بحث و بررسی بیشتری را می‌طلبد.

۲- رکود تورمی هنگامی بروز می‌کند که پس از رخداد تورم ناشی از فشار تقاضا (که در وقت خود با تنظیم و انعطاف‌پذیری طرف عرضه پاسخ داده نشده است) به دنبال آن قیمت عوامل تولید بالا می‌رود و سپس در مرحله بعد با کاهش قدرت خرید از یک سو و بالا ماندن قیمت‌ها از سوی دیگر مواجه می‌شویم. یعنی تورم ناشی از فشار تقاضا با تورم ناشی از فشار هزینه تعقیب و پایدار می‌شود.

۳- اگر ریشه‌های شرایط اقتصادی فعلی بررسی نشود، راهکارهای جدید دولت که عمدتاً از جنس سیاست‌های پولی هستند و راهکارهای پیشنهادی جناب آقای آخوندی ممکن است به همان نتایج و

شرایط قبلی منجر شود. بسیاری نهادها و ساختارهای تودرتو در اقتصاد ایران وجود دارد که می‌تواند مجدد سیستم بانکی و کلاً سیستم اقتصادی را به وضع فعلی بکشانند، از جمله عدم استقلال بانک مرکزی، وجود نهادها و موسسات مالی متعدد متوسط و بزرگ در اقتصاد ایران، ساختارهای مالی و هزینه‌ای نامناسب، ضعف دستگاه‌های نظارتی و...

۴- باید توجه داشته باشیم که میزان و قلمرو دارایی‌های سمی محدود به بانک‌ها نمی‌شود. به بیان دیگر باید گستره این مفهوم را وسیع‌تر ببینیم. با این نگاه، حجم دارایی‌های به واقع سمی در اقتصاد ایران چندین برابر دارایی‌های سمی در اختیار بانک‌هاست. به طوری که اگر با حجم اقتصاد زیرزمینی جمع زده شود به بالای ۵۰ درصد حجم اقتصاد ملی می‌رسد.

۵- قبل از اینکه به پیشنهاد جناب آخوندی پردازم یاد خاطره‌ای افتادم که ذکر آن در اینجا مناسب است. حدود بیست و اندی سال پیش خبرنگاری از یکی

از مجلات اقتصادی جهت مصاحبه در خصوص مشکلات ایران نزد دکتر نیکنام از استادان دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران آمده بود. نحله فکری ایشان را کمابیش می‌شناسیم که اعتقاد منسجمی نسبت به آموزه اقتصاد نئوکلاسیک و عملکرد نیروهای بازار دارند. خبرنگار در خصوص تورم، بیکاری، نظام مالی و مالیاتی و نقش سازمان‌ها و نهادهای مختلف سوالات متعددی مطرح کردند. دکتر نیکنام در حین پاسخ به سوالات مرتب بر کارکرد نیروهای بازار و سپردن تخصیص منابع به سیستم قیمت‌ها و عدم دخالت دولت‌ها و دستگاه‌های موازی و متعدد تاکید می‌کردند. سرانجام خبرنگار پرسید جناب دکتر به عنوان آخرین سوال اگر استاد یا کمیته‌ای مرکب از خبرگان اقتصادی برای نجات اقتصاد ایران تشکیل شود و شما عضو آن باشید، اولین اقدام شما چه خواهد بود؟! ایشان با همان لهجه شیرین رشتی‌اش پاسخ داد من اولین کاری که می‌کنم از این کمیته استعفا می‌دهم!! آقا یک ساعته من به شما می‌گویم من



مخالف ستاد و کمیته برنامه‌ریزی و تفکر اینچنینی هشتم!!! حال سوال این است که آیا برای حل مشکلات اقتصاد ایران به ایجاد تشکیلات جدید نیاز است؟ پیشنهاد ایجاد یک تشکیلات جدید برای تسویه دارایی‌های سیمی نظام بانکی نیز خود می‌تواند به یک مشکل تبدیل شود. نهاد مهمی مثل بانک مرکزی با جایگاه مستحکم قانونی و آن همه قوانین و ضوابط مربوطه عملاً نتوانسته چنین مشکلاتی را در سیستم بانکی حل کند یا حتی مانع توسعه و تعمیق آن شود. ایجاد یک نهاد جدید که قاعداً ساز و کارها و ابزارهای بانک مرکزی را هم ندارد، چگونه می‌تواند بر این مهم فائق آید. مشکل در کمبود نهاد و ساختار در این زمینه نیست، مشکل در ضعف عملکردی نهادهایی چون بانک مرکزی از یک طرف و چالش‌های ساختاری که نظام بانکی با آن مواجه است از طرف دیگر است. در حال حاضر بخش عمده درآمدهای نظام بانکی از این محل تامین می‌شود. رسوب بخش زیادی از منابع بانک‌ها در قالب مطالبات معوق و از دست دادن درآمد ناشی از دارایی‌های سیمی در کنار بالا بودن هزینه پول در نظام بانکی می‌تواند حداقل برخی از آنها را به ورشکستگی بکشانند که البته آقای آخوندی واقف به این مساله هستند.

۶- از سوی دیگر اگر بپذیریم که این موسسه عملاً اسناد بهادار و رهنی و دارایی‌هایی را که بانک‌ها در اختیار دارند از طریق خرید آنها با بانک‌ها تسویه کند به این معنی است که برای آن بخش وصولی باید به عنوان طلبکار جدید مطالبات مزبور را پیگیری کند. یعنی عملاً این نهاد جدید در مقام یک شرخ‌ریفای نقش می‌کند که خود می‌تواند فسادانگیز باشد. ضمن اینکه واگذاری این دارایی‌ها چه به شکل قطعی و چه به شکل امانی واجد بار مالی و حقوقی است و بدهکاری یا تعهدات دولت را افزون می‌کند.

۷- مشکل دیگر بانک‌ها عدم کفایت سرمایه است. خیلی از بانک‌ها از منظر این شاخص و سایر شاخص‌های مالی نسبت

به استانداردهای بازل عقب هستند. برخی از بانک‌ها حتی قادر به برآورده کردن بازل ۱ هم نیستند چه برسد به بازل ۳. بنابراین، بانک‌ها در شرایط حاضر در راستای مشارکت در بسته خروج از رکود نیاز به افزایش سرمایه برای افزایش قدرت تسهیلات‌دهی دارند. نگرانی بحق آقای آخوندی که هرگونه افزایش سرمایه بانک‌ها در شرایط فعلی نگران‌کننده است چون می‌تواند سراز دارایی‌های سیمی درآورد، قابل درک است. خب اگر ساختارها و فرآیندها اصلاح نشود و بانک مرکزی به پند و اندرز و هشدار بسنده کند این شرایط پس از اصلاح ترانزنامه بانک‌ها توسط موسسه پیشنهادی پس از مدتی احتمال زیاد دارد دوباره تکرار شود. ضمن اینکه توجه داشته باشیم عمده دارایی‌های سیمی شبکه بانکی در اختیار بانک‌های دولتی و نیمه‌دولتی است که کنترل هیات‌مدیره و مجامع آنها دست دولت است. لذا دولت می‌تواند از این ابزار و قدرت در این راستا استفاده کند. بانک‌ها اگر مجبور شوند از هر نهاد دیگری بهتر امکان و اهلیت فروش دارایی‌های سیمی خود را دارند.

۸- در مورد انتشار اوراق نیز باید به دو نکته مهم توجه کرد. اول آنکه دولت وقتی اوراق منتشر می‌کند آن را باید با سود پس دهد. اصولاً زمانی اوراق بدهی منتشر می‌شود که قرار است طرح‌ها و پروژه‌های مهمی اجرا شود که پیش‌بینی بازدهی مناسبی خواهد داشت و بازپرداخت اصل و فرع اوراق را ممکن می‌سازد. اما صدور اوراق غیره‌دفعند و انتشار آن بین مردم، صرفاً طلبکاران دولت را تغییر می‌دهد و به جای بانک‌ها این بار مردم طلبکار دولت می‌شوند. اگر پشت این کار ارزش افزوده‌ای نباشد آن‌گاه دولت احتمالاً مجدداً باید با استقراض و افزایش پایه پولی که خود اقدامی تورمی است، اصل و سود اوراق را به مردم بپردازد. دوم اینکه ساز و کار اجرایی مدیریت این موضوع را نیز نباید از نظر دور داشت.

۹- در مورد ماهیت ریالی و رفتار ارزی با اوراق

مذکور باید به نکته‌ای مهم توجه کرد و آن اینکه ریسک بسیار بالا در مورد نوسانات نرخ ارز وجود دارد. درست است که نرخ سه یا چهار درصدی اوراق با شرط وصل کردن آنها به یک ارز معتبر یا سبد ارزی امکان بازپرداخت را برای دولت ممکن‌تر و راحت‌تر می‌سازد اما در شرایط تشدید نرخ ارز بازپرداخت اصل و فرع اوراق (مبتنی بر قیمت ارزی سبد ارزی) بسیار کمرشکن خواهد بود. مضافاً اینکه در حال حاضر رفتار نرخ ارز و تورم در ایران تا حدودی معکوس است. گاهی پیش می‌آید که عرضه و تقاضای ارز موجب افزایش شدید نرخ ارز می‌شود. به خصوص اینکه نوسانات ارزی ناشی از برابری آنها در سطح بین‌الملل را نباید از نظر دور داشت. شاید اتصال این اوراق به سبدی از ارزها تا حدودی این نقیصه را برطرف کند، اما توجه داشته باشیم که درآمدهای ارزی ایران نیز به شدت وابسته به نفت است. کاهش قیمت نفت به معنی کاهش درآمدهای ارزی و کاهش عرضه ارز است که می‌تواند قیمت آن را بالا ببرد. در این حالت جبران اوراق فوق‌الذکر سخت و پرهزینه‌تر خواهد بود.

۱۰- به طور کلی در یک جمع‌بندی می‌توان گفت در پیشنهاد آقای آخوندی موضوع فروپاشی سیستم بانکی در شرایط فعلی بحق مورد توجه قرار گرفته است و پیشنهادهای ارائه شده در راستای احیای این سیستم و جلوگیری از فروپاشی آن است. اما راه حل این مشکل بیش از آنکه نیاز به ایجاد یک تشکیلات یا ساختار جدید داشته باشد، نیازمند بازمهندسی سیستم مدیریت پولی و مالی کشور و تثبیت جایگاه سیاستی و نظارتی بانک مرکزی و قدرت بخشی و شفافیت اعمال نظارت و مدیریت وزارت امور اقتصادی و دارایی از منظر مدیریت دارایی دولت و ضرورت تدوین مدلی بهینه برای مدیریت دارایی‌های دولت (از جمله مدیریت بهینه دارایی‌های بانکی) است.

مناظره تلوزیونی دو صاحب نظر اقتصادی

رنانی: ما پیشرفت کردیم اما توسعه نیافتیم
مصباحی: توسعه غربی نمی خواهیم



مصباحی مقدم همچنین اشاره کرد: اصلا با تحصیل زنان مخالف نیستیم. اما نباید زنان بگویند هر صحنه‌ای که مرد وارد آن شده من هم می‌خواهم وارد آن شوم.

در ادامه این برنامه رنانی بیان کرد: بین ماهیت و شکل توسعه باید تفاوت قائل شد. شما اگر بخواهید تحصیل هم کنید هزینه دارد. توسعه هم هزینه دارد. اصطلاحاً می‌گویند ما مزیت عقب ماندگی داریم، یعنی این فرصت را داریم که خطاهای آنها را تکرار نکنیم. توسعه عوارض دارد و غرب هم عوارضش را داده اما این به معنای آن نیست که چون غرب این مسیر را رفته ما نباید به این مسیر برویم. شکل توسعه می‌تواند بومی باشد اما ما نمی‌توانیم محتوای آن را عوض کنیم. اگر ما اصولاً جلوی بلوغ را بگیریم ضرر کردیم، توسعه مثل بلوغ می‌ماند.

رنانی اضافه کرد: در تصویری که ما در ایران از توسعه می‌دهیم فقط فساد کشورهای غربی را ارائه می‌کنیم. یک فیلم را باید دید نه یک تصویر را. فیلم مدرنیته و توسعه را که می‌بینیم متوجه می‌شویم بعد از ۲۰۰ سال شاخص آزادی دارد به تدریج نمایان می‌شود. مگر جز این است که انبیا برای رهایی بشر از قیود آمده‌اند؟

مصباحی مقدم هم این گونه پاسخ داد: ما می‌توانیم با حفظ ارزش‌ها و اصول‌های دینی

رنانی اضافه کرد: ما باید مشخص کنیم که توسعه می‌خواهیم یا نه، اگر توسعه می‌خواهیم محتوای توسعه مدرنیته است. طبیعتاً مدرنیته مثل بلوغ انسان است، باید مشخص شود که این جوامع بالغ می‌شوند یا نه. بهم ریختن اخلاق جوان، طبیعت جوان است. اگر بخواهیم با آن مبارزه کنیم با طبیعت مبارزه کردیم، البته همه دوران گذار تبعاتی دارد. نمی‌توان گفت توسعه می‌خواهیم اما مدرنیته نمی‌خواهیم. نظام تدبیر ما در مورد این تصمیم ندارد که این مدرنیته و توسعه را می‌خواهد یا نمی‌خواهد.

پس از توضیحاتی از سوی مصباحی مقدم، سپس رنانی گفت: گفتید متأسفانه با مدرنیته خانواده بزرگ از بین رفته و سنت‌های ما از بین رفته‌اند. اگر می‌خواستید زنان در خانه بمانند نباید دانشگاه‌ها را توسعه می‌دادید. زنان وقتی وارد دانشگاه شوند خواستار مشارکت اجتماعی می‌شوند. اینجا همان جایی است که باید گفت هنوز به نتیجه نرسیده‌ایم.

به گزارش اقتصادنیوز، مصباحی مقدم هم پاسخ داد: ما توسعه را می‌خواهیم اما نه این الگورا. خود غرب به این نتیجه رسیده که اشتباهاتی را مرتکب شده و اگر سخن از توسعه و پیشرفت می‌کنیم حتماً نیاز به الگوی بومی هست که آن الگوی بومی با مبانی و اندیشه ما سازگار باشد.

محسن رنانی، عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان و غلامرضا مصباحی مقدم، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در تاریخ نوزدهم آذر در مناظره‌ای به آسیب‌شناسی گفتمان توسعه در ایران، در شبکه چهار پرداختند. مناظره‌ای که در رسانه‌ها با استقبال زیادی مواجه شد. در این مناظره مبانی توسعه و تفاوت آن با پیشرفت و رشد اقتصادی از سوی رنانی مورد توجه قرار گرفت و مصباحی مقدم نیز پاسخ‌هایی بر آن داشت که در نهایت موجب شفاف شدن نگرش‌های کلان توسعه و اذعان مصباحی مقدم به آن شد که ما توسعه‌ای که رنگ و بوی غربی داشته باشد نمی‌خواهیم. این جدل آنجا حساس‌تر شد که رنانی بر ضرورت تعیین تکلیف کلان کشور در مساله توسعه انگشت گذاشت.

رنانی در ابتدای این مناظره گفت: مفاهیمی مثل نقدپذیری باید از خانواده و از مادران شروع شود. بذر توسعه دو لپه دارد: لپه صبر و لپه گفت و گو که این دو را مادر باید در فرزند بپروراند. بذر توسعه توسط مادر در خانواده پرورانه می‌شود.

در همین مورد مصباحی مقدم هم بیان کرد: توسعه از خانواده شروع می‌شود و نقش خانواده در شکل‌گیری توسعه بسیار مهم است. سپس

به جایی برسیم که توسعه یافتگی است، آن هم بدون آن آسیب‌ها و آفت‌هایی که غربی‌ها دچار شدند.

در ادامه این مناظره رنانی بیان کرد: انواع شاخص‌هایی که نشانگر انحطاط جامعه مانند اعتیاد است، ناشی از این بود که ما ترسیدیم به تدریج خودمان را با تحولات مدرن هماهنگ کنیم. اگر در دوره بلوغ مانع شویم به کودک آسیب وارد می‌کند. هیچ‌گاه از مشروطیت تاکنون هیچ‌کدام از دولت‌ها نظریه‌ای در باب توسعه نداشتند. همه برای ایران برنامه پیشرفت داشتند که از آنها توسعه در نیامده است و ما پیشرفت کردیم اما توسعه نیافتیم. جاده و ماشین خوب داریم اما هفت برابر یک کشوری مثل خودمان کشته در جاده داریم. چون تحولی که در ذهن ما باید رخ می‌داد، رخ نداده است. دولت‌ها برای پیشرفت برنامه داشتند اما تئوری توسعه وجود ندارد. حتی در برنامه توسعه تئوری توسعه نداریم.

در پاسخ به این سخنان رنانی، مصباحی مقدم به صراحت گفت: از مشروطه تا انقلاب اسلامی برنامه پیشرفت الگو برگرفته شده از غرب بوده است. بعد از انقلاب هم سه دهه از الگوهای وارداتی تقلید کردیم و تازه می‌خواهیم وارد

الگوی بومی شویم. نخبگان کشور می‌توانند این الگوی توسعه را تدوین کنند.

اما این سخنان مصباحی مقدم، این واکنش رنانی را در پی داشت که وی گفت: اگر در ۳۵ سال گذشته نتوانستیم، دیگر هم نمی‌توانیم. ما از دوران مشروطه تا انقلاب اسلامی ۳۰ میلیارد بشکه نفت و از انقلاب تاکنون ۳۵ میلیارد بشکه نفت فروختیم. ما در این ۳۵ سال همه منابع را مصرف کردیم، آن وقت تازه می‌گویید که می‌خواهیم از نو شروع کنیم. به توسعه غرب به عنوان یک لجنزار نگاه کردیم و فرصت‌های خودمان را از دست دادیم. شما تازه می‌خواهید از ابتدا شروع کنید.

مصباحی مقدم: پس باید تابع غرب باشیم؟ دنبال آنها برویم؟ نسخه آنها را تجویز کنیم؟ شما نسخه بدهید.

رنانی: اگر نسخه عملیاتی می‌خواهید باید به قانون اساسی برگردید. گام اول مدرنیته این است.

مصباحی مقدم: چرا از این قانون الگو نگرفتیم؟ رنانی: این سوال ماست نه شما.

مصباحی مقدم: چرا این گونه می‌گویید. مگر بین من و شما چه فرقی است؟ هم شما در اینجا رشد کردید و هم من.

رنانی: برای آنکه شما می‌گویید باید از صفر شروع کنیم.

مصباحی مقدم: از صفر نیست. ما که نباید هواپیمای در حال حرکت را متوقف کنیم. وقتی انقلاب کردیم علوم انسانی پیشرفته، فنی و مهندسی پیشرفته نداشتیم و بخش‌هایی مانند این‌ها بودند که در این سال‌ها رشد کردند. چه کسی می‌گوید که ما پیشرفت نمی‌خواهیم. نظام ما به دنبال این است که از نخبگی استفاده کند. مگر مقام معظم رهبری از نخبگان دعوت نکردند که الگوی اسلامی را تدوین کنند.

رنانی: بخشی از آرمان‌گراها بعد از انقلاب آمدند و ما را به این نقطه رساندند. هر دو ما معتقدیم که وضع موجود خوب نیست. اگر قرار باشد که عده‌ای نورچشمی بیایند برای ۳۰ سال آینده برنامه‌ریزی کنند دوباره همان می‌شود.

مصباحی مقدم: این را قبول داریم و کسی هم دیکته نمی‌کند و باید نخبگان به میدان بیایند.

رنانی: گروهی که نخبه هستند باید بیایند، نه اینکه ما تعیین کنیم که چه کسی نخبه است و چه کسی نخبه نیست. اگر به نخبگان آزادی بدهیم به میدان می‌آیند.

تاریخ: ۹۴/۸/۱۱

شماره: ۵۱۷۱۳-۹۴

شماره ثبت: ۹۴

سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران
تاسیس ۱۳۲۶

سرکار خانم مریم خوانساری
شرکت هریون
باسلام؛

ضمن قدردانی از بهکارهای سرکار عالی در ارتباطات اخیر بین المللی سندیکا، به موجب این حکم به سمت مدیر روابط عمومی بین المللی سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران منصوب می‌شوید.
خواهشمند است نسبت به پی‌گیری برنامه‌های ارجاعی و ارائه گزارش‌های لازم اقدام فرمایید.

با تقدیم احترام
محمّد دهنان
مدیر

ایران فقط یک رتبه ارتقاء یافت

گزارش بانک جهانی درخصوص «انجام کسب و کار»



زمان شروع کسب و کار را به ۴ روز تقلیل داد.

با وجود این اقدامات، میزان تلاش برای تقویت چارچوب‌ها و نهادهای حقوقی و قانونی کمتر بود. ۶۶ مورد اصلاحات انجام شده در این زمینه تنها ۵۳ کشور را شامل می‌شد. بیشترین مورد از این دست اصلاحات تحت عنوان "اخذ اعتبار"، تنها در ۳۲ مورد بهبود وضعیت، آنهم به میزان نصف سهم کشورهای جنوب صحرای آفریقا بود.

یک اقتصاد مدرن و پیشرفته نمی‌تواند بدون مقررات عمل کند ولی در عین حال با مقررات ضعیف، سخت و دست و پاگیر می‌تواند با وقفه و رکود روبرو شود. به گفته اقتصاددان و نایب رئیس ارشد بانک جهانی، کاچیک باسو، Kaushik Basu، چالش بزرگ در واقع گام برداشتن در این مسیر باریک از طریق تدوین مقررات

نشانگر افزایش روند این اقدامات اصلاحی می‌باشد.

کشورهای غنی با درآمدی بالا، ۶۲ مورد بیشتر اقدامات اصلاحی به انجام رسانده‌اند و به این ترتیب کل اصلاحات انجام شده در دوره فوق الذکر را به ۲۳۱ مورد در ۱۲۲ اقتصاد رسانده‌اند. اغلب اصلاحات انجام شده جهت ارتقای کارایی و بازدهی چارچوب مقررات، همراه با کاهش هزینه‌های مربوطه و کاستن از پیچیدگی آنها، با بیشترین بهبود در وضعیت "شروع کسب و کار" تدوین شده است. برای مثال، از مجموع ۵۴ اقتصاد که ۳۳ تای آنها در حال توسعه بوده‌اند، هندی معیار ضرورت داشتن حداقل سرمایه و همچنین اخذ گواهی انجام کسب و کار را حذف کرده و به این ترتیب وجود یک بوروکراسی غیرضروری برای کارآفرینی و یک انتظار ۵ روزه را مرتفع کرده است. یاکنیا که با آسان کردن روال اداری پیش ثبت نام،

بانک جهانی آخرین گزارش خود از سری گزارش‌های سالانه درخصوص «انجام کسب و کار» را تحت عنوان Doing Business ۲۰۱۶ منتشر کرده است. بر پایه ایمیل ارسالی از سوی آی-او-یی به تاریخ ۱۸ نوامبر، به کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران، کشورمان از نظر شرایط کسب و کار در رتبه ۱۱۸ جهانی قرار دارد.

سنجش و ارزیابی کیفیت سیستم قوانین و مقررات و همچنین بازدهی و کارایی این مقررات در انجام کسب و کار، به همراه اصلاحات انجام شده در این سیستم توسط کشورها، از جمله محورهای اصلی لحاظ شده در این گزارش است.

در گزارش آمده است که در سال گذشته ۸۵ کشور دارای اقتصاد در حال توسعه ۱۶۹ مورد اصلاحات در زمینه بهبود کسب و کار به انجام رسانده‌اند که در مقایسه با ۱۵۴ مورد (اصلاحات) در سال ماقبل آن



مناسب و لازم، و اجتناب از برقراری قوانین و مقرراتی است که مانع خلاقیت و نوآوری بوده، و سدی برای عملکرد واحدهای کوچک و متوسط است.

در گزارش آمده است با توجه به منافع بسیار اقتصادی که از ارائه خدمات آنلاین در تمامی زمینه‌ها، حاصل می‌شود، استفاده فزاینده از اینترنت توسط کارآفرینان مورد سنجش قرار گرفته است. ۵۰ مورد از اصلاحات سال پیش با هدف ارائه و یا بهبود سیستم‌های پرداخت مالیات آنلاین، پردازش سند صادرات-واردات، و ثبت مالکیت و کسب و کار بوده است.

گزارش این سال منعکس‌کننده یک تلاش دو ساله برای افزایش قابل ملاحظه ارزیابی کیفیت نهادهای حامی محیط کسب و کار بوده است. کیفیت تنظیم مقررات به همان میزان بازدهی مقررات در تضمین اینکه مقررات به هدف ایجاد محیطی پویا و زنده دست می‌یابد و به رشد اقتصادی و سعادت و نیکبختی جامعه کمک می‌کند، حائز اهمیت است.

در این ارتباط، سنگاپور به لحاظ تنظیم بهترین محیط‌های مناسب کسب و کار، بالاترین جایگاه را در رتبه‌بندی جهانی حفظ کرده است. همچنین در گروه ده رتبه برتر نیوزیلند در رتبه دوم، دانمارک در رتبه سوم، کره جنوبی در رتبه چهارم، انگلستان در رتبه پنجم، آمریکا در رتبه ششم، سوئد در رتبه هشتم، نروژ در رتبه نهم و فنلاند در رتبه دهم قرار گرفته اند.

در گروه‌بندی ده برترین‌ها به لحاظ انجام اصلاحات کشورهای کاستاریکا، کنیا، اوگاندا، قبرس، موریتانی، ازبکستان، قزاقستان، جامائیکا، سنگال و بنین در گزارش نام برده شده‌اند.

به لحاظ تقسیم‌بندی منطقه‌ای کشورهای جنوب صحرای آفریقا ۳۰ درصد سهم اصلاحات بهبود سیستم‌های تنظیم مقررات و در مجموع نصف بهبود اوضاع در سطح جهانی را به خود اختصاص داده‌اند. اصلاحات چند جانبه نیز در کشورهای ساحل عاج، ماداگاسکار، نیجر، توگو و رواندا انجام شده است. بالاترین رتبه اقتصادی این منطقه نیز به موریتانی اختصاص یافته است.

بیش از نیمی از ۲۵ اقتصاد منطقه شرق آسیا و پاسیفیک تنها ۲۷ مورد اصلاحات داشته‌اند. این منطقه از میان پنج اقتصاد برتر دنیا میزبان چهار اقتصاد از آن گروه است.

از منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا اقدامات اصلاحی به صورت ملایم در ۱۱ کشور از ۲۰ کشور این منطقه آنهم با ۲۱ مورد اصلاح انجام شده است. کشورهایی که بیش‌تر از یک مورد اصلاح داشته‌اند امارات متحده عربی، مراکش، تونس و الجزایر بوده‌اند.

چه چیز در گزارش امسال جدید است؟

در گزارشات قبلی ضمن اینکه بر سنجش بازدهی و کارایی مقررات کسب و کار و هزینه‌های مترتب بر انطباق و اجرای آنها تمرکز می‌شد در طول دو سال اخیر تلاش سیستماتیکی برای دستیابی به ابعاد مختلف کیفیت در مجموعه شاخص‌های مقرر شده انجام گرفته است.

در این گزارش شاهد اقدامات جدیدی در ارزیابی کیفی مقررات و قوانین در شاخص‌های مربوط به مجوز ساخت و ساز، گرفتن برق، ثبت اموال و اجرای قراردادها بوده‌ایم.

ایران با درآمدی بالاتر از سطح متوسط رتبه ۱۱۸ را در رتبه‌بندی بانک جهانی از جریان محیط کسب و کار کسب کرده است این رتبه در مقایسه با کشورهای که در مجموع از پتانسیل‌های فراوان ایران بی‌بهره هستند، به خصوص کشورهای آفریقایی که برای بهبود اوضاع کسب و کار موفق بوده‌اند، بسیار پایین و تأمل برانگیز است.

در طول پنج سال گذشته گروه بانک جهانی به منظور بهبود متدولوژی شاخص مقررات بازار کار مشاوره‌های گسترده‌ای با سازمان‌های مختلف بین‌المللی از جمله با آی.او.بی داشته است. گزارش انجام کسب و کار^۱ بطور سنتی انعطاف‌پذیری مقررات اشتغال، به خصوص در زمینه‌های استخدام، ساعات کار و تعدیل نیروی انسانی را مورد مطالعه و تحقیق قرار داده است.

در گزارش امسال محدوده شاخص مقررات بازار کار گسترش یافته است. ولی مقررات بازار کار تنها شاخص ارزیابی شده است که همچنان مشمول رتبه‌بندی عمومی نمی‌گردد.

آی.او.بی اعلام کرده است که در جلسات مشورتی با بانک جهانی در اوایل ماه دسامبر سال جاری شرکت می‌کند تا احتمال ورود دوباره شاخص مقررات بازار کار را در رتبه‌بندی عمومی انجام کسب و کار بررسی شود. در گزارش ۲۰۱۶ بانک جهانی تحت عنوان انجام کسب و کار «Doing Business ۲۰۱۶» در کنار سایر کشورها، اطلاعات گسترده‌ای نیز از شرایط و وضعیت ایران در رابطه با موضوع کسب و کار، همچنین رتبه آن از میان ۱۸۹ کشور و اقدامات اصلاحی به عمل آمده در خصوص تسهیل آغاز یک کسب و کار و همچنین فاصله آن با مرز مشخص شده به همراه دیگر موضوعات درج شده است.

در گزارش بانک جهانی، ایران واقع در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، با درآمدی بالاتر از سطح متوسط و با جمعیتی برابر با ۷۸،۴۷۰،۲۲۲ نفر، رتبه ۱۱۸ را در رتبه‌بندی بانک جهانی از جریان محیط کسب و کار کسب کرده است این رتبه در مقایسه با کشورهای که در مجموع از پتانسیل‌های فراوان ایران بی‌بهره هستند، به خصوص کشورهای آفریقایی که برای بهبود اوضاع کسب و کار موفق بوده‌اند، بسیار پایین و تأمل برانگیز است. هر چند که ایران در مقایسه با رتبه سال پیش خود که در ردیف ۱۱۹ بود یک رتبه ارتقاء داشته است.

بخش مربوط به ایران، که با درج نام جمهوری اسلامی ایران در گزارش بانک جهانی Doing Business ۲۰۱۶ بسادگی قابل دستیابی است.



زمان به رسمیت شناختن حقوق مالکیت در ایران فرا رسیده است

دکتر حسین ساسانی تحلیلگر توسعه اقتصادی:

در این میان رتبه ایران ۱۳۶ شده، گفت: هنگامی که ایران دارای این رتبه در فساد و شفافیت داشته باشد، آن زمان است که سرمایه‌گذار خارجی حاضر نخواهد شد که در کشور سرمایه‌گذاری کند. این تحلیلگر توسعه پایدار با بیان

اجرایی کند و هرکسی از این قوانین تخطی کرد، مجازات شود. ساسانی با بیان اینکه سازمان شفافیت بین‌الملل در سال ۲۰۱۵ حدود ۱۷۴ کشور را از نظر شفافیت، فساد و رشوه و اختلاس در حوزه‌های کسب و کار بررسی کرده است که

اقتصاد نیوز: حسین ساسانی تحلیلگر توسعه با اشاره به اینکه در سال‌های اخیر شاخص حقوق مالکیت سیر نزولی داشته، گفت: اولین کاری که باید حاکمیت انجام دهد، اجرای بدون قید و شرط حقوق مالکیت در کشور است و باید قوانین آن را





پیشنهادهایی برای بهبود فضای کسب و کار و ورود سرمایه‌گذار خارجی تصریح کرد: باید به میزان ۵۰ درصد مقررات دولتی حاکم بر کسب و کار کاهش یابد. به این معنی که دولت برنامه عملی برای آینده کسب و کار بگذارد تا تمامی مقررات حاکم بر کسب و کارها را کاهش یابند. زیرا هر اندازه مقررات بیشتر باشد محدودیت و موانع برای کسب و کارها بیشتر می‌شود، از این رو سرمایه‌گذار خارجی نیز حاضر نخواهد بود در ایران کسب و کاری با شرکای ایرانی راه‌اندازی کنند، زیرا عقلانی نیست که در چنین فضایی کسب و کاری کند و هر روز با موانع جدیدی مواجه شود. وی افزود: پیشنهاد دیگر این است که مالکیت خارجی به ویژه در صنعت بانکداری صد در صد آزاد شود. به این معنی که طبق قوانین کشور، به سرمایه‌گذار خارجی گفته می‌شود که در صورت سرمایه‌گذار خارجی، تنها ۴۰ درصد به وی متعلق است و مابقی متعلق به شریک ایرانی است. به دلیل اینکه ۶۰ درصد سهم دست ایران است، ایران می‌تواند هر زمان که بخواهد سرمایه‌گذار را کنار گذارد. از اینرو هنگامی که سرمایه‌گذار متوجه می‌شود که حق مدیریت بر سرمایه خود ندارد، سرمایه خود را به ایران نمی‌آورد. به گفته این کارشناس، بنابراین برای جذب سرمایه خارجی لازم است که مالکیت صد در صدی برای کسب و کارهای خارجی به ویژه در حوزه بانکداری

مصوب و به رسمیت شناخته شود. ساسانی در تشریح جزئیات پیشنهاد خود با تأکید بر اینکه باید امکان سلب مالکیت فردی به طور کامل و مطلق از بین برود گفت: هم اکنون قانونی در کشور وجود دارد که حاکمیت اجازه دارد بر اساس آن هر کجا که احساس خطر کرد وارد شود و مالکیت فردی را سلب کند. از این رو لازم است برای پرهیز از حاکمیت سلیقه در این کار از سلب مالکیت و توقیف اموال به صورت صد در صد جلوگیری شود و هر گونه قانون مرتبط با حق مالکیت فردی

در حال حاضر این آمادگی در دنیا وجود دارد که به ایران آیند و در ایران سرمایه‌گذاری کنند، چرا که ایران برای سایر کشورها بازار جذابی است و این جذابیت بازار برای سرمایه‌گذار می‌تواند به گونه‌ای باشد که هر چه سریع‌تر به ایران آیند، اما سرمایه جایی می‌رود که در آنجا احساس امنیت وجود داشته باشد.



ملغی شود.

وی افزود: موضوع دیگر، در بخش کسب و کارها وجود یک سری قوانین دست و پاگیر وجود است که بخش خصوصی هم این کار را انجام می‌دهد، به گونه‌ای که برای از بین بردن برخی قوانین، قوانین دیگری ایجاد می‌کنند. در حال حاضر قانون توسعه فضای کسب و کار و قوانین رفع موانع تولید نوشته شده است درحالی‌که روح فضای کسب و کار با نوشتن قانون منافات دارد.

وی افزود: در هیچ بخشی از دنیا نمی‌توان جایی را پیدا کرد که برای رفع موانع تولید و رفع موانع توسعه کسب و کار قانونی وجود داشته باشد، بنابراین پیشنهاد می‌شود که کلیه قوانین دست و پاگیر به صورت صد در صد حذف شود نه اینکه قوانین جدید نگارش شود.

ساسانی ادامه داد: دیگر پیشنهاد کاهش تعرفه‌های بازرگانی است. یکی از ویژگی‌های کسب و کار این است که هر زمان که می‌خواهیم تعرفه‌های کسب و کار را افزایش و کاهش ندهیم و در کسب و کار ثبات ایجاد کنیم. از این رو پیشنهاد می‌شود تمامی تعرفه‌های بازرگانی در ابتدا کاهش یابد و سپس در آن‌ها بازنگری صورت گیرد.

وی گفت: اگر می‌خواهیم با جهان مرادده داشته باشیم، باید قوانین مرتبط با سازمان تجارت جهانی را در عمل بپذیریم. بنابراین پذیرش قوانین سازمان تجارت



آزاد جهانی و ایجاد آمادگی‌های لازم برای ورود به این سازمان باید در کوتاه‌ترین زمان مهیا شود.

ساسانی افزود: دیگر اینکه گمرک موانع زیادی در کسب و کار ایجاد می‌کند، رویه‌ها در کشور محدود کننده است، از این رو پیشنهاد می‌شود بازنگری دقیق و کاملی در رویه‌ها و فرآیندها گمرکی صورت گیرد و سعی شود که این رویه‌ها و فرآیندها به حداقل خود رسد.

این تحلیلگر توسعه پایدار با اشاره به شاخص دیگری از گزارش مجمع جهانی اقتصاد که ایران نیز در آن حضور دارد، اظهار کرد: نام این شاخص بار رویه‌های گمرکی بر کسب و کار است، باری که این رویه‌ها در ایران دارد، زیاد است، در سال ۲۰۱۳ رتبه ایران ۱۰۰، در سال ۲۰۱۴ رتبه ۱۰۳ و در سال ۲۰۱۵ رتبه ۱۱۶ بوده است که بیانگر سیر نزولی بوده است که در میان سایر کشورها جزو آخرین کشورها است.

وی گفت: این شاخص نشان می‌دهد که باید بازنگری دقیق رویه‌ها و قوانین و ساختار گمرک به وجود آید. باید ساختار گمرک مهندسی مجدد شود.

به گفته ساسانی، فراهم شدن خدمات مالی با کیفیت از طریق ورود بانک‌های خارجی به کشور باید صورت گیرد. شاخص موجود در این بخش خدمات مالی با عنوان منطقی بودن خدمات مالی است.

این تحلیلگر گفت: در سال ۲۰۱۳ رتبه

ایران در این گزارش ۱۲۸، در سال ۲۰۱۴ رتبه ۱۳۵ و در سال ۲۰۱۵ رتبه ۱۳۰ بوده است. این نشان می‌دهد هنگامی که خدمات مالی مناسب و با کیفیت برای سرمایه‌گذار خارجی در کشور ایجاد نشود، سرمایه‌گذار حاضر نخواهد شد که برای سرمایه‌گذاری به کشور آید. چرا که یکی از درخواست‌های سرمایه‌گذار در اختیار داشتن خدمات مالی بانکداری است و زمانی موفق است که بتواند خدمات مالی با کیفیت را دریافت کند.

وی تصریح کرد: پیشنهاد دیگر این است که دولت در سیاست‌های خود باید حداکثر شفاف‌سازی را رعایت کند، بدین معنی که باید سیاست‌گذاری‌های مختلف نداشته باشد و در این میان شفاف‌سازی داشته باشد به گونه‌ای که سیاست‌گذاری‌های دولتی متناقض یکدیگر نباشد و ثبات در سیاست‌گذاری وجود داشته باشد.

به گفته ساسانی، تا زمانی که دولت بزرگی با هزینه‌های زیادی داریم، به این معنی که مکانیزم‌های اقتصاد دولتی در کشور حاکم است، کار سرمایه‌گذاری در کشور اندکی مشکل می‌شود؛ از این رو باید مکانیزم‌های اقتصاد آزاد جایگزین مکانیزم‌های اقتصاد دولتی شود و هزینه‌های دولت تا پایان سال ۹۵ حدود ۳۰ درصد کاهش یابد. اگر این اقدامات صورت گیرد و در کنار آن‌ها باور و اعتقاد مدیران و سیاستگذاران به این سمت

باشد که باشد از سرمایه‌گذار خارجی حمایت شود، به فضای کسب و کار کمک می‌کند. چرا که تا زمانی که سیاستگذاران این را قبول نکنند، نمی‌توان کمکی در این رابطه انجام داد.

وی در پاسخ به اینکه ایران تا چه زمانی فرصت اجرای این اقدامات را دارد تا سرمایه‌گذاران خارجی به کشور آیند، افزود: پیش‌بینی می‌شود انجام این اقدامات به بیش از یکسال نیاز ندارد و اگر وقت زیادی صرف شود، آن زمان فرصت‌های سرمایه‌گذاری ایران از بین می‌رود.

این تحلیلگر تاکید کرد: در دنیای امروز همانند گذشته نیست که آرام آرام کار شود، در حال حاضر فرصت‌های سرمایه‌گذاری توسط سایر کشورها شکار می‌شود. اگر می‌خواهیم از این فرصت‌ها استفاده در مدت یکسال این بسترها را اجرایی کنیم تا سرمایه‌گذار برای ورود به کشور ایجاد امنیت کند. در حال حاضر این آمادگی در دنیا وجود دارد که به ایران آیند و در ایران سرمایه‌گذاری کنند، چرا که ایران برای سایر کشورها بازار جذابی است و این جذابیت بازار برای سرمایه‌گذار می‌تواند به گونه‌ای باشد که هر چه سریع‌تر به ایران آیند، اما سرمایه جایی می‌رود که در آنجا احساس امنیت وجود داشته باشد. اگر این بسترها ایجاد نشود، سرمایه فرار خواهد کرد.